



خداوند ایمان را برای پاکی از شرک ... و عدل و داد را
برای آرامش دل‌ها واجب نمود.

رسول اکرم (صلی ... علیه و آله)

راهنمای اصول اساسی جایگزین های حبس

مترجمان:

خلیل آفنداک

المیرا حسن دوست



معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه

عنوان و نام پدیدآور	: راهنمای اصول اساسی جایگزین‌های حبس/مترجمان خلیل آفنداک، المیرا حسن‌دوست.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات روانشناسی و هنر، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۱۴ص.
شابک	: 978-600-5772-99-9
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی: Handbook of basic principles and promising practices an alternatives to imprisonment.
موضوع	: زندان -- مجازات‌های جایگزین
شناسه افزوده	: آفنداک، خلیل، ۱۳۴۸ - ، مترجم
شناسه افزوده	: حسن‌دوست، المیرا، ۱۳۵۰ - ، مترجم
رده بندی کنگره	: HV/۹۲۷۶/۵ ۲/۱۳۹۲
رده بندی دیویی	: ۳۶۴/۶۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۱۵۰۱۴۲

تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

پیشگفتار	۹
مقدمه مترجمان	۱۱
تقدیر و سپاسگزاری	۱۷
مقدمه	۱۹
۱. معرفی جایگزین‌های حبس	۲۱
۱-۱. چرا جایگزین‌های حبس باید مورد بررسی قرار گیرد؟	۲۱
۱-۲. چه اقداماتی باید انجام گیرد؟	۲۷
۱-۳. چه کسی باید استراتژی‌های جایگزین حبس را طراحی کند؟	۲۸
۱-۴. چالش‌های اصلی	۲۹
۱-۵. نقش سازمان ملل	۳۰
۲. محدودیت رجوع به سیستم عدالت کیفری	۳۳
۱-۲. جرم‌زدایی	۳۳
۲-۲. قضا‌زدایی	۳۴
۲-۳. چه کسی باید اقدام کند؟	۳۷
۳. فرآیندهای پیش از محاکمه، پیش از محکومیت و پیش از صدور حکم حبس	۳۸
۳-۱. کلیات	۳۸
۳-۲. جایگزین‌های حبس پیش از محاکمه	۴۰

- ۳-۳. ملاحظات در اجرای جایگزین‌های حبس پیش از محاکمه ۴۱
- ۳-۴. شرایط بنیادین لازم برای جایگزین‌های حبس پیش از محاکمه ۴۵
- ۳-۵. چه کسی باید اقدام کند؟ ۴۷
۴. حکم حبس و مجازات‌های جایگزین ۴۷
- ۴-۱. حکم حبس ۴۷
- ۴-۲. جایگزین‌های ممکن برای مجازات حبس ۴۹
- ۴-۳. مجازات‌های غیر اسلب آزادی خاص ۵۲
- ۴-۴. شرایط بنیادین لازم برای جایگزین‌های حبس ۶۴
- ۴-۵. انتخاب جایگزین‌های حبس در مرحله صدور حکم ۶۷
- ۴-۶. چه کسی باید اقدام کند؟ ۷۱
۵. آزادی پیش از موعد ۷۲
- ۵-۱. انواع آزادی پیش از موعد ۷۲
- ۵-۲. آزادی پیش از موعد: مسائل مربوطه و راه‌کارها ۷۷
- ۵-۳. آزادی پیش از موعد به دلایل ترحم‌آمیز ۸۰
- ۵-۴. آزادی مشروط و زیرساخت اجرایی آن ۸۲
- ۵-۵. چه کسی باید اقدام کند؟ ۸۴
۶. گروه‌های خاص ۸۵
- ۶-۱. کلیات ۸۵
- ۶-۲. کودکان ۸۶
- ۶-۳. مجرمان مواد مخدر ۹۳
- ۶-۴. بیماران روانی ۹۷
- ۶-۵. زنان ۱۰۱
- ۶-۶. گروه‌هایی غیر از آنچه تا به حال معرفی شده‌اند ۱۰۳
۷. حرکت به سوی یک استراتژی پیوسته ۱۰۵
- ۷-۱. پایه علمی ۱۰۷
- ۷-۲. نوآوری‌های سیاسی ۱۰۸

۱۰۸.....	۷-۳. اصلاح قانونی.....
۱۰۹.....	۷-۴. زیرساخت‌ها و منابع.....
۱۰۹.....	۷-۵. گسترش شبکه.....
۱۰۹.....	۷-۶. کنترل و نظارت.....
۱۱۰.....	۷-۷. توسعه جایگزین‌ها.....
۱۱۱.....	۷-۸. رسانه‌ها و جایگزین‌های حبس.....
۱۱۱.....	۷-۹. عدالت و برابری.....
۱۱۱.....	نتیجه.....

پیشگفتار

مجازات حبس تا مدت‌ها در مقایسه با مجازات‌های شدید بدنی، مجازاتی انسانی و وسیله‌ای مناسب برای اصلاح و درمان مجرمین تلقی می‌شد. اما با گذر زمان و ظاهر شدن کمبودهای این مجازات، رفته رفته دیدگاه‌ها نسبت به زندانی نمودن مجرمین تغییر یافت. ناکارآمدی حبس در اصلاح و درمان مجرمین، تبدیل شدن زندان به محیطی برای یادگیری رفتارهای مجرمانه، هزینه‌های بالای نگهداری زندانیان برای کشور، آسیب‌های ناشی از زندانی نمودن سرپرست خانواده و تعارض آن با اصل شخصی بودن مجازات‌ها، برخی ایراداتی است که استفاده بی چون و چرا از مجازات حبس را با چالش جدی مواجه نموده است. از این رو تلاش برای بکارگیری سایر مجازات‌ها تحت عنوان جایگزین‌های مجازات حبس مورد توجه کشورها و نظام‌های حقوقی مختلف قرار گرفته است.

در ایران نیز مشکلات پیش‌گفته مورد توجه جدی مسئولان قرار گرفته و اقداماتی در راستای کاهش جمعیت کیفری و استفاده از جایگزین‌های مجازات حبس صورت گرفته است. از جمله اقدامات اخیر می‌توان به در نظر گرفتن فصلی مجزا در قانون جدید مجازات اسلامی تحت عنوان «مجازات‌های جایگزین حبس» و پیش‌بینی نظام نیمه آزادی اشاره نمود. لایحه آئین دادرسی کیفری نیز به مقررات مربوط به اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی پرداخته است و همچنان نیز چاره‌اندیشی برای مقابله با بالا رفتن جمعیت کیفری از اولویت‌های مهم کشور و به‌ویژه دستگاه قضایی محسوب می‌شود.

به همین منظور و با توجه به فواید غیر قابل انکار استفاده از تجربیات سایر کشورها به عنوان مقدمه‌ای برای حل این مسأله، کتاب حاضر برای ترجمه مورد توجه مرکز مطالعات اجتماعی و جرم‌شناسی معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه قرار گرفت. امید است مطالعه این کتاب برای مسئولان و تصمیم‌گیران و همچنین قضات و سایر متولیان امر مفید واقع گردد.

در پایان از زحمات آقای خلیل آفنداک و خانم المیرا حسن‌دوست که ترجمه این کتاب را برعهده داشتند، تشکر بعمل می‌آید.

و من الله التوفیق

ابوالقاسم خدادی

مرکز مطالعات اجتماعی و جرم‌شناسی

معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه

مقدمه مترجمان

حقوق کیفری در قالب قوانین جزایی و در راستای برقراری امنیت و ثبات اجتماعی، اقدام به تعریف جرایم و بیان ضمانت‌اجراهای آن (مجازات) می‌کند تا بتواند با یاری و مشارکت اعضا و مقامات سیستم عدالت کیفری (قضات دادگاه‌ها، دادستان‌ها، مدیران اجرای مجازات در زندان، وکلا و ...) به اهداف مورد نظر خود دست یابد. آنچه که در تاریخچه اعمال مجازات و انواع آن می‌توان ملاحظه کرد، خشن بودن، شدید بودن، بدنی و جسمی بودن و در برخی مواقع، خلاف کرامات و شأن انسانی بودن مجازات‌هاست. در خصوص علت اعمال این مجازات‌ها، عمده‌ترین هدف، انتقام‌گیری، تنبیه و تحقیر مجرم بود. پس از انقلاب کبیر فرانسه، به‌خصوص در طول قرن نوزدهم، انواع مجازات، اهداف آن، نحوه و چگونگی اعمال و اجرای آن و از همه مهم‌تر، شخصیت فرد مجرم، دقت نظر حقوق‌دانان کیفری، قضات دادگاه‌ها و مقامات اجرای مجازات را به خود جلب کرد. از یک طرف، توجه به مجرم به‌عنوان یک بیمار اجتماعی و فردی که در عین خطاکار و مستحق تنبیه بودن، به‌عنوان یک انسان، دارای حقوقی است و از طرف دیگر، فکر بازسازی مجدد او پس از تحمل مجازات و امکان حضور مجدد او در جامعه با تمایلات سالم اجتماعی و شخصیتی، سبب شد تا همواره شدت مجازات و اندیشه انتقام‌جویی از فعل او، مورد حمایت قرار نگیرد. بر این اساس رفته‌رفته از تعداد و انواع مجازات‌های بدنی که به نوبه خود، خشن و شدید هم بودند، کاسته شده و مجازات‌های جایگزین آن و عمدتاً حبس و سلب آزادی، به کار برده شد.

در همین راستا، هدف از اعمال مجازات نیز، از انتقام‌جویی و تنبیه صرف، به سمت اصلاح و بازسازی او تغییر کرد.

مجازات حبس در قوانین بیشتر کشورها به‌راحتی پذیرفته شده و در پاره‌ای از موارد، شکل معمولی و بدیهی تنبیه و کیفر دادن نیز تلقی می‌شود. چنین نگرشی نه‌تنها در بین افراد عادی جامعه، بلکه در بین مقامات سیستم عدالت کیفری نیز قابل مشاهده است. کثرت اعمال مجازات حبس در کشورهای مختلف دنیا به‌عنوان یک ضمانت‌اجرا در برابر اعمال مجرمانه، مؤید این بینش است.

ازدحام جمعیت زندان‌ها در دنیا (بالغ بر ۹ میلیون نفر) در سال‌های اخیر و هزینه‌های گزاف نگه‌داری، مراقبت و تربیت زندانیان، مقامات شاغل و مسئول در سیستم‌های عدالت کیفری، کشورهای دنیا را بر آن داشت تا در خصوص عوامل مؤثر در کاهش این آمار بررسی کنند که در این میان، به نتایج خوبی نیز دست یافته‌اند؛ برای مثال، می‌توان به نتایج زیر اشاره کرد:

- جرم‌زدایی از تعداد زیادی از جرایم که سبب می‌شد افراد زیادی به اتهام‌های غیر مهم وارد محیط زندان شوند؛
- خودداری از به کارگیری بیش از حد بازداشت موقت متهمان؛
- استفاده از آزادی مشروط؛
- به کارگیری سیستم تعلیق اجرای مجازات؛
- استفاده از جایگزین‌های موجود و متبادر به ذهن در مورد حبس؛
- نظارت و دقت در خصوص ساختار فیزیکی زندان، امکانات موجود در آن، ایجاد زندان‌های مختلف برای زندانیان مختلف^۱ (در حد توان مالی کشورها) و

۱. به چند نمونه از انواع زندان‌ها در کشورهای مختلف اشاره می‌شود:

زندان سن پدرو در بولیوی: این زندان بزرگ‌ترین زندان بولیوی است که ظرفیت آن ۱۵۰۰ نفر است. از بیرون با دیوارهای ضخیم و برج‌های نگهبانی، کاملاً شبیه به یک زندان است. اما وقتی وارد می‌شوید، دیگر خبری از زندان نیست. کودکانی که در حیاط زندان بازی می‌کنند، رستوران، آرایش‌گاه، مغازه‌های کوچک و حتی هتل این زندان، آن را بیش‌تر به یک شهر کوچک مانده کرده است تا زندان. ←

طبقه‌بندی زندانیان؛

- به کارگیری افراد متخصص در داخل زندان که به‌عنوان مددکار اجتماعی می‌توانند بیشترین نقش را در شناسایی شخصیت زندانی و بازسازگار کردن آن داشته باشند.

افزایش جمعیت کیفری زندان‌های کشورمان در سال‌های اخیر، موجب شده است که بحث پیش‌گفته در مدیریت سیستم قضایی مطرح شده و با جمع نظریات حقوق‌دانان، قضات و مدیران و کارشناسان سازمان زندان‌ها، درصدد کاهش این جمعیت و امکان‌پذیری و اصلاح جمعیت موجود در زندان‌ها برآیند.

→ در این زندان، از محافظ، مأمور، میله‌های زندان و لباس فرم خبری نیست. سلول‌ها در این زندان اجاره داده می‌شوند و یا اگر زندانی بخواهد، می‌تواند آن را تا زمان اتمام محکومیت خریداری کند. تعدادی از زندانیان با کار کردن در مغازه‌های زندان، رستوران و یا انجام کارهای زندان، امرار معاش می‌کنند و تعدادی نیز با ساخت صنایع دستی و فروش آن‌ها در خارج از زندان، کسب درآمد می‌کنند. برخی از زندانیان با خانواده‌های خود زندگی می‌کنند و فقط همسران و بچه‌های آن‌ها می‌توانند برای خرید و یا فروش اجناس از زندان خارج شوند. همانند یک شهر، خانه‌ها، سلول‌ها، در قسمت‌های مختلف زندان قیمت‌های متفاوتی دارند. به‌عنوان مثال، سلول‌های قسمت Los pinos، نسبت به دیگر قسمت‌های زندان اجاره بالاتری دارند؛ بزرگ‌تر بوده و به آشپزخانه و سرویس بهداشتی مجزا مجهز هستند. قیمت خرید این سلول‌ها بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ دلار است. در قسمت‌های محروم این زندان، گاهی دو خانواده مجبورند در یک سلول با هم زندگی کنند. توریست‌ها نیز می‌توانند آزادانه از این زندان دیدن و اگر مایل باشند در هتل این زندان اقامت کنند.

زندان آرانجوز در اسپانیا: زندان آرانجوز واقع در ۴۰ کیلومتری جنوب شهر مادرید، تنها زندان جهان است که مختص به زن و شوهرهای خلاف‌کار است. این زندان دارای ۳۶ سلول خانوادگی، یک مهد کودک و زمین بازی است تا پدر و مادرهای خلاف‌کار، بچه‌های خود را نیز در زندان در کنار خود داشته باشند.

زندان ادکس در فلورنس: زندان ادکس در شهر فلورنس در ایالت کولورادو آمریکا با امنیت‌ترین زندان جهان است که فرار از آن غیرممکن است. این زندان در سال ۱۹۹۴ تأسیس شده و به دلیل ضریب امنیتی بسیار بالا، فقط جنایت‌کاران خطرناک را در آن نگاه‌داری می‌کنند. در آن‌جا زندانیان هیچ‌گونه ارتباطی با هم ندارند و تنها ۹ ساعت در هفته می‌توانند از سلول‌های خود خارج شوند. به دلیل نداشتن پنجره، زندانیان کاملاً از نور خورشید محروم هستند (به نقل از نشریه داخلی هواپیمایی ساها، ش ۲، صص ۵۳-۵۲).

در این راستا، استفاده از تجربیات کشورهای دیگر - به‌ویژه کشورهای که در این خصوص به موفقیت‌هایی نیز دست یافته‌اند - امری بدیهی، منطقی و عقلایی بوده و روند تحقق سیاست حبس‌زدایی و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها را تسریع خواهد کرد.

سازمان ملل متحد در جهت متمرکز کردن منابع و توان خود و به منظور یافتن بهترین فعالیت‌های انجام‌شده جهانی در این خصوص و پیشنهاد آن به اعضای جامعه جهانی، اقداماتی را انجام داده و نتیجه آن را در قالب اسناد بین‌المللی چاپ و منتشر کرده است. برای نمونه می‌توان به «سند بین‌المللی بهبود نظام زندانبانی»^۱ اشاره کرد که خوش‌بختانه به سفارش مرکز آموزشی و پژوهشی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی کشورمان و به قلم شیوای آقای دکتر حسن طغرانگار ترجمه و تحت عنوان «حبس انسان‌مدار» چاپ و منتشر شده است. هم‌چنین می‌توان «حداقل قواعد استاندارد ملل متحد برای اقدامات جایگزین حبس (قواعد توکیو)»^۲ و «قواعد استاندارد برای رفتار با زندانیان»^۳ را نیز به اقدامات سازمان ملل افزود. «کتاب راهنمای اصول اساسی و اقدامات نویدبخش در خصوص جایگزین‌های حبس» که توسط اداره جرم و مواد مخدر سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۷ تهیه و چاپ شده است نیز از جمله این تلاش‌هاست. این کتاب نه به‌عنوان یک سند بین‌المللی بلکه در قالب یک متن راهنما و پیشنهادی و ارشادی به جامعه بین‌المللی عرضه شده است.

اصول کلی بیان‌شده در این کتاب، شالوده تحقیقات، تجربیات و مطالعات اساتید برجسته و سرشناس حقوق کیفری و جرم‌شناسی و مقامات سیستم‌های عدالت کیفری کشورهای مختلف است. کتاب حاضر دربردارنده نظریات پایه‌ای و اساسی در مورد جایگزین‌های حبس است که مطالعه آن برای مقامات قضایی و مقامات مجری احکام حبس و مدیران زندان‌ها، مفید فایده به نظر می‌رسد. در سال‌های اخیر اقدامات و

1. International Prison Policy Development Instrument.

2. United Nations Standard Minimum Rules For Non-Custodial Measures (The Tokyo Rules).

3. Standard Minimum Rules For The Treatment Of Prisoners.

تلاش‌های فراوانی به مدیریت دستگاه قضایی کشورمان در راستای حبس‌زدایی انجام شده و یافته‌های اساتید دانشگاه‌های کشورمان و تمامی محققان در این خصوص چشم‌گیر بوده است که امیدواریم هم‌چنان ادامه داشته باشد. با این حال، در نظر داشتن راه‌کارهای پیشنهادی در این مجموعه نیز ما را در تحقق اهداف کاهش مجازات حبس و فایده‌مند کردن، آن بیش از پیش موفق خواهد کرد.

با این امید و اندیشه و با بضاعتی هرچند کم، اقدام به ترجمه این کتاب کردیم. امیدواریم محققان و دانش‌مندان علم حقوق کشورمان نقاط ضعف موجود در ترجمه را به دیده اغماض نگریسته و ایرادات وارده را بر ما ببخشند.

خلیل آفنداک
عضو هیئت علمی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر

المیرا حسن‌دوست
کارشناس مرکز آموزشی
سازمان زندان‌های تبریز

تقدیر و سپاس‌گزاری

کتاب راهنمای جایگزین‌های حبس توسط دریک ون زیل اسمیت،^۱ استاد حقوق کیفری تطبیقی و بین‌المللی دانشگاه ناتینگهام انگلستان و استاد اسبق جرم‌شناسی و رئیس هیئت علمی حقوق دانشگاه کپ‌تاون آفریقای جنوبی برای اداره جرم و مواد مخدر سازمان ملل^۲ تهیه شده است.

این کتاب راهنما، در گردهمایی گروه کارشناسی که از ۳۱ اکتبر تا ۱ نوامبر ۲۰۰۵ در اداره جرم و مواد مخدر سازمان ملل وین برگزار شد، مورد بازبینی و بررسی مجدد قرار گرفت. اداره جرم و مواد مخدر سازمان ملل، مباحثات ارزش‌مند کارشناسان شرکت‌کننده در آن همایش را تأیید و از آن‌ها قدردانی کرد. سپس مجدداً توسط سوزان اشنایدر^۳ و شرمن ایساری،^۴ مشاوران اداره جرم و مواد مخدر سازمان ملل، ویرایش و بازنویسی شد.

اداره جرم و مواد مخدر سازمان ملل هم‌چنین از پشتیبانی و حمایت دولت‌های کانادا، سوئد و نروژ در خصوص تهیه این کتاب سپاس‌گزاری می‌کند.

1. Drick van Zyl Smit
2. UNODC
3. Suzanne Schneider
4. Sherman Esarey

مقدمه

این کتاب راهنما یکی از مجموعه ابزارهای عملی‌ای است که توسط اداره جرم و مواد مخدر سازمان ملل برای پشتیبانی کشورها در اجرای قانون و پیشبرد روند اصلاح قانون جزا تهیه شده است و در بافت‌های متعددی به‌عنوان بخشی از پروژه‌های ظرفیت‌ساز اداره جرم و مواد مخدر سازمان ملل قابل استفاده است. این کتاب خواننده را با اصول بنیادین مفاهیم جایگزین‌های حبس و هم‌چنین تشریح اقدامات نویدبخش که در سرتاسر جهان به کار گرفته شده، آشنا می‌کند.

این کتاب پیشنهادهای ساده و اطلاعات قابل قبولی پیرامون جایگزین‌های حبس در هر مرحله از جریان دادرسی کیفری ارائه می‌دهد؛ اطلاعاتی درباره علل اصلی به کارگیری جایگزین و اقدامات عاملان در خصوص تضمین موفقیت کاربرد آن‌ها و مثال‌هایی از نظام‌های عدالت کیفری که میزان استفاده از کیفر حبس را کاهش داده‌اند. این راهنما برای قضات، سازمان‌های غیردولتی و اعضای جامعه که در جهت کاهش وابستگی به مجازات حبس کار می‌کنند و به منظور بهبود ارائه عدالت در زمینه بازسازی، هم‌بستگی و ترکیب هنجارها و استانداردهای حقوق بشر در سیاست‌های اجتماعی تهیه و تألیف شده است.

این کتاب استراتژی‌های عمومی کاهش رجوع به دادگاه کیفری و در نتیجه، اجتناب از حبس را مورد بررسی قرار می‌دهد. هم‌چنین به بررسی وجوه مختلف جایگزین‌های حبس می‌پردازد که به هنگام نیازسنجی‌های دادگاه کیفری باید مورد توجه قرار گیرد. از

همه مهم‌تر، به اجرای جایگزین‌های حبس در مراحل مختلف دادگاه کیفری نیز می‌پردازد که عبارتند از:

- مرحله پیش از دادرسی یا محاکمه؛
- مرحله محکومیت؛
- مرحله آزادی پیش از موعد زندانیان.

این کتاب هم‌چنین استراتژی‌های روشن کاهش حبس را در چهار گروه اصلی زیر برای کسانی که حبس، اثرات زیان‌بخشی بر آن‌ها دارد و افرادی که در هر سطح از اجرای جایگزین‌های حبس ذینفع هستند، مشخص می‌کند:

- کودکان؛
- مجرمان مواد مخدر؛
- بیماران روانی؛
- زنان.

نهایتاً، به محتوای انتقادی می‌پردازد که در ارائه یک استراتژی برای طراحی و به کارگیری مجموعه یک‌پارچه‌ای از جایگزین‌های حبس به منظور کاهش جمعیت زندان باید مورد بررسی قرار گیرد؛ هم‌چنین فهرستی از عوامل و اجزای اصلی و نیز خطرات احتمالی و راه‌های اجتناب از آن‌ها را بیان می‌کند. این کتاب صرفاً به‌عنوان نسخه سیاسی برای جایگزین‌های خاص حبس نبوده، بلکه در جهت ارائه راهنمایی در خصوص به کارگیری جایگزین‌های متعددی از حبس است که هنجارها و استانداردهای سازمان ملل را با هم در یک‌جا جمع کرده است.

۱. معرفی جایگزین‌های حبس

۱-۱. چرا جایگزین‌های حبس باید مورد بررسی قرار گیرد؟

زندان‌ها در هر کشوری از جهان یافت می‌شوند. بنابراین سیاست‌گذاران و مدیران، آن‌ها را به راحتی پذیرفته و در جهت یافتن جایگزینی برای آن تلاش نکرده‌اند. با وجود این، نباید حبس، شکل معمولی و طبیعی تنبیه و مجازات محسوب شود. در بسیاری از کشورها کاربرد حبس به عنوان شکلی از مجازات نسبتاً جدید است. شاید مخالف سنت‌های فرهنگی محلی باشد که برای هزاران سال، وابسته به روش‌های متعدد مقابله با جرم بوده است. به علاوه حبس در توان‌بخشی و بازگشت مجدد افرادی که جرایم سبک‌تری را مرتکب شده‌اند و هم‌چنین در مورد قشر آسیب‌پذیر، نتیجه معکوس داشته است.

با این حال، در عمل، استفاده از حبس روی هم‌رفته در سرتاسر جهان در حال افزایش است؛ حال آن‌که دلایل چندانی بر افزایش امنیت عمومی در نتیجه استفاده روزافزون از حبس وجود ندارد. امروزه بیش از نه میلیون زندانی در سراسر جهان وجود دارد و این تعداد در حال افزایش است.^۱ واقعیت این است که تعداد روزافزون زندانی‌ها اغلب به ازدحام جمعیت در زندان‌ها منجر می‌شود و شرایطی را در زندان به وجود می‌آورد که استانداردهای رفتار محترمانه با زندانی‌ها و حقوق بشر را نقض می‌کند.

۱. آر. والمسلی، فهرست جمعیت زندان‌های جهان، مرکز بین‌المللی مطالعات زندان، کالج کینگ، لندن،

دلایل مهم زیادی مبنی بر توجه اولیه به جایگزین‌های حبس وجود دارد که تعداد زندانی‌ها را کاهش داده و حبس را تنها به‌عنوان آخرین گزینه انتخاب می‌کند.

حبس و حقوق بشر

آزادی فردی در سرتاسر جهان، به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین حقوق انسان در اسناد حقوق بشری، شناخته شده است. دولت‌ها برای دستیابی به این حق، حتی به‌طور موقت، وظیفه دارند که استفاده از حبس را لزوماً برای دستیابی به یک هدف اجتماعی ارزشمند و در صورت عدم دسترسی به ابزار محدودتر به کار ببرند.

فقدان آزادی نتیجه اجتناب‌ناپذیر حبس است، ولی در عمل، حبس به‌تدریج بسیاری از حقوق دیگر بشر را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در بیشتر کشورهای جهان، زندانی‌ها از امکانات اساسی زندگی محرومند. آن‌ها اغلب در شرایط پرازدحام، با پوشاک کم و سوءتغذیه به سر می‌برند. آن‌ها به‌ویژه در مقابل بیماری‌ها آسیب‌پذیر بوده و درمان بهداشتی ضعیفی به آن‌ها ارائه می‌شود. در ارتباط با فرزندان و دیگر اعضای خانواده‌شان مشکل دارند. چنین شرایطی بی‌اغراق زندگی زندانی‌ها را به خطر می‌اندازد.

محاکم حقوق بشری دریافته‌اند که قرار دادن زندانی‌ها در چنین شرایطی، مقام و بزرگی شأن انسان را از بین می‌برد. این شرایط بر خلاف انسانیت است. در بیش‌تر موارد، اکثریت این زندانی‌ها مرتکب جرایم کم‌اهمیت بوده و بیشتر آن‌ها منتظر محاکمه هستند؛ بنابراین بهتر بود به جای حبس، با جایگزین مناسب‌تری این دوره انتظار طی می‌شد. اجرای جایگزین‌های مؤثر حبس، ازدحام زندان‌ها را کاهش داده و مدیریت آن را در انجام تعهدات اساسی در قبال مراقبت از زندانی‌ها آسان‌تر خواهد کرد.

حبس پرهزینه است

برآورد هزینه حبس در جهان بسیار مشکل است. با این حال، در دقیق‌ترین تخمین‌ها، سالانه در حدود ۶۲/۵ میلیارد دلار در آمار سال ۱۹۹۷ برآورد شده است.^۱ مخارج

۱. جی. فارل و ک. کلارک، در طی فرآیند عدالت کیفری به‌طور کلی در جهان چه هزینه‌ای صرف می‌شود؟

(صفحه ۲۰) مؤسسه اروپایی پیشگیری و کنترل جرم وابسته به سازمان ملل (هلسینکی، ۲۰۰۴)

مستقیم شامل ساختمان و مدیریت زندان‌ها و هم‌چنین اسکان، خوراک و مراقبت و نگهداری از زندانی‌هاست. برخی هزینه‌های غیر مستقیم یا جانبی نیز وجود دارد؛ به طوری که حبس، جامعه گسترده‌تری را در روش‌های منفی متعدد، تحت تأثیر قرار می‌دهد. مثلاً زندانی‌ها منشأ بیماری‌هایی نظیر سل و ایدز هستند؛ مخصوصاً زمانی که این مکان‌ها بسیار پرجمعیت و پرازدحام باشد. هنگامی که زندانیان آزاد می‌شوند، آن‌ها قطعاً در سرایت هرچه بیشتر این بیماری‌ها نقش فعالی خواهند داشت.

هدف زندان پرجمعیت

برآوردهای بین‌المللی اصلاح مجازات بیان‌گر این امر است که در حال حاضر نُه میلیون نفر در زندان بوده و یا در سطح پایین‌تری از استانداردهای منطقی حقوق بشر محبوس بوده و فرصت بازگشت آن‌ها به جامعه بسیار کم است. ازدحام جمعیت در زندان اغلب سلامت عمومی را به مخاطره می‌اندازد، کنترل خشونت در داخل زندان را سست و تضعیف می‌کند، محیط خطرناکی برای کارکنان زندان به وجود می‌آورد و تهیه کمترین استانداردهای معین‌شده توسط سازمان ملل از جمله نور، هوا، نزاکت و حریم شخصی را ناممکن می‌کند.

اظهاریه کواگادو^۱ در خصوص تسریع روند اصلاح قانون جزا و زندان در آفریقا در سال ۲۰۰۲ خواستار اقدام علیه ازدحام است: «نمایندگی‌های عدالت کیفری باید نهایت سعی خود را انجام دهند تا جایی که امکان دارد، کمتر از مجازات حبس استفاده کنند. جمعیت زندان تنها از طریق استراتژی هماهنگ و مشترک کاهش خواهد یافت.»

سازمان بین‌المللی اصلاح مجازات، به منظور کاهش ازدحام جمعیت در زندان، طرحی شامل ده بند ارائه کرده است: مناظره عمومی، کاربرد زندان به‌عنوان آخرین راه چاره، افزایش ظرفیت زندان، دگرسو کردن، کاهش بازداشت پیش از محکومیت، توسعه جایگزین‌ها، کاهش طول مدت حبس و تعیین زمان ثابت

حبس، توسعه راه‌حلهایی برای دور نگه داشتن جوانان از زندان، درمان معتادان به جای مجازات آن‌ها، درمان خلاف‌کاران روانی و فراهم کردن محیط آرام برای همه آن‌ها.
منبع: سازمان بین‌المللی اصلاح قوانین جزا

هزینه حبس

در برزیل:

هزینه متوسط یک زندانی:

۸۰۰ دلار در ماه

هزینه متوسط تسهیلات ساختمان برای هر زندانی:

۱۲۰۰۰ دلار (تسهیلات با امنیت متوسط)

۱۹۰۰۰ دلار (تسهیلات با امنیت بالا)

در مقایسه با:

هزینه متوسط یک دانش‌آموز (منطقه جنوب شرقی):

۷۵ دلار ماهانه

هزینه متوسط تسهیلات ساختمان یک خانه برای فقرا:

۴۰۰۰ تا ۷۰۰۰ دلار

منبع: طرح امنیت ملی عمومی، وزارت دادگستری، برزیل، سال ۲۰۰۲

<http://www.mj.gov.br/senasp/biblioteca/documentos/PUBLIC%20SECURITY%20NATIONAL%20PLAN%20ingl%C3%AAs.pdf>

حبس بیش از حد مورد استفاده قرار گرفته است

لازم است سیاست‌گذاران به زندانی‌ها نگاه دقیق‌تری داشته باشند و مشخص شود که علت حضور آن‌ها در آن مکان چیست و چه مدت در آنجا محبوس خواهند بود؛ در حالی که پاسخ به این سؤالات به آسانی میسر نیست. مراحلی باید طی شود تا معلوم شود که این اطلاعات به‌طور مرتب به سیاست‌گذاران و دیگر مسئولان سیستم عدالت

کیفری گزارش داده می‌شود. قطعاً چنین زندانیانی برای خلاف‌های جزئی و کوچک و غیرخشونت‌آمیز محبوس بوده و یا زمان‌های بسیار طولانی در انتظار محاکمه هستند. شاید برای آن‌ها حبس اصلاً گزینه مناسبی نباشد. جایگزین‌های حبس استراتژی‌های مختلفی را برای مقابله با چنین اشخاصی پیشنهاد می‌کند که قطعاً شامل حبس نیست. بنابراین جایگزین‌ها باید نقطه آغازین حرکت در جهت اجتناب از وابستگی به حبس باشد.

شاید جایگزین‌ها مؤثرتر باشند

اهداف اجتماعی متعددی برای حبس ادعا شده است. حبس، اشخاص مظنون به ارتکاب جرم را تا زمانی که دادگاه مجرمیت آن‌ها را مشخص کند، تحت کنترل امنیتی قرار می‌دهد. هم‌چنین خلاف‌کاران محکوم را پس از محکومیت‌شان به یک جرم، از آزادی محروم کرده و با حبس در زندان از ارتکاب جرایم دیگر منع می‌کند و طبق فرض، این امکان را برای‌شان فراهم می‌کند تا در طی دوره حبس، احیا و توان‌بخشی شوند. نهایتاً حبس در مورد کسانی به کار می‌رود که به ارتکاب جرم متهم نبوده ولی بازداشت آن‌ها به دلایل دیگری قابل قبول باشد. با توجه به این‌که حبس به‌طور اجتناب‌ناپذیر برخی از حقوق بشر را نقض کرده و پرهزینه است، آیا استفاده از حبس برای رسیدن به این اهداف، کاربرد آن را توجیه می‌کند؟ واقعیت آن است که دستیابی به اهداف حبس از راه‌های دیگر، بهتر و مؤثرتر است. جایگزین‌ها علاوه بر این‌که کمتر ناقض حقوق بشر هستند، کم‌هزینه‌تر نیز هستند. انتقادهای وارد بر حبس، مواردی مانند مقیاس‌های ضداستاندارد حفظ حقوق بشر و هزینه بسیار زیاد آن است.

علل توجیه انواع مختلف حبس چیست؟

در مورد زندانی‌هایی که هنوز جرم آن‌ها ثابت نشده، حبس مستلزم مجوز خاص است. آن‌ها باید از اتهامات وارده تبرئه شده و بی‌گناه فرض شوند مگر این‌که خلاف آن ثابت شود. در این مورد، قابلیت اجرا کاملاً با علت ضرورت بازداشت مرتبط خواهد بود. مثلاً اگر دلیلی مبنی بر فرار مظنون به منظور اجتناب از محاکمه مقرر وجود داشته باشد،

این سؤال مطرح می‌شود که آیا جلوگیری از آن، از طریق دیگری که کم‌هزینه‌تر بوده و به اندازه حبس، فرد را از آزادی محروم نکند، امکان پذیر نیست؟ اگر توجیه حبس آن است که فرد مظنون احتمالاً شهود احتمالی را تهدید کرده و ترسانده باشد، همان سؤال مطرح می‌شود؛ زیرا احتمالاً جایگزین مؤثر، روش دیگری باشد که برای اطمینان از ظاهر امر در دادگاه به کار گرفته شده است.

هم‌چنین، حبس افرادی که منتظر محکومیت خود هستند، حتی آسیب‌هایی به دستگاه قضایی وارد می‌کند. هنگامی که فرد متهم در انتظار صدور حکم معطل می‌شود، آمادگی برای دفاع سخت‌تر شده و مشکلات موجود در دسترسی به وکیل مدافع و منابع دیگر در آمادگی برای صدور حکم، سبب به تعویق افتادن جریان پرونده شده و بازدهی نظام عدالت کیفری را کاهش می‌دهد.

در مورد زندانی‌های محکوم، مسئله قابلیت اجرا به خاطر اهداف چندگانه‌ای که در دسترسی به حبس طراحی می‌شود، پیچیده‌تر است. اگر هدف اولیه، تلاش برای اطمینان از آن است که خلاف‌کاران در آینده از ارتکاب جرایم دست بردارند، هیچ مدرکی مبنی بر این‌که حبس در دست‌یابی به این هدف مؤثرتر از دیگر مجازات‌های جایگزین عمل می‌کند، وجود ندارد. برعکس مطالعات در زمینه تأثیر مقایسه‌ای اشکال مختلف مجازات در بازگشت مجدد، حاکی از آن است که حبس شرایط را برای سازگاری با زندگی بعد از آزادی سخت‌تر کرده و شاید در بروز جنایات دیگر توسط آن‌ها نیز دخیل باشد. استفاده از حبس در ناتوان‌سازی مجرمان فقط تا این حد کاربرد دارد که تا زمانی که آن‌ها در زندان به سر می‌برند، در جامعه مرتکب جنایت نخواهند شد. با وجود این، تعداد کثیری از زندانیان به جامعه باز می‌گردند بدون آن‌که مهارت‌های لازم برای ملحق شدن به آن اجتماع را داشته باشند. مجرمان تا هنگامی که در زندان محکومیت خود را طی می‌کنند از ارتکاب جرایم دیگر ناتوان هستند، ولی به هنگام آزادی، بیشتر از افرادی که در حبس نبوده‌اند مرتکب جرم می‌شوند. بنابراین تکیه بر حبس برای جلوگیری از ارتکاب مجدد جرایم یک استراتژی مؤثر و مناسب در طولانی‌مدت نیست.

۲-۱. چه اقداماتی باید انجام گیرد؟

یکی از مشکلاتی که مراجع قضایی در پیشبرد روند استفاده از جایگزین‌های حبس برای کاهش جمعیت زندان‌ها با آن مواجه‌اند، اطمینان خاطر از سطحی نبودن طرح‌های جایگزین است. جایگزین‌ها بخشی اساسی در تمامی مراحل سیستم عدالت کیفری هستند.

این کتاب چه کمکی به ما خواهد کرد؟

این کتاب، یک راهنمای عینی برای مراجعی است که در پی کاربردی‌ترین موارد جایگزین‌های حبس در سیستم عدالت کیفری و کاهش مجازات حبس هستند. این کتاب:

- استراتژی‌های کلی برای کاهش رجوع به سیستم عدالت کیفری را بررسی کرده و در نتیجه، به‌طور غیرمستقیم از کاربرد حبس اجتناب می‌کند و به بررسی جوانب مختلف مسائلی می‌پردازد که لازم است در نیازسنجی سیستم عدالت کیفری یک کشور، مورد توجه قرار گیرد (فصل ۲).
- چگونگی اجرای جایگزین‌ها را در تمام مراحل سیستم عدالت کیفری به صورت هدف‌مند مورد بررسی قرار می‌دهد: مرحله پیش از صدور حکم (فصل ۳)، مرحله صدور حکم (فصل ۴) و مرحله‌ای که در آن آزادی پیش از موعد زندانی‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد (فصل ۵).
- استراتژی‌های کاهش مجازات حبس را در چهار گروه اصلی مشخص می‌کند: کودکان، مجرمان مواد مخدر، بیماران روانی و زنان؛ هم‌چنین برای کسانی که حبس اثرات زیان‌باری بر آن‌ها دارد. جایگزین‌های حبس در هر مرحله‌ای برای آن‌ها سودمند است (فصل ۶).
- به موارد انتقادی می‌پردازد که باید در طرح استراتژی‌های اجرای جایگزین‌های حبس و کاهش جمعیت زندان مورد بررسی قرار گیرد و در عین حال، علاوه بر ارائه فهرست عوامل و اجزای کلیدی، نکات ضعف را مشخص کرده و هم‌چنین راه‌های اجتناب از آن‌ها را نیز بیان می‌کند (فصل ۷).

جایگزین‌هایی که برای معتادان مواد مخدر مطرح می‌شود، تعداد زندان‌ها را کاهش می‌دهد

تا قبل از شروع یک اصلاح جامع در مورد مجرمان مواد مخدر در سال ۲۰۰۲، در تایلند عمدتاً از حبس به‌عنوان ابزار ضمانت‌اجرای کیفری قانون استفاده می‌شد. تا ماه مه سال ۲۰۰۲، حدود ۲۶۰۰۰۰ زندانی یعنی بیش از دو برابر ظرفیت کل زندان، در زندان‌های تایلند محبوس بودند. از آن تعداد، دو سوم آن‌ها به خاطر جرایم مرتبط با قاچاق مواد مخدر و اکثریت نیز به جرم اعتیاد محکوم شده بودند. از آن تعداد که متهم به جرایم مواد مخدر هستند، ۹ درصد آن‌ها در انتظار زمان رسیدگی و بررسی پرونده جرایم خود بوده، ۱۴ درصد در انتظار زمان دادرسی و محاکمه و ۱۲ درصد متهم بلامتکلیف بودند. آمار نشان می‌دهد که ۱۳ درصد محکومان جرایم مواد مخدر، کمتر از یک سال محکومیت داشته؛ در حالی که ۴۶ درصد آن‌ها از یک تا پنج سال حبس دارند. با جداسازی قبل از محکومیت معتادان و برنامه‌های آزادی زودهنگام و مشارکت کامل مردم جامعه، استفاده از برنامه‌های درمانی و ابتکار عدالت ترمیمی، جمعیت زندان به‌طور قابل توجهی کاهش یافته است. از آگوست ۲۰۰۵ جمعیت زندان تقریباً ۱۶۰۰۰۰ نفر بوده که هم‌چنان رو به کاهش است.

۳-۱. چه کسی باید استراتژی‌های جایگزین حبس را طراحی کند؟

اطمینان از وجود استراتژی پیوسته در طرح جایگزین‌های حبس، اصلی‌ترین موضوع قابل بحث است. قانون‌گذاران، هیئت قضات، وکلا و مدیران اجرایی همگی در وقوع این امر نقش دارند. آن‌ها باید با هم همکاری نزدیک داشته باشند. هرگاه قانونی در جهت تحمیل اجرای چنین جایگزین‌هایی نباشد و هیچ ساختار اجرایی برای انجام آن وجود نداشته باشد، دادگاه‌ها در به‌کارگیری جایگزین‌های حبس هیچ اجباری نخواهند داشت. طراحی جایگزین‌های حبس را نمی‌توان تنها به عهده «کارشناسان» گذاشت، بلکه در این کار، مدیریت سیاسی نیز لازم است. سازمان‌های غیردولتی نیز در حصول

اطمینان از انجام این موضوعات مؤثرند. البته دخالت افراد جامعه هم به همان اندازه دارای اهمیت است. راه‌های زیادی وجود دارد که اعضای جامعه از آن طریق می‌توانند بدون به خطر انداختن حقوق متخلفان، در تحقق امر جایگزین‌های حبس یاری کنند. دخالت اعضای جامعه مزایای دیگری نیز دارد؛ به طوری که آن‌ها منافع نگه‌داشتن افراد در خارج از زندان را تجربه کرده و هرچه بیشتر طرف‌دار جایگزین‌های حبس می‌شوند. این کتاب توقعاتی را که از تک‌تک عوامل مختلف در هر سطح انتظار می‌رود، به‌طور واضح بیان می‌کند.

۴-۱. چالش‌های اصلی

گرچه جایگزین‌های حبس کم‌هزینه و مؤثر هستند، با این حال ممکن است به طریقی ناقض حقوق انسانی مجرمان باشند؛ بنابراین چندان منطقی و قابل قبول واقع نشوند.^۱ برخی دیگر شاید در اصل به مقام انسانیت تجاوز نکنند ولی هرگاه به‌طور نامناسبی اجرا شوند، مورد قبول نخواهند بود. جایگزین‌ها تنها در مورد مجرمان مشکل‌آفرین نیستند. مثلاً شاید به نگرانی‌های قربانیان جرایم یا انتظارات قانونی دیگر در جامعه توجه کافی نکنند. کتاب حاضر برای جلوگیری از این موارد، به مشکلات موجود در هر سطح می‌پردازد.

خطر دوم آن است که جایگزین‌های جدید حبس نه تنها بر تعداد محدودی که در زندان هستند، تأثیر می‌گذارد، بلکه در ارزیابی‌های بعدی بر روی مظنونان و مجرمانی که به هیچ وجه تحت نظر و کنترل دادگاه جزا نیستند نیز نتیجه منفی دارد (این مسأله اغلب گسترده‌تر کردن شبکه نیز خوانده می‌شود). این کتاب بر اهمیت این‌گونه کاهش کنترل اجتماعی روزافزون تأکید می‌کند. برنامه‌هایی که به منظور کاهش جمعیت زندان‌ها طراحی شده‌اند، باید به دقت و با هدف تأثیر مثبت، برنامه‌ریزی شده و از گسترش ناخواسته شبکه کنترل اجتماعی اجتناب کنند.

۱. دریک ون زیل اسمیت، «استانداردهای قانونی و محدودیت‌های مجازات‌های اجتماعی» (۱۹۹۳)،

یک مجله اروپایی با نام جرم، قانون و عدالت کیفری، صفحات ۳۰۹-۳۳۱

۵-۱. نقش سازمان ملل

حبس حتی اگر تجاوز به حق طبیعی و حقوق اساسی زندانی نباشد، یک محدودیت است؛ بنابراین تعجب آور نیست که معاهدات اصلی سازمان ملل دقیقاً شرایطی را که حبس تحت آن شرایط پذیرفته می‌شود، محدود کند. معاهده بین‌المللی مربوط به حقوق سیاسی و مدنی مهم‌ترین این معاهدات چندجانبه است. ابزارهای چندجانبه دیگر، مثل کنوانسیون سازمان ملل درباره حقوق کودکان، شامل محدودیت‌های سخت‌تری است که بر گروه‌های خاصی از زندانیان قابل پیاده‌سازی است.

از اواسط دهه ۱۹۵۰ سازمان ملل تشکیل شده و استانداردها و روش‌هایی برای حمایت از سیستم‌های عدالت کیفری مطرح کرده که هدف آن‌ها، تحقق حقوق بشر است. این استانداردها و روش‌ها، نمایی از چگونگی ساختار سیستم عدالت کیفری هستند. گرچه اجباری نیست ولی به‌وضوح در رشد مؤثر فعالیت‌ها و سیستم عدالت کیفری مفید بوده‌اند. ملت‌ها از این استانداردها و روش‌ها استفاده می‌کنند تا چهارچوبی برای تقویت ارزیابی‌های عمیق انجام‌شده برای تحقق اصلاحات مورد نظر فراهم کنند. آن‌ها هم‌چنین در طرح استراتژی‌های منطقه‌ای به کشورها کمک کرده و نقش‌آفرین هستند. به‌طور کلی، آن‌ها بهترین اقدامات را در جهان طراحی کرده و به کشورها کمک می‌کنند تا خود را با نیازهای خاص تطبیق دهند.

بدیهی‌ترین اقدام پیش‌بینی‌شده در حداقل استاندارد سازمان ملل برای اصلاح مجرمان، حبس است.^۱ در حالی که حبس به‌عنوان یک وجه مهم استانداردها و روش‌ها به حساب می‌آید، ولی مجموعه ابزارها به‌طور روزافزون تمام جوانب سیستم عدالت کیفری و پیشگیری از وقوع جرم را تحت پوشش قرار داده است. امروزه، استانداردها و روش‌های یادشده، بخش وسیعی از مباحثی نظیر دادرسی جوانان بزه‌کار، اصلاح و تربیت مجرمان، همکاری بین‌المللی، قضاوت مناسب، حمایت از قربانیان و خشونت علیه زنان را دربرمی‌گیرد.

۱. E.S.C. مصوبه ۶۶۳C(۲۴) مورخه ۳۱ جولای ۱۹۵۷ - سند شماره E/۳۰۴۸(۱۹۵۷) و (۶۲) ۲۰۷۶ -

یکی از نکات دارای اهمیت در مبحث جایگزین‌های حبس، حداقل قوانین استاندارد سازمان ملل برای اقدامات غیرتوقیفی (قوانین توکیو) است که در سال ۱۹۸۶ تنظیم شده است.^۱ یکی از اساسی‌ترین اهداف این قوانین، کاهش استفاده از مجازات حبس است.^۲ پیشنهادهای خاصی که قوانین توکیو برای اقدامات غیرتوقیفی جایگزین ارائه کرده است، اساس سیاست روند کاهش مراجعه به دادگاه جزا را تشکیل می‌دهد. توسعه اقدامات غیرتوقیفی، دولت‌ها را وادار می‌کند تا سیاست‌های عدالت کیفری را تعدیل کرده و به حقوق بشر، شرایط و زیرساخت‌های عدالت اجتماعی و نیازهای توان‌بخشی مجرمان توجه مضاعف داشته باشند.^۳ هم‌چنین هدف اصلی این قوانین آن است که دولت‌ها باید در نحوه اجرای قوانین، انعطاف قابل توجه و چشم‌گیری داشته باشند.^۴ کشورها باید تلاش کنند تا بین حقوق مجرمان، حقوق قربانیان و نگرانی جامعه از بابت امنیت عمومی و جلوگیری از وقوع جرم، تعادل نسبی ایجاد کنند.^۵ (در جدول زیر مطالب بیشتری در مورد قوانین توکیو بیان شده است).

قوانین توکیو

قوانین حداقل استاندارد سازمان ملل در خصوص جایگزین‌های حبس (قوانین توکیو) اولین بار در هفتمین کنگره جلوگیری از وقوع جرم و سیستم عدالت کیفری مطرح و سپس در مجمع عمومی تصویب شده است (مصوبه ۴۵/۱۱۰-۱۴ دسامبر ۱۹۹۰). این قوانین دیدگاه‌ها و پیشنهادهای دانش‌مندان، کارشناسان و فعالان علم حقوق را مطرح می‌کند. آن‌ها تأکید دارند که حبس باید به‌عنوان آخرین گزینه در نظر گرفته شود و بر توسعه جایگزین‌های حبس با در نظر

۱. سند شماره A/RES/۴۵/۱۱۰ سازمان ملل

۲. ماده ۱.۵

۳. پیشنهاد

۴. ماده ۱.۳

۵. ماده ۱.۴

گرفتن هم‌ترازی و تعادل بین حق افراد مجرم، حق قربانیان و نگرانی افراد جامعه تأکید دارند. این مصوبه‌ها شامل اعمال مجازات‌های غیر از حبس، استخدام کارکنان و آموزش آن‌ها، تحقیق و بررسی، طراحی، سیاست‌گذاری و ارزش‌یابی است؛ بنابراین مجموعه کامل و جامعی از قوانین برای افزایش و بالا بردن اقدامات جایگزین حبس فراهم می‌کند.

قوانین توکیو تنها ابزار سازمان ملل نیست که مستقیماً در جایگزین‌های حبس کاربرد دارد. بقیه این ابزارها عبارتند از:

- اعلامیه اصول اساسی دادگاه برای قربانیان جرایم و سوءاستفاده از قدرت^۱؛
- اصول اساسی درباره استفاده از برنامه‌های قضایی مؤثر در موضوعات کیفری.^۲
- در موارد خاص، توجه وافر به جایگزین‌های حبس در موارد زیر شده است:
- نوجوانان: قوانین حداقل استاندارد سازمان ملل برای اجرای عدالت نوجوانان^۳؛
- معتادان مواد مخدر: اصول راهنما مربوط به کاهش مصرف مواد مخدر از مجمع عمومی سازمان ملل^۴؛
- بیماران روانی: اصول سازمان ملل برای حمایت از افرادی که بیماری‌های روانی دارند^۵؛
- زنان: هفتمین کنفرانس سازمان ملل درباره جلوگیری از جرم و اصلاح و تربیت مجرمان. تمام این مباحث در فصل ۶ به تفصیل بیان شده است.

۱. سند شماره A/RES/۴۰/۳۴ سازمان ملل

۲. مصوبه شورای اجتماعی و اقتصادی در تاریخ ۲۴ جولای ۲۰۰۲ سازمان ملل. سند شماره E/۲۰۰۲/۹۹ سازمان ملل

۳. سند شماره A/RES/۴۰/۳۳ سازمان ملل

۴. سند شماره A/RES/S-۲۰/۳۴ سازمان ملل

۵. اصل ۷.۱ از اصول بین‌المللی حمایت از بیماران روانی و به‌سازی مراقبت‌های روان‌درمانی؛ مصوبه مجلس عمومی مورخه ۱۷ دسامبر ۱۹۹۱، سند شماره A/RES/۴۶/۱۱۹ سازمان ملل

علاوه بر این، سازمان ملل کتاب‌های راهنمای عملی نیز چاپ کرده است؛ مثلاً جعبه مجموعه ابزارهای ارزش‌یابی عدالت کیفری که شامل یک ابزار جایگزین به نام جایگزین حبس و همچنین ابزار مربوط به مسائل عدالت جوانان است. کتاب‌های دیگری نیز در این زمینه وجود دارد: مثل کتاب راهنمای مسائل قربانیان جرایم که به موضوع جایگزین‌های حبس می‌پردازد.

این کتاب بدین منظور طراحی شده تا تمامی منابع سازمان ملل را در خصوص بهترین فعالیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی متمرکز کرده و بنیانی برای کمک به معرفی جایگزین‌های حبس باشد.

۲. محدودیت رجوع به سیستم عدالت کیفری

۲-۱. جرم‌زدایی

زندان، منبع اصلی سیستم عدالت کیفری در سرتاسر جهان به حساب می‌آید؛ از این رو، در مواجهه با مبحث حبس، اولین پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا انواع خاصی از رفتار لزوماً بایستی در حوزه دادگاه جزا قرار گیرد؟ همه رفتارهای اجتماعی نامناسب لزوماً نباید در ردیف جرایم طبقه‌بندی شوند. جرم‌زدایی فرآیند تغییر قانون است، به طوری که رفتاری که قبلاً جرم بوده، دیگر یک عمل مجرمانه و خلاف قانون محسوب نشود. جوامع متعددی، ولگردی را در کل یا تا حدی جرم‌زدایی کرده و به طور قابل توجهی میزان حبس را کاهش داده‌اند؛ حتی جرایمی که کمتر شناخته شده‌اند، مثل تولید غیرقانونی مشروب که در برخی از کشورها تعداد بیشتری از زندانی‌ها را تشکیل می‌دهد. در چنین مواردی، جرم‌زدایی این رفتار و مقابله با آن در خارج از حیطه قانون در امنیت عمومی تأثیر منفی نخواهد داشت. دولت‌ها هم‌چنین باید مراقبت کنند تا جرم‌زدایی بعداً به طور غیرمستقیم به حبس متعاقب منجر نشود. حتی وقتی که رفتار به طور کامل جرم‌زدایی می‌شود، خطر این که مأموران، مقصران و مجرمان را قبل از اعمال کمک‌های رفاهی و یا اعزام به مراجع بهداشتی دستگیر کنند، وجود دارد. جدول زیر مثالی از یک اقدام بالقوه برای جرم‌زدایی را آشکارا بیان می‌کند.

عواقب نامطلوب جرم‌زدایی

در چند سال اخیر، اعتیاد به مشروبات الکلی در اکثر کشورهای جهان جرم‌زدایی شده است؛ یعنی افراد الکلی که زمانی با پی‌گرد قانونی و شکایت، توقیف و بازداشت می‌شدند، اکنون به آژانس‌های رفاهی ارجاع داده می‌شوند. استرالیا دریافت که افراد بی‌چیز و فقیری که به‌طور علنی و مست در میان جمعیت نمایان می‌شوند، بیشترین درصد از جمعیت زندان را به خود اختصاص داده‌اند؛ بنابراین سیستم باید این موضوع را با جرم‌زدایی مستی عمومی حل کند؛ جرمی که اعضای این گروه به خاطر ارتکاب آن اغلب زندانی می‌شوند. با این وجود، تعداد زندانی‌های مربوط به جرایم مستی عمومی بعد از این جرم‌زدایی افزایش یافت. زیرا مسئولان امر به جای آن که افراد شراب‌خوار و مست را به آژانس‌های رفاهی ارجاع دهند، بیشتر آن‌ها را دستگیر می‌کنند. زیرا آن‌ها نیاز به شاکی ندارند.

۲-۲. قضا‌دایی

دولت‌ها تحت استراتژی‌های قضا‌دایی، در زمینه مقابله با افرادی که ممکن است در حیطه سیستم عدالت کیفری قرار بگیرند، بر روی راه‌کارهای دیگری متمرکز می‌شوند. در عمل، قضا‌دایی اغلب بدون توسل به استراتژی‌های خاصی به‌عنوان یک موضوع اتفاق می‌افتد. سیستم‌های عدالت کیفری معمولاً به بخش محدودی از جرایم کیفری که در هر کشوری رخ می‌دهد، می‌پردازند. هرگاه کشورها در مورد تمام مجرمان هزینه کرده و در جهت اثبات اتهام آن‌ها تلاش کنند، به‌زودی قسمت‌های مختلف سیستم، از جمله زندان‌ها، در مواجهه با این تعداد زیاد عاجز خواهند شد. در نتیجه پلیس و دادستان‌هایی که مجرمان را به دادگاه معرفی می‌کنند، مجبورند که در مقابله با بعضی رفتارها و صرف‌نظر کردن از برخی دیگر احتیاط کنند. سؤال اساسی در تمام سیستم‌های عدالت کیفری آن است که این احتیاط چگونه انجام می‌پذیرد؟ افراد پلیس باید در خصوص این که چه موقع خودشان می‌توانند اظهارهای لازم را داده و کار

دیگری انجام ندهند، چه زمانی قادرند مجرمان واجد شرایط را بدون آن‌ها که آن‌ها را به مراجع قضایی ارجاع دهند، به برنامه‌های جایگزین معرفی کنند و چه موقع باید مجرمان را به مراجع قضایی ارجاع بدهند، دستورالعمل واضح و روشنی داشته باشند. دادستان‌ها نیز به اصول راهنمای دقیقی نیاز دارند. پلیس‌ها و دادستان‌ها هر دو باید نگرش قربانیان جرایم را بررسی کنند، اگرچه قربانیان، هیچ حق وتویی در دادگاه کیفری ندارند.

هدف عدالت ترمیمی، موضوع دیگر این کتاب در بیان قضازدایی از عدالت کیفری است. وقتی سازوکارهای موجود، زمینه حل و فصل اختلافات را از طریق ترمیمی فراهم می‌کند، کاربرد جایگزین‌های حبس نیز مورد حمایت و تشویق خواهد بود. استفاده از میانجی‌گری و صلح در برخورد با مجرمان، قربانیان و افراد جامعه این توانایی را دارد که مسیر ما را از مجازات و کیفر دادن مجرمان تغییر دهد. در غیر این صورت، نتیجه بررسی جرم، چه قبل از دادرسی و چه بعد از محاکمه، منجر به حبس خواهد شد.

میانجی‌گری اجتماعی مسیر مراجعه به دادگاه جزا را تغییر می‌دهد

دستگاه قضایی بنگلادش یک مجموعه کاملاً رسمی، پیچیده، شهری (وابسته به شهر)، زمان‌بر (وقت‌گیر) و هزینه‌بر است. در نتیجه، بیشتر بنگلادشی‌ها خصوصاً فقرا و بی‌سوادها و روستانشین‌ها به سختی به حقوق خود دست می‌یابند. به هنگام وقوع اختلاف و نزاع و زمانی که هیچ راهی برای حل مشکلات آن‌ها وجود ندارد، حتی مسائل جزئی خانوادگی، اختلاف بالا گرفته و به وقوع رفتارهای جنایی منتهی می‌شود.

انجمن معاونت حقوقی ماداریپور، برای بهبود این اوضاع به یک روش سنتی میانجی‌گری و حل اختلاف در مناطق روستایی و حومه بنگلادش روی آورد. در این روش، طرف‌های دعوا، اعضای محل و بزرگ‌سالان و پیران ده برای حل اختلاف گرد هم می‌آمدند. این انجمن توافق کرد تا سیستمی را که بی‌اعتبار شده

بود، از طریق اعمال اصول انصاف، برابری و عدم تبعیض، احیا و بازسازی کند. آژانس‌های پشتیبان و اهداکننده مشترکاً و با همکاری گروهی در فاصله سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۰ حدود ۱۵۰۰ نفر عضو کمیته حل اختلاف را آموزش دادند. انجمن برای اطمینان از این که کمیته‌های حل اختلاف استانداردهای حقوق بشر بین‌الملل را رعایت کرده و در حل اختلافات در سطح حرفه‌ای کار می‌کنند، هر سال چندین جلسه آموزشی ترتیب می‌دهد. انجمن در طی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۲، حدود ۷۱۷۵ تقاضا برای میانجی‌گری داشت. از این تعداد، ۴۷۱۱ مورد یعنی ۶۶ درصد، دوستانه و به‌طور مصالحه‌آمیز توسط کمیته حل اختلاف حل شد؛ ۲۶ درصد بلا تکلیف یا در حال رسیدگی بود و ۸ درصد به دادگاه ارجاع شد. میانجی‌گری‌های موفق به موضوعات مانند ازدواج، طلاق، جهیزیه، مالکیت و اختلاف مالی مربوط می‌شد.

تعیین این که چه جرایمی را باید مورد رسیدگی و چه افرادی را باید تحت تعقیب و پی‌گرد قرار داد، مسأله حادی است. وقتی که دولت دموکراتیک جدید، جایگزین رژیم سرکوب‌گر و مستبد شده باشد و اعضای آن با مصونیت، جرایم متعددی را مرتکب شده باشند، احتمالاً بعضی از این جرایم نمود تخلفات شدیدی علیه قوانین حقوق بشر بین‌الملل باشد؛ به طوری که همه دولت‌ها وظیفه دارند تا آن‌ها را تحت تعقیب و پی‌گرد قانونی قرار دهند. به عبارت دیگر، شاید رسیدگی به تمام جرایمی که اسلاف مرتکب شده‌اند، از عهده دولت‌ها خارج باشد.

یک راه‌حل آن است که شوراهای معتبر، جرایم گذشته این افراد را به‌طور کلی بررسی کند. در بعضی موارد، این شوراها به عفوهای مشروط رو می‌آورند. این روال در مورد افرادی که جرمی مرتکب نشده‌اند نیز صحیح خواهد بود. از این مجرمان خواسته می‌شود تا جرایم خود را کاملاً در ملاء عام افشا کرده تا شایستگی عفو مشروط را به دست آورند. این عفو بدین معناست که آن‌ها دیگر مورد تعقیب نخواهند بود. البته این افشاگری به معنای عدم تشخیص جرایم آن‌ها نیست، بلکه مصونیت از تعقیب بدون

درخواست هیچ عکس‌العملی از آنان است. عفوهای مشروط از این نوع، یکی از اشکال اصلی قضازدایی است و نباید با عفوهایی که از طرف ابزارهای سازمان ملل حمایت نمی‌شود، اشتباه گرفته شود.

۲-۳. چه کسی باید اقدام کند؟

دخالت افراد و گروه‌های زیر الزامی است:

قانون‌گذاران باید با کمال میل قوانین جدیدی را معرفی کنند که رفتارهای خاصی را جرم‌زدایی کند.

گروه‌های مدافع عموم و سازمان‌های غیردولتی، مرافعه مورد نظر عموم را در موارد مناسب ارائه داده و به اصلاح قوانین جزایی موجود کمک می‌کند. چنین گروه‌هایی در ایجاد تغییر مؤثرند؛ زیرا هم مقاصد و تمایلات حقوق بشر را در مورد کسانی که رفتارشان جرم‌زدایی شده و هم علایق جامعه را در بهبود روند دستگاه قضایی کیفری نشان می‌دهند.

طراحان قانونی و کمیسیون‌های اصلاح قانون باید مراقبت کنند تا مقررات جنایی غیرضروری به قانون عمومی اضافه نشود. کمیسیون‌های اصلاح قانون ملی هم‌چنین باید قوانین جزایی را تحت بازبینی قرار داده و توجه مراجع سیاسی را به مقررات جزایی جلب کنند که در مقابله با رفتارهای خاص، بهتر از روش‌های دیگر قابل کنترل است. در چنین مواردی، قوه مقننه باید آن مقررات جزایی را لغو کرده و توانایی قانونی برای تعیین اقدامات جایگزین را گسترش دهد.

پلیس و دادستان باید افراد مظنون منحرف را از حوزه سیستم عدالت کیفری خارج کنند. وقتی قضازدایی با میانجی‌گری یا حتی فرآیندهای عدالت ترمیمی همراه می‌شود، یک ساختار مدیریتی جداگانه لازم است تا این فرآیندها را تسهیل کند که این امر توسط دولت یا سازمان‌های غیردولتی که با آژانس‌های عدالت کیفری مشارکت دارند، انجام می‌پذیرد.

۳. فرآیندهای پیش از محاکمه، پیش از محکومیت و پیش از صدور

حکم حبس

۳-۱. کلیات

با وجود جرم‌زدایی و استراتژی‌های قضازدایی، بعضی اشخاص مظنون به جرم، رسماً متهم شده و تحت تعقیب قرار می‌گیرند. مراجع باید در خصوص بازداشت آن‌ها قبل و در طی محاکمه‌شان تصمیم بگیرند. ماده ۶.۱ از قوانین توکیو، اصل مربوطه را صریحاً بیان کرده است:

«بازداشت پیش از محاکمه باید با رویکرد بررسی اتهام مجرمانه و به منظور حمایت از جامعه و قربانی به‌عنوان آخرین راه‌کار در اقدامات جنایی مورد استفاده قرار گیرد.»^۱ بازداشت اشخاصی که بی‌گناه هستند، یک تجاوز شدید به حق آزادی آن‌هاست. نکته دارای اهمیت آن است که چه چیزی چنان بازداشتی را توجیه می‌کند. با این‌که ماده ۶.۱ در این رابطه تا حدی مبهم بوده و شرایط آن ناقص است، ولی این موارد در میثاق حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل^۲ برای کسانی که در فرآیند جنایی درگیر شده‌اند ولی تا به حال محکوم یا حبس نشده‌اند، بیان شده است. ماده ۹.۳ از میثاق حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل می‌گوید:

«بازداشت اشخاصی که در انتظار دادرسی هستند نباید قانون کلی باشد. اما آزادی موقت ممکن است موکول به اخذ تضمین‌هایی بشود که حضور متهم را در جلسه دادرسی و سایر مراحل رسیدگی قضایی و حسب مورد برای اجرای حکم تأمین کند.» هم‌چنین ماده ۱۴.۳ از میثاق حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل تصریح می‌کند

۱. ماده ۶.۱ تأکید می‌کند که در این مرحله، یک اختلاف عملی وجود دارد. در برخی از کشورها زندانی‌ها تا قبل از بررسی تمام جوانب، زندانی محبوس به شمار نمی‌آیند. بعبارت دیگر، آن‌ها زمانی زندانی به حساب می‌آیند که حکم حبس آن‌ها صادر شده باشد. ما در این بخش از کتاب، تمام زندانی‌هایی که حکم حبس آن‌ها صادر نشده است را در مرحله «حبس پیش از محاکمه» قرار می‌دهیم.

2. ICCPR

افرادی که اتهام جزایی آن‌ها مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، سزاوار آن هستند که محاکمه آن‌ها بدون تأخیر ناموجه، انجام گیرد. هم‌چنین افراد متهم در صورتی قبل از محکومیت، حبس می‌شوند که دلیل موجهی بر ارتکاب جرم توسط آن‌ها وجود داشته باشد و مقامات قضایی دلایل معتبری در دست داشته باشند که اگر آن‌ها آزاد شوند، گریخته و یا مرتکب جرایم جدی شده و یا متعرض جامعه خواهند شد. سیستم عدالت کیفری فقط زمانی به بازداشت پیش از محکومیت متوسل می‌شود که اقدامات جایگزین قادر نباشد نگرانی‌های ناشی از این بازداشت را برطرف کند.

باید در اولین مرحله، درباره جایگزین‌های پیش از محکومیت تصمیم گرفت. وقتی که قرار است فرد توقیف‌شده در بازداشت پیش از محکومیت به سر برد، باید قادر باشد تا از تصمیم فوق در دادگاه و یا یک مرجع صلاحیت‌دار مستقل دیگر تجدیدنظرخواهی کند.^۱ مقامات قضایی باید مرتباً در خصوص بازداشت اولیه تصمیم بگیرند. این امر به دو دلیل مهم است. یکم این‌که ممکن است شرایط اولیه تغییر کرده و کاربرد یک اقدام جایگزین را امکان‌پذیر کند؛ مثلاً اطمینان حاصل شود که فرد متهم به هنگام احضار در دادگاه حاضر خواهد شد. دوم این‌که هر چه قدر تأخیر بی‌مورد در آوردن یک زندانی به محاکمه طولانی باشد، ادعای چنین زندانی برای آزادی از حبس و حتی برای تبرئه از اتهامات جنایی محکم‌تر خواهد بود. زندانی کردن فرد مظنونی که در انتظار صدور حکم است، یکی از مباحثی است که باید مورد توجه قرار گیرد. فرد مظنون حق دارد آزاد باشد، ولی مجموعه عوامل یادشده حاکی از آن است که اجرای عدالت، مستلزم حبس کردن موقت وی است. هر چه قدر مدت حبس فرد مظنون طولانی‌تر باشد، قربانی این حق اساسی (آزادی) بیشتر است. یک هیئت تجدیدنظر در استفاده از ضمانت‌های قانونی یا جزایی حقوق بنیادین شامل آزادی و محاکمه سریع، به‌خوبی می‌داند که حبس مداوم دیگر قابل توجیه نبوده و یا حکم به آزادی زندانی داده یا به‌طور کلی مرخصش می‌کند.

در بیشتر کشورها، تعداد زیادی از زندانی‌ها در داخل زندان در انتظار محاکمه و صدور حکم خود هستند. یک روش مؤثر برای کاهش تعداد چنین زندانی‌هایی آن است که بررسی کنیم آیا حق آن‌ها برای یک محاکمه سریع - که در اسناد متعدد سازمان ملل تضمین شده است - در عمل رعایت می‌شود یا خیر؟ بهترین رویکرد در این مورد چیست؟

کشورها برای مؤثرتر کردن عملکرد دستگاه قضایی نیازمند بررسی و بازبینی فرآیند محاکمه هستند؛ مثلاً بستن زودهنگام پرونده تحت پی‌گرد قانونی، بیشتر تأخیرات را حذف خواهد کرد.

محاکمات سریع به همکاری داخل ادارات بستگی دارد. پلیس و دادستان باید در اولین مراحل فرآیند جنایی با هم ارتباط داشته و همکاری کنند. در دادگاه‌هایی که قضات متخصص دارند، آن‌ها نیز باید در اولین مراحل ممکن دخالت داده شوند. رابط اجرایی می‌تواند تا حد زیادی از موضوع مطلع شود، ولی برای حذف تنگناها، لازم است که کشورها به اصلاح قوانین اقدام کنند.

نهایتاً کنترل فرآیند عدالت کیفری این اطمینان را برای قوه قضاییه فراهم می‌کند تا حق محاکمه سریع را با کاربرد اکید قوانین آیین دادرسی ایجاد کند. وقتی فرد مظنون یا متهم در زندان محبوس است، تعویق موارد برای بررسی آینده یا تأخیرهای بیشتر در آوردن وی به محاکمه لازم است اتفاق نیفتد یا در صورت وقوع، به‌ندرت اتفاق بیافتد.

۲-۳. جایگزین‌های حبس پیش از محاکمه

تا این‌جا به حذف و اجتناب از حبس پیش از محاکمه تأکید کردیم بدون این‌که راه‌کار مناسبی برای جایگزینی آن ارائه کنیم. در اکثر موارد، اجتناب از حبس پیش از محاکمه مستلزم اقدامات جایگزین دیگر است. چنین اقداماتی این اطمینان را ایجاد می‌کند که افراد متهم در دادگاه حاضر شده و از هر فعالیتی که روند قضاوت را به تحلیل می‌برد جلوگیری کنند. اقدامات جایگزین منتخب باید تأثیر مطلوب را با حداقل تداخل در آزادی فرد مظنون یا متهم داشته و متهم در این مرحله بی‌گناه دانسته شود.

کسانی که حبس پیش از محاکمه را انتخاب می‌کنند، باید مجموعه‌ای از جایگزین‌ها را در اختیار داشته باشند. ماده ۶۰۲ قانون توکیو نیاز به جایگزین‌های حبس پیش از محاکمه را ذکر کرده ولی در مورد ماهیت چنین جایگزین‌هایی توضیح نداده است. جایگزین‌های ممکن است شامل آزادی یک فرد متهم و حکم به انجام یکی از موارد زیر از ناحیه او باشد:

- این که در روز مشخص شده در دادگاه حاضر شود یا متهم بعداً به وسیله دادگاه احضار خواهد شد؛
- خودداری از:
 - مداخله در روند دادگاه؛
 - انجام رفتارهای مشخص؛
 - ترک یا رفتن به مکان‌های معین؛
 - تماس یا ملاقات با افراد خاص؛
- اقامت در محل معین؛
- ارائه گزارش روزانه یا دوره‌ای به دادگاه، پلیس یا مراجع دیگر؛
- تسلیم گذرنامه یا گواهی‌نامه‌های دیگر؛
- پذیرفتن کنترل و نظارت مأمور دادگاه؛
- تن دادن به کنترل الکترونیکی؛
- گرو گذاشتن دارایی به‌عنوان ضمانت اجرای حضور به‌موقع در دادگاه تا هنگام محاکمه.

۳-۳. ملاحظات در اجرای جایگزین‌های حبس پیش از محاکمه

جایگزین‌های حبس پیش از محاکمه، آزادی فرد متهم را تا حدود زیادی محدود می‌کند. زمانی که مقامات قضایی جایگزین‌های چندگانه را به‌طور هم‌زمان اعمال می‌کنند، این محدودیت افزایش می‌یابد. آن‌ها باید مزایا و عواقب هر اقدامی را دقیقاً ارزیابی کنند تا مناسب‌ترین جایگزین حبس را بیابند که در عین حال کمترین محدودیت را به دنبال داشته باشد.

در مواردی که فرد در جامعه حسن شهرت داشته، دارای شغلی است، از حمایت خانواده برخوردار است و برای اولین بار مرتکب خلافی شده است، مقامات قضایی باید ضمانت مطلق و بی‌قید و شرط را در نظر بگیرند. در تمام مواردی که جرم جلدی نیست، بهتر است آزادی بی‌قید و شرط انتخاب شود. فرد متهم تحت آزادی مطلق، گاهی التزام شخصی می‌دهد تا چنان که احضار شد، به موقع در دادگاه حاضر شود (و در بعضی حوزه‌های قضایی، از تمام قوانین اطاعت کند). گاهی وثیقه نقدی از طرف دادگاه تعیین می‌شود تا اگر معلوم شد که متهم با وجود احضار، به دادگاه مراجعه نکرده و یا در حین انتظار صدور حکم خود، مرتکب جرم تازه‌ای شده است، از طرف وی پرداخت شود. در موارد دیگر، آزادی پیش از محاکمه در مقابل شرایط دیگر پیش‌بینی می‌شود. دادگاه‌ها ممکن است از خویشاوند یا دوستان متهم ضمانت مالی بخواهند تا در صورتی که متهم از حضور در دادگاه امتناع کرده و یا مرتکب جرم جدیدی شود، پرداخت کنند. این شکل ضمانت، یک جریمه سریع است برای این‌که اگر متهم نتواند از شرایط تعیین‌شده برای آزادی از حبس پیش از محاکمه اطاعت کند، دارایی ضمانت‌شده از طرف دولت ضبط می‌شود.

در بسیاری از کشورها این امنیت به شکل ضمانت پولی است یا پولی که متهم به‌عنوان ضمانت به دادگاه می‌پردازد تا شرایط آزادی پیش از محاکمه را تأمین کند. گوناگونی یا تنوع در این مورد امکان‌پذیر است. مثلاً متهم لزوماً مقید به پرداخت پول مستقیماً به دادگاه نیست (یا در مواردی به پلیس)، ولی در عوض ضمانت پولی یا وثیقه مزبور را فراهم می‌کند؛ به‌طوری که او یا کسی از طرف وی در صورت لزوم، آن ضمانت را پرداخت کند (وجه‌الکفاله).

مقامات قضایی باید تعیین کنند که متهم شرایط لازم برای آزادی را دارد یا خیر. در غیر این صورت، متهم به شرایط حبس پیش از محاکمه برگردانده می‌شود. به‌هنگام ارزیابی شرایط مختلف، باستی موارد زیر مدنظر قرار گیرد:

- برای احضار یک شخص به دادگاه، دست‌کم یک دستور از دادگاه لازم و ضروری خواهد بود. مقامات قضایی باید مطمئن شوند که این احضارها بیش از

حد نبوده و دادرسی‌ها هدف‌مند بوده و موارد مطرح‌شده در پرونده به‌طور کامل انجام گرفته است. تأخیرهای طولانی در مشخص نمودن نتیجه پرونده، قابل قبول نیستند؛ حتی وقتی که متهم در مرحله حبس پیش از محاکمه هم نباشد.

- وقتی که بیشتر کشورهای کامن‌لا از ضمانت پولی به‌عنوان پیش‌شرط لازم آزادی استفاده کنند، به نظر می‌رسد چنین اقدامی غیرمنصفانه بوده و نسبت به فقرا تبعیض محسوب خواهد شد. زیرا افراد متهم مرفه، راحت‌تر از متهمان فقیر قادرند تا ضمانت پولی را پرداخت کنند. اگر وثیقه شرط لازم برای حضور متهم در دادگاه شناخته شود، دادگاه‌ها می‌توانند با تعیین ضمانت‌های متناسب با دارایی افراد، این تبعیض را به حداقل برسانند. البته در عمل، دادگاه‌ها تمایل دارند که مقدار ضمانت را به تناسب اهمیت و شدت جرم تعیین کنند؛ در نتیجه افرادی که با حبس طولانی‌مدت مواجه می‌شوند، شاید ضمانت مالی یا وثیقه‌ای بیش از حد توان خود را تعهد کنند. نتیجه این است که دادگاه تصمیم می‌گیرد فرد متهم در ازای ضمانت پولی آزاد شود، ولی به خاطر این‌که متهم از عهده تهیه و پرداخت آن ضمانت عاجز است، بازداشت خواهد شد. هم‌چنین است وقتی که وثیقه تعیین‌شده مناسب به نظر می‌رسد ولی درواقع تهیه آن از عهده فرد متهم خارج است.

- دستوراتی که منجر به محدودیت برخی فعالیت‌های متهم می‌شود، ممکن است جامعه را با تهدیداتی مواجه کند؛ به‌طوری‌که آن‌ها از بعضی فعالیت‌های مشروع و قانونی متهم نیز جلوگیری کنند. مثلاً یک حکم مبنی بر جلوگیری از رفتارهای خاص یا دور ماندن از یک منطقه یا مکان معین، کار کردن در حین انتظار صدور حکم را مشکل و یا ناممکن می‌کند. مراجع مربوطه باید تا حد امکان از ایجاد چنین محدودیت‌هایی اجتناب کرده و یا شرایط آن‌ها را با چنان محدودیت‌هایی سازگار کنند. در صورت لزوم، باید در پی راهی برای جبران فقدان توانایی زندگی باشند.

- تحویل مدارک شناسایی، مثل گذرنامه، ابزار مؤثری برای جلوگیری از عزیمت فرد متهم از محل تعیین شده به محل دیگر خواهد بود. چنین درخواستی احتمالاً عواقب نامطلوبی به دنبال خواهد داشت. مقامات قضایی باید توجه داشته باشند که ممکن است متهم برای کار یا برداشت پول از حساب خود یا انجام امورات اداری دیگر به آن مدارک نیاز داشته باشد. در برخی کشورها دادگاه‌ها حکم می‌کنند که چنین مدارکی در اختیار وکیل مدافع متهم باشد تا در صورت نیاز و استفاده مناسب، متهم به آن دسترسی داشته باشد.
- مقامات قضایی از طریق نظارت مستقیم توسط یک نمایندگی قضایی می‌توانند افراد متهم را تا حد زیادی تحت کنترل داشته باشند، ولی این امر یک جایگزین مداخله‌گرانه بوده و تا حد زیادی آزادی و خلوت فرد را محدود می‌کند. این نظارت هم‌چنین پرهزینه نیز هست.
- نظارت و کنترل الکترونیکی نیز به‌عنوان یک وسیله دیگر برای بازبینی و نظارت به کار می‌رود که همانند اقدامات دیگر، شرایط را تحت کنترل می‌گیرد. مثلاً تعیین می‌کند که آیا فردی که قرار است به موجب دستور دادگاه در آدرس مشخصی باشد یا از رفتن به منطقه مشخصی اجتناب کند، به آن دستور عمل می‌کند یا خیر. البته این امر نیز تا حدی مداخله‌گرایانه است؛ زیرا اجرای آن مستلزم امکانات تکنولوژیکی پیشرفته‌ای بوده و می‌تواند موضوع مباحث حقوقی باشد؛ به طوری که کاربرد مناسب آن در صورت وجود اطلاعات لازم مبنی بر ارتکاب جرم می‌تواند به‌عنوان اساس لغو آزادی پیش از محاکمه باشد.
- نهایتاً مجموع عواملی مانند تأخیرات طولانی مدت در صدور حکم و عدم درک آزادی پیش از محکومیت و استنباط بی‌گناهی پیش از محاکمه به‌عنوان حقوق اساسی فرد، در کشورهای در حال توسعه و هر جای دیگر این سوءتفاهم را ایجاد می‌کند که متهم از محاکمه خلاصی یافته و مجازات نشده است. در نتیجه وقتی که فرد متهم قبل از محاکمه آزاد می‌شود، متأسفانه بعضی‌ها در جامعه عدالت را در دست می‌گیرند که گاهی پیامدهای خطرناکی را در پی دارد. علاوه

بر صدور احکام سریع و جامع در پرونده‌های کیفری در حال رسیدگی، آموزش عمومی در خصوص آزادی پیش از محاکمه و استنباط بی‌گناهی برای ایجاد امنیت در جامعه ضروری است.

آزادی قبل از محکومیت در آمریکای لاتین

بعضی از کشورهای آمریکای لاتین به تشخیص خود اجازه آزادی افراد متهم را صادر می‌کنند. هرچند این اقدام یک فرضیه است، اغلب آزادی مشروط که با پول نقد یا دارایی دیگر تضمین شده باشد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در نتیجه، تعداد زندانی‌هایی که شرایط لازم برای آزادی پیش از صدور حکم را ندارند، زیاد بوده و گاهی اکثریت زندانیان را به خود اختصاص می‌دهد. تعداد چنین جمعیتی از طریق بررسی دقیق موارد فردی برای احراز شایستگی آزادی کاهش خواهد یافت.* تحقیقات تجربی در کاستاریکا نشان داد که برای به کارگیری موفقیت‌آمیز این جایگزین، دادگاه‌ها بایستی دسترسی سریع و راحت به اطلاعات جامع درباره متهم، تاریخ منظم دادگاه و حفظ ارتباط نزدیک و منظم با متهم و احتمالاً با خانواده و خویشاوندان وی داشته باشند.**

* الیزا کارانزا، نیکولاس ج.ا. لیورپول و لوئیز رُدريگو مانزانرا، «جایگزین‌های حبس در آمریکای لاتین و آمریکای شمالی - جزایر دریای کاریب» انتشارات زوئیخ، صفحات ۴۳۸-۳۸۴

** الیزا کارانزا، ماریو هوا و لوئیز پائولین مارو، «آزادی براساس شناخت فردی در کاستاریکا»، انتشارات زوئیخ، صفحات ۴۳۹-۴۶۲

۳-۴. شرایط بنیادین لازم برای جایگزین‌های حبس پیش از محاکمه

بیشتر مزایا و معایب جایگزین‌های متعدد حبس پیش از محاکمه در چکیده مورد بحث قرار گرفت؛ به طوری که مقامات قضایی به راحتی می‌توانند از بین گزینه‌های مختلف دست به گزینش بزنند. ولی برای این که جایگزین‌ها به طور مناسبی عمل کنند، دولت

ابتدا باید چهارچوب مناسبی را طراحی کند. دولت برای به کار بردن برخی جایگزین‌ها فقط به یک جواز قانونی رسمی نیاز دارد؛ اما در موارد دیگر، زیرساخت پیچیده‌تری مورد نیاز است.

برای تعداد محدودی از جایگزین‌های حبس پیش از محاکمه، همه آن چیزی که لازم است وضع یک چهارچوب قانونی است. بدین ترتیب دادگاه در زمان رسیدگی به اتهام فرد متهم با توجه به تعهدی که به دادگاه می‌دهد، او را آزاد می‌کند. همچنین برای تحمیل این دستورات هیچ سازوکار خاصی لازم نیست؛ دستوراتی نظیر این که فرد متهم مانع روند دادگاه نشود، مرتکب رفتار مشخصی نشود، به جایی که از آن منع شده است رفت‌وآمد نکند، با افراد خاصی ملاقات نکرده و در آدرس معینی اقامت نکند.

البته در بیشتر موارد، مقامات قضایی که در خصوص آزادی فرد متهم تصمیم می‌گیرند، تمایل دارند تا جهت اطمینان از شرایط یادشده، سازوکارهایی نیز برقرار باشد. این سازوکارها در حمایت از قربانیان جرایم نیز مفید و مؤثر است. هر کدام از شرایط زیر برای آزادی، مستلزم ایجاد زیرساخت‌هایی است.

- گزارش به یک مرجع عمومی مستلزم آن است که این مرجع، مثلاً پلیس یا دادگاه، در زمان‌های منطقی و معقول در دسترس فرد متهم بوده و ساختار مدیریتی آن توانایی ضبط گزارش‌های معتبر را داشته باشد.
- واگذاری مدارک شناسایی نیز مستلزم مقررات اداری دقیق است تا این مدارک به‌طور کامل محافظت شده و بعداً به فرد متهم برگردانده شود.
- نظارت مستقیم مستلزم آن است که وسیله‌ای برای نظارت و کنترل چنان رفتاری وجود داشته باشد.
- کنترل الکترونیکی مستلزم سرمایه‌گذاری قابل توجهی در تکنولوژی و زیرساخت‌ها برای حمایت از آن است.
- جهت تعیین سطح مناسبی از ایمنی و مقررات اداری که توان اخذ پرداخت‌های مالی را داشته باشد، تهیه ضمانت مالی مستلزم تصمیم‌گیری‌های پیچیده‌ای است.

۵-۳. چه کسی باید اقدام کند؟

دخالت افراد و گروه‌های زیر ضروری است:

افسران پلیس معمولاً اولین برخورد را با مظنونان دارند. آن‌ها وظیفه دارند زمان حبس را به کوتاه‌ترین زمان ممکن برسانند و با بررسی سریع، بکوشند تا مدتی که مظنونان و افراد منتظر صدور حکم در حبس به سر می‌برند، به حداقل برسد.

مقامات تعقیب‌کننده نیز در صدور سریع حکم و در نتیجه به حداقل رساندن زمان حبس پیش از محاکمه نقش مهمی دارند. آن‌ها به‌عنوان رابط بین پلیس و دادگاه‌ها عمل کرده و در یک موقعیت بسیار مهم، فرآیندهای مربوط به جرم و زمان مناسب کاربرد جایگزین‌های حبس پیش از محاکمه را تسریع کنند.

وکیل مدافع وظیفه دارد تا توان‌مندانه از موکلان خود دفاع کرده و مدعی حقوق آن‌ها باشد. این دفاع شامل آزادی پیش از محاکمه و انجام سریع تحقیقات و هر پیامد و نتیجه اتهام علیه آن‌هاست. وقتی وکیل مدافع خبره در دسترسی مظنونان جنایی و افراد متهم نباشد، دستیار وکیل دادگستری (کمک‌وکیل) این کار را انجام می‌دهد.

قوه قضاییه باید تشخیص حقوق افراد متهم را در استنباط بی‌گناهی آن‌ها ترویج دهد. حبس پیش از محاکمه باید به حالت استثنا تبدیل شده و به‌ندرت انجام گیرد، نه این‌که یک امر عادی محسوب شود. هرگاه دستور حبس صادر می‌شود، وضعیت مظنون و متهم بازداشتی را مورد بررسی مجدد قرار دهد و بالاخره این‌که اجرای محاکمات جزایی و فرآیندهای مرتبط، باشتاب و به‌سرعت انجام گیرد.

مجریان در ایجاد زیرساخت تسهیلاتی جایگزین‌های حبس پیش از محاکمه نقش اساسی دارند؛ هم‌چنین مجریان باید یک مجموعه مدیریتی را تشکیل دهند که امکانات کافی برای رسیدگی به پرونده‌های زمان‌بر را داشته باشد.

۴. حکم حبس و مجازات‌های جایگزین

۴-۱. حکم حبس

حبس در مورد محکومان به‌سرعت و مکرراً مورد استفاده قرار می‌گیرد. اصل راهنمای

کلیدی در کاهش حبس، محدودیت یا استفاده کم از حبس و در دوره‌های زمانی کوتاه‌مدت است. بررسی دقیق هر مورد برای تعیین ضرورت حکم زندان و این‌که چه موقع حبس ضروری است، برای تعیین حداقل دوره حبس لازم است. البته نباید تمام توجه فقط به تغییر روند فعالیت‌های قوه قضائیه در حکم زندان معطوف باشد. بیشتر سیستم‌های کیفری در یک چهارچوب قانونی کار می‌کنند که برای جرایم خاص بدون بررسی کامل حقایق موضوع، حداقل حکم حبس را صادر می‌کند. اصلاح‌گران باید چهارچوب قانونی حکم حبس را به‌عنوان اولین گام در کاهش استفاده از مجازات حبس مورد بازبینی و بررسی مجدد قرار دهند. نه تنها باید قضات را به بررسی جایگزین‌های حبس تشویق کرد، بلکه باید به مقامات قضایی در صدور حکم حبس اختیار و آزادی عمل و توانایی برای بررسی جایگزین‌های تحت قانون را اعطا کرد. اصلاحات قانونی خاص نیز تعداد زندانی‌ها را کاهش می‌دهد. مثلاً زمانی که یک شرط قانونی در حکم حبس پیش از محاکمه قید می‌شود، ممکن است کل دوره حبس را کوتاه‌تر کند.

تصویب قانون استفاده از جایگزین‌ها

سازمان بین‌المللی اصلاح قانون جزا، گروهی را جهت فعالیت در خصوص جایگزین‌های حبس در قزاقستان تعیین کرده و نماینده‌هایی از تمام سازمان‌های دولتی و غیردولتی مرتبط را گرد هم آورده است تا پیشنهادهایی برای رفع معایب و اصلاح قانون جزا مطرح کنند. توصیه‌های این گروه که تأثیر قابل توجهی بر قانون جدید داشت و در ۲۱ دسامبر ۲۰۰۲ به تصویب رسید، همان استفاده روزافزون از جایگزین‌ها، سیاست حبس (محکومیت) منطقی و ساده کردن شرایط احراز آزادی مشروط است. سرویس‌های زندان با تشخیص نیاز به حمایت عمومی برای اصلاح موفقیت‌آمیز قانون جزا، اقدام به اطلاع‌رسانی عمومی در خصوص آسیب‌ها و مضرات حبس و مزایای جایگزین‌ها به مردم کرد. اصلاحیه قانون، جمعیت زندان را کاهش داده و کاربرد احکام غیر سالب

آزادی را افزایش داد. شایان توجه است که در طی دوره کاهش استفاده از مجازات حبس (از سال ۲۰۰۲)، میزان وقوع جرم نیز پیوسته و به آرامی در مقایسه با این میزان از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ کاهش یافته است.

اصلاحیه قانون‌گذاری برای جایگزین‌ها و معادل‌های دیگری که در پی کاهش جمعیت زندان هستند، باید دست کم به ثبات جمعیت در سال‌های آتی بینجامد که این یک دست‌آورد مهم و قابل توجه است؛ در حالی که ارقام مربوط به جمعیت زندان در بسیاری از کشورهای جهان در حال افزایش است.

کاربرد حبس زمانی به ندرت خواهد بود که محاکم، احکام غیر سالب آزادی صادر کنند. در ادامه، ابتدا چنین جایگزین‌هایی به تفصیل مورد بحث قرار گرفته و سپس نقش اساسی آن‌ها در فرآیند حکم زندان مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. شایان ذکر است محکومیت‌های غیر سالب آزادی باید به عنوان جایگزین‌های حبس به کار روند، نه این‌که کیفرهای مضاعفی باشند که بر افرادی که در وهله اول به زندان محکوم نشده‌اند، تحمیل شود. این امر در قوانین توکیو به روشنی بیان شده است: «اقدامات غیرتوقیفی باید مطابق با اصل حداقل مداخله باشد.»^۱

۲-۴. جایگزین‌های ممکن برای مجازات حبس

جایگزین‌های حبس نباید مثل حبس و دیگر مجازات‌ها ظالمانه، غیرانسانی یا پست باشد. جایگزین‌ها حتی اگر ذاتاً نیز چنین نباشند، در صورتی که به‌طور نامناسبی به کار گرفته شوند، استانداردها و قواعد حقوق بشر را نقض خواهند کرد. هم‌چنین انگیزه صدور یک جایگزین خاص هرچه که باشد، در نظر مجرم یک مجازات محسوب می‌شود.

اصل کیفری منطقی برای جایگزین حکم حبس چیست؟ به عقیده یک دانش‌مند حقوق، حکم‌های اجتماعی به‌عنوان بخش اصلی چنین جایگزین‌هایی باید با صبر و

۱. ماده ۲.۶

طاقة فرد قابل تحمل باشد.^۱ برای مثال باید مجازات جسمانی را مستثنا کرد، زیرا مستقیماً سلامتی مجرم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هم‌چنین احکامی که هیچ خطری بر تمامیت فیزیکی مجرمان نداشته، ولی آن‌ها را تحقیر می‌کند نیز رد می‌شود. در قوانین توکیو قید شده است که حقوق انسانی مجرم در اقدامات غیر سالب آزادی همواره باید حمایت شود.^۲ این قانون با حمایت مضاعف از مجرم و خانواده او در مورد کاربرد اقدامات غیر سالب آزادی کامل می‌شود.^۳

از دست دادن آزادی نتیجه آشکار مجازات حبس است. ضمانت‌اجرای کیفری حکم‌های جایگزین نیز در چهارچوب‌های قانونی به‌روشنی تعریف نشده است. وقتی دادگاه یک حکم کلی خدمات اجتماعی را صادر می‌کند، ولی محتوا و شرایط آن را به نمایندگی دیگری موکول می‌کند، این حکم هم تعریف نشده و هم غیر قابل پیش‌بینی است. با این حال، خصوصیت اساسی قانون جزا را مخدوش می‌کند. قوانین توکیو خطر چنین حکمی را تشخیص داده و به‌طور آمرانه بیان می‌کند: «معرفی، تعریف و کاربرد اقدامات غیر سالب آزادی باید از پیش توسط قانون تعریف شده باشد.»^۴ این قانون قدرت دادگاه را در ایجاد و وضع حکم‌های سفارشی محدود می‌کند؛ بدین معنی که مجازات‌های غیر سالب آزادی در چهارچوب‌های قانونی ثابت نیستند.

تعریف قانونی جایگزین‌های حبس هم‌چنین در اجتناب از افراط در حکم‌های حبس نیز مؤثر و مفید است. جایی که قانون نوعی از کار اجتماعی را به‌عنوان یک مجازات غیر سالب آزادی معین می‌کند، لازم است که دادگاه مدت زمان آن کار را نیز مشخص کند. هرگاه یک پیش‌نویس مناسب (مطابق هنجارها و استانداردهای حقوق بشر) توسط قوه قضاییه پذیرفته نشده یا به تصویب نرسیده باشد، حداکثر ساعات کار

۱. ای. وان هیرش (۱۹۹۰)، «آیین احکام اجتماعی» جرم و بزه‌کاری، صفحات ۱۶۳-۱۷۳

۲. ماده ۳.۹

۳. ماده ۳.۱۱

۴. ماده ۳.۱

روزانه و هفتگی که متهم باید انجام دهد نیز کاهش یابد. دادگاه هم‌چنین باید شرایط حاکم بر افراد مجرم را نیز به‌طور واضح و روشن بیان کرده و تصریح کند.^۱ همانند حکم‌های دیگر جایگزین خدمات اجتماعی، موافقت (رضایت) رسمی مجرمی که آن حکم در مورد وی وضع شده نیز لازم است.

قوانین توکیو لیست بلندبالایی از موارد غیر از حبس برای مرحله صدور حکم تهیه کرده و اصل کیفری منطقی و معقولی ارائه کرده است:

- الف) حکم‌های (ضمانت‌اجراهای) گفتاری، مثل تذکر، اندرز، پند، بازخواست، سرزنش، توبیخ و اخطار؛
- ب) آزادی مشروط؛
- ج) مجازات‌های حقوقی؛
- د) ضمانت‌اجراهای اقتصادی و مجازات‌های پولی مثل جریمه‌های روزانه؛
- ه) دستور یا حکم مصادره اموال؛
- و) حکم به جبران خسارت وارده به مجنی‌علیه یا اعاده وضعیت قبلی؛
- ز) به تعویق انداختن یا معلق کردن حکم مجازات؛
- ح) آزادی مشروط و کنترل قضایی؛
- ط) کار رایگان عام‌المنفعه؛
- ی) ارجاع به یک مرکز مراقبت؛
- ک) تحت نظر قرار دادن در خانه خود مجرم؛
- ل) هر نوع دیگر از درمان‌های غیرسازمانی؛
- م) ترکیب بعضی از اقدامات فوق.^۲

قوانین توکیو مقررات حکم‌های جایگزین را فهرست‌وار بیان کرده ولی مفاد این مقررات و ساختارهای اجرایی لازم جهت انجام آن‌ها را مشخص نکرده است. مقررات

۱. ماده ۱۲.۱ و ۱۲.۲

۲. ماده ۸.۲

جایگزین حبس در بخش ۴.۳ به تفصیل تشریح شده و در ادامه در بخش ۴.۴ نیز نحوه به کار بستن زیرساخت و اساس اجرایی لازم برای انجام جایگزین‌های حبس موجود و در دسترس را بیان خواهیم کرد.

۴-۳. مجازات‌های غیر سالب آزادی خاص

برای تعریف مجازات‌های غیر سالب آزادی، اصطلاحات کاربردی متفاوتی وجود دارد. واژه‌ای که در این کتابچه مورد استفاده قرار می‌گیرد، مطابق با اصطلاحی است که در قوانین توکیو برای تعریف مفاد مقررات مجازات جایگزین و مقتضیات اجرایی آن به کار رفته است. البته اصطلاحات دیگر و در واقع مجازات‌های غیر سالب آزادی دیگر نیز منطقی خواهد بود اگر عناصر تنبیهی آن‌ها مطابق با استانداردهای کرامت انسانی - که در بالا ذکر شد - باشد.

این موارد عبارتند از:

الف) ضمانت‌اجراهای گفتاری مثل تذکر، بازخواست، سرزنش و اخطار یا آزادی غیرمشروط که در بین ضمانت‌اجراهای گفتاری رسمی یا غیررسمی از ملایم‌ترین عکس‌العمل‌های دادگاه در پی کشف جرم یا عمل خلاف قانون هستند. وقتی چهارچوب‌های قانونی مناسب وجود داشته باشد، وضع چنان مقرراتی بدون هیچ مشکل دیگری انجام می‌گیرد. هرچند که این موارد جزو مصوبه‌های رسمی است، عملاً حاکی از آن است که دادگاه جزا دخالت دیگری نخواهد داشت. در این جا زیرساخت اجرایی دیگری لازم نیست.

ب) آزادی‌های مشروط نیز در اجرا آسان به نظر می‌رسند. البته این امر نیز مستلزم بسترسازی در جامعه است تا مقامات قضایی از شرایط لازم برای آزادی مجرم بدون تحمل مجازات‌های دیگر مطمئن باشند. اگر مقامات قضایی این وظیفه را به نیروی پلیس بسپارند، بار اجرایی مضاعف آن بر عهده پلیس خواهد بود.

ج) ضمانت‌اجراهای وضعیتی، مجرم را از حقوق اجتماعی شناخته‌شده در جامعه

محروم می‌کند. چنین مجازاتی مثلاً فرد محکوم به فریب و کلاه‌برداری را از وکالت یا مدیریت یک شرکت محروم می‌کند؛ یا شاید یک پزشک محکوم به سهل‌انگاری در معالجه را از ادامه طبابت منع کند. ضمانت‌اجراهای وضعیتی باید فقدان حکم اجتماعی - قانونی را به جرم مرتبط ساخته و محدودیت‌هایی را بر مجرمان تحمیل نکند که به جرم ارتكابی ارتباطی ندارند.

مجازات‌های حقوقی در بین جایگزین‌های حبس کم‌هزینه‌تر به نظر می‌رسند. دادگاه می‌تواند به راحتی با اطلاع از وضعیت مجرم آن‌ها را وضع کند. البته مجازات‌های حقوقی هزینه‌های پنهان دارند. آن‌ها ممکن است مجرم را از کسب درآمد منع کرده؛ بنابراین اگر مهارت‌های آن مجرم نادر باشد، کل جامعه از ممنوعیت حرفه‌ای وی رنج خواهد برد.

د) ضمانت‌اجراهای نقدی در دور ننگه داشتن بسیاری از مجرمان از زندان مؤثرترین نوع مجازات است. جریمه‌ها هم‌چنین از لحاظ کاربردی ساده به نظر می‌رسند، ولی تحمیل جریمه‌ها و اجرای آن مستلزم پشتیبانی اجرایی است.

برخی بر این باورند که با تعیین جریمه‌های ثابت برای جرایم مشخص، بسیاری از مشکلات حل می‌شود. با این وجود، یک جریمه ثابت به افراد فقیر خیلی شدیدتر از افراد پول‌دار صدمه می‌زند. بنابراین دادگاه‌ها باید جریمه‌های ثابت را برای جرایمی در نظر بگیرند که حبس در مورد آن‌ها معمول نیست و توجه کنند که تمام مجرمان درآمدی برای پرداخت آن جریمه داشته باشند. جریمه‌های ناظر بر سرعت بیش از اندازه در هنگام رانندگی، هنگامی که جریمه مستقیماً به مقدار تجاوز از حداکثر سرعت مجاز بستگی دارد، نمونه‌هایی از این مورد اخیر هستند. در موارد دیگر، لازمه برابری ایجاب می‌کند تلاش‌هایی در جهت اطمینان از هماهنگی جریمه با درآمد مجرم انجام شود تا این‌که جریمه از تأثیر کیفری یکسان برخوردار باشد. اغلب دادگاه می‌تواند با اطلاع از درآمد مجرم و سپس تطبیق جریمه و بالا و پایین کردن آن، این امر را اداره کند. اگر نظارت به اندازه کافی نباشد، نتیجه معکوس خواهد بود. جدول زیر نمونه‌ای از روش برخورد با این مسأله را ارائه می‌دهد.

تلاش برای برابری در جریمه‌ها: جریمه‌های روزانه

یک روش پیشرفته و جالب‌تر تعیین تناسب میان جریمه‌ها با توان مالی پرداخت مجرمان، روش جریمه‌های روزانه است «که گاهی جریمه‌های واحد نیز خوانده می‌شوند.» در این روش تعیین جریمه (تاوان)، ابتدا شدت جرم در اصطلاح روز یا واحد مشخصی بیان می‌شود. سپس متوسط درآمد روزانه مجرم یا متوسط درآمد مازاد روزانه مجرم تعیین می‌شود. جریمه واقعی از ضرب کردن تعداد روزها (واحد‌ها) در متوسط درآمد روزانه یا متوسط درآمد مازاد روزانه مجرم محاسبه می‌شود.*

*هانس تورن ایستد، «سیستم جریمه روزانه در سوئد»، بازبینی قوانین کیفری ۱۹۷۵، صفحات ۳۰۷-۳۱۲؛ گری م. فریدمن (۱۹۸۳)، «سیستم جریمه روزانه در آلمان غربی»، اصلاح قانون، دانشگاه شیکاگو، صفحات ۲۸۱-۳۰۴؛ ادراک عمومی از سیستم جریمه روزانه؛ ارزیابی اصلاح جریمه روزانه ۱۹۹۹

علاوه بر این، برای این که سیستم جریمه روزانه به خوبی عمل کند، دادگاه باید روش صحیحی برای تعیین درآمد مجرمان داشته باشد. وقتی دولت دارای سیستم مالیاتی‌ای است که اطلاعات معتبری درباره درآمد افراد ارائه می‌دهد و قانون نیز به دادگاه اجازه می‌دهد تا از آن داده‌ها و اطلاعات استفاده کند، مشکلی پیش نخواهد آمد. البته در بسیاری از کشورها اطلاعات صحیح و درست از درآمد اشخاص بدون تلاش و صرف هزینه‌های گزاف میسر نمی‌شود.

کسانی که در پرداخت جریمه کوتاهی کرده‌اند، نباید به این خاطر، خودبه‌خود با حبس مواجه شوند. مقامات قضایی باید در مواجهه با این مسائل در پی راه‌های چاره دیگر باشند. مثلاً این مجرمان می‌توانند در جامعه کار کنند یا دولت برای آن‌ها اشتغال‌زایی کند تا این که بتوانند جریمه‌های خود را از آن طریق بپردازند.

ه) حکم مصادره یا سلب مالکیت از اموال در قوانین توکیو به‌عنوان نوعی از مجازات‌های مورد اعمال در مورد مجرمان یاد شده است. هرچند بسیاری از مقامات قضایی آن را به‌عنوان مجازاتی که توسط دادگاه صادر شده باشد به شمار نمی‌آورند، ولی

به‌عنوان یکی از عواقب ارتکاب جرم می‌دانند. در برخی از حوزه‌های قضایی، مصادره و سازوکارهای ضبط اموال، خارج از اختیارات قانونی دادگاه‌های جزایی است. این چهارچوب حقوقی هر جا که باشد، مراجع را به مصادره عایدات جرم و تسویه دارایی‌های غیرنقدی و ضبط پول به اختیار دولت هدایت می‌کند. برای انجام درست مصادره، دادگاه به شواهد و مدارک دقیقی نیاز دارد که دلالت کند بر این‌که ثروت موجود در دارایی یک مجرم، حاصل ارتکاب جرم بوده و از راه غیرقانونی کسب شده است.

حکم مصادره باید دقیقاً به جرم مرتبط باشد؛ در غیر این صورت مشکل‌آفرین خواهد بود. درواقع، مصادره بیشتر با یک جریمه قابل مقایسه است تا پول. برای این‌که صدور حکم مصادره متناسب با جرم باشد، یک بررسی دقیق نظیر همان‌که در جریمه روزانه بیان شده لازم است. تلاش در ارزیابی موقعیت مالی مجرم نیز مشابه آن است. ولی دولت بار مضاعف سروکار داشتن با دارایی یا اجناسی را که احتمالاً مصادره و ضبط خواهد شد، نیز به دوش می‌کشد.

(و حکم جبران خسارت وارده به مجنی‌علیه (پرداخت غرامت) نیز تا حدی با جریمه مشترک است؛ به‌طوری‌که از دیدگاه مجرم، مجازات پولی به حساب می‌آید. هم‌چنین در تعیین مقدار مناسب با توانایی پرداخت مجرم نیز به جریمه شباهت دارد. جدول زیر یک نمونه عملی از غرامت است.

جبران خسارت یک امر قدیمی و سنتی است

تحقیق و بررسی در نیجریه و دیگر کشورهای آفریقایی حاکی از آن است که پرداخت غرامت به قربانیان جرایم به جای مجازات‌های دیگر - حتی در قبال جرایم سنگین و شدید - از دیرباز وجود داشته است. غالباً چنین غرامت‌هایی به آسانی در خارج از محدوده قانونی و رسمی دادگاه و قوانین جزایی پرداخت شده و درواقع دادگاه جزایی اصلاً دخالت داده نمی‌شود. وقوع این امر تا حدی به این خاطر است که قانون جزایی انعطاف لازم برای تشخیص نیاز به غرامت را ندارد.

تمهیدات مضاعفی برای چنین دستوراتی لازم است تا از شرایطی که مجرمان از مسئولیت خود شانه خالی می‌کنند، اجتناب شود.*

*! آدمی، «جبران خسارت فردی در آفریقا: نیجریه و گامبیا» انتشارات زوئیخ - صفحات ۵۳-۶۶

از دیدگاه وسیع‌تر، پرداخت غرامت و جبران خسارت، سایر اهداف مهم عدالت کیفری را نیز برآورده می‌کند. کارشناسان شرایط لازم برای قربانیان را به‌عنوان هدف اصلی عدالت کیفری تشخیص می‌دهند. آنچه که در این خصوص دارای اهمیت است، اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوءاستفاده از قدرت است که زمان پرداخت غرامت به قربانیان، خانواده‌های آنان و وابستگان‌شان را تعیین می‌کند.^۱ این اعلامیه می‌گوید، چنین غرامتی باید شامل بازگرداندن دارایی یا پرداخت ضرر و زیان، پرداخت غرامت قربانی، ارائه خدمات و استرداد حق باشد.

قوانین توکیو حکم پرداخت غرامت را تعریف نکرده است. البته حکم پرداخت غرامت، جبران خسارت وارده به بزه‌دیده تعبیر می‌شود. به‌خصوص در حکم حبس که در آن از مجرم خواسته می‌شود مبلغی به صندوق دولت پرداخت کند؛ در این حال پرداخت غرامت بزه‌دیده تضمین می‌شود بدون این‌که وی منتظر پرداخت آن از ناحیه مجرم باشد.

کتاب راهنمای عدالت برای قربانیان در مورد ارزش کلی غرامت و استرداد به قربانی شرح داده و به این مسئله می‌پردازد که غرامت یک حکم اجتماعی است که «بزرگ‌ترین دامنه ممکن برای اعاده حیثیت» را نیز فراهم می‌کند.^۲ از دیدگاه ویژه جایگزین‌های حبس، دادگاه باید به‌هنگام تحمیل غرامت از طریق

۱. ماده ۸ از اعلامیه بیان اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوءاستفاده از قدرت

۲. ماده ۸

حکم غرامت اصلی به ارزیابی خسارت (تلفات) قربانی توجه دقیق داشته باشد. دادگاه می‌تواند این کار را به روش‌های مختلف انجام دهد. کتاب راهنمای عدالت برای قربانیان، روش‌های زیر را پیشنهاد می‌کند:

در برخی حوزه‌های قضایی، دادستان بعد از اثبات تمامی خسارات وارده بر قربانی، مستقیماً با متهم وارد مذاکره می‌شود. در موارد دیگر، ارزیابی از خسارات ممکن است صرفاً توسط افسر ناظر بر آزادی مشروط به‌عنوان یک قسمت از بررسی پیش از محاکمه انجام گیرد. صرف‌نظر از روش انجام این فرآیند، قربانی معمولاً نیازمند ارائه رسید و مدارکی است تا خسارات وارده واقعی به خود را به اثبات برساند.

در حوزه‌های قانونی که مدل فرانسوی یا آلمانی را دنبال می‌کنند، بزه‌دیده قبل از محاکمه در دادگاه حاضر می‌شود. این حضور در تهیه اطلاعاتی که پرداخت غرامت یا جبران خسارت بر اساس آن تعیین می‌شود، مؤثر و مفید است ولی تصمیم‌گیری نهایی بر عهده دادگاه است. اگر جبران خسارت در زمان محاکمه مورد توجه قرار گیرد، سبب تسکین خاطر قربانیان شده و بدین معناست که آن‌ها مجبور به اقدامات قانونی دیگری نیستند، با این وجود، در بعضی حوزه‌های قضایی در انجام این عمل موانعی وجود دارد.

پرداخت غرامت به قربانی مستلزم نظارت و کنترل از طرف دولت است. در عمل شاید برای دادگاه مشکل باشد که پرداخت چنان غرامت‌هایی را نظارت کند و این امر نیازمند دخالت سرویس‌های مراقبتی یا بروکراسی مشابه در اجرای حکم است. راه دیگر این که دادگاه می‌تواند برای اطمینان از اجرای دقیق و مطابق با حکم غرامت، روی مقامات اجتماعی حساب کند. البته باید توجه شود اختیاری که به عموم جامعه در اعمال غرامت داده می‌شود، کاملاً محدود است.

طرح جبران خسارت قربانی خصوصاً اگر در وهله اول توسط دولت داده شود، مستلزم سرمایه‌گذاری اصلی در زیرساخت اجرایی است. شکل این طرح مطابق با نظام رفاه اجتماعی یا دادگاه‌های جزایی متغیر است. مثلاً ممکن است پرداخت غرامت از طریق یک سیستم موجود امکان‌پذیر باشد. کشورهای دیگر یک صندوق غرامت بزه‌دیده با مدیریت اجرایی خود را مؤثرتر می‌دانند. چنین صندوقی سپس می‌تواند

پرداخت جریمه‌ها، غرامت پرداختی توسط مجرمان و منابع دیگر را با گرفتن ضمانت اجرای غرامت به قربانیان محکم‌تر کند. یکی از موانع موجود آن است که خلاف‌کاران اغلب آن قدر فقیر هستند که سهمی که آن‌ها می‌توانند پرداخت کنند قابل ملاحظه نیست.

ز) به تعلیق انداختن یا معلق کردن مجازات، مقرراتی هستند که دادگاه بدون مشکل می‌تواند اعمال کند. معلق کردن مجازات وقتی است که حکم حبس صادر می‌شود ولی اجرای آن برای مدتی با تعیین یک یا چند شرط از طرف دادگاه، به تعویق می‌افتد. معلق کردن مجازات ظاهراً جایگزین خوبی برای حبس است. تهدید به حبس انجام شده (و عموم مردم آن را قبول دارند) و امید آن است که تأثیر بازدارنده داشته باشد، ولی در واقع صدور حکم مستلزم اجرای آن نیست؛ زیرا شرایط اجرای تعلیق منوط به رفتار مجرم است. حتی مجازات‌های تعلیقی بعضی تعهدات اداری فوق‌العاده را در مرحله اجرا برای مجرم ایجاد می‌کند. اگر شرایط تعلیق فراهم نباشد، یک ساختار اجرایی باید مطمئن باشد که حکم تعلیقی تحمیل شده و از موارد نقض شرایط تعلیق، آگاهی یابد. هر چند آسان به نظر می‌رسد ولی در فرآیندهای صدور حکم برای جرم ارتكابی جدید مجرم که موجب لغو حکم تعلیقی سابق است، تا حدودی پیچیدگی احساس می‌شود. ساختار اجرایی باید مراقبت کند تا در صورت لزوم، احکام تعلیق زودتر در دادگاه مورد بررسی قرار گیرند و اجرای فرآیند به تعویق نیفتد. با این وجود، حکم‌های تعویقی نباید به‌طور خودکار شروع شوند. مقامات قضایی باید در هر مورد تصمیم بگیرند که چه موقع برای صدور حکم مناسب خواهد بود. اگر شرایط تعویق یا تعلیق اجرای مجازات پیچیده‌تر باشد، یک دیوان‌سالاری محض لازم است تا اطمینان حاصل شود که تخلف از چنین شرایطی مورد توجه دادگاه بوده و این‌که دادگاه می‌تواند در خصوص لغو حکم تعلیقی و اجرای حکم تصمیم بگیرد.

ح) **تعلیق مراقبتی و کنترل قضایی** در قوانین توکیو یا حتی در تفسیر رسمی قوانین تعریف نشده است. شاید عجیب به نظر برسد ولی در واقع مفاهیم مختلفی از تعلیق مراقبتی وجود دارد. در بیشتر حوزه‌های قضایی، تعلیق مراقبتی تقریباً از قدیم یکی از

امکانات رفاهی بوده است. قرار دادن یک مجرم در حالت «تعلیق مراقبتی» فقط به این معنی بوده که نظام رفاه اجتماعی توجه خاصی به امکانات رفاهی مجرم و دیگر نیازهای وی دارد. در حالی که در بسیاری از کشورها چنین است، در بعضی دیگر، سرویس‌های مراقبتی به صورت یک آژانس ظاهر شده و مراقبت می‌کند تا مجرمان دستورات دادگاه را درباره شرایط تعیین شده انجام دهند. یک تعلیق مراقبتی شدید شاید بخشی از حکم تعلیقی مراقبتی باشد که از قربانیان جرم در مقابل مجرمان حمایت می‌کند. راه دیگر این که دستور تعلیق مراقبتی به مقررات دیگری مربوط است که در جامعه اجرا می‌شوند.

برای اهداف این کتاب راهنما، ما مشخص خواهیم کرد که نهاد آزادی مشروط به عنوان مشخصه یک نهاد دولتی است که اطلاعاتی را برای سیستم عدالت کیفری، خصوصاً در جهت صدور حکم، تهیه می‌کند و هم‌چنین بر اجرای شرایط حکم‌های اجتماعی توسط مجرمان نظارت داشته و در عین حال، آن‌ها را در مقابله با مشکلاتی که پیش روی‌شان است، مساعدت می‌کند. با توجه به اهمیت تعلیق مراقبتی، دادگاه نمی‌تواند بدون وجود زیرساخت خدماتی مناسب، حکم تعلیق مراقبتی را صادر کند. خدمات تعلیق مراقبتی باید اطلاعات مورد نیاز را در اختیار دادگاه قرار دهد. این اطلاعات در قوانین توکیو به عنوان گزارش‌های تحقیقات اجتماعی نامیده شده است.^۱ این گزارش‌ها سابقه مجرمان را تعریف کرده، شرایط زندگی آن‌ها را در ارتباط با علت ارتکاب جرم آن‌ها تشریح کرده و جایگزین‌های حبس را پیشنهاد می‌کند؛ مثل درمان معتادان که به مجرم در تغییر تمایلات مجرمانه کمک می‌کند. آن‌ها هم‌چنین اطلاعاتی در خصوص این که مجرم با شرایط تعیین شده از طرف دادگاه و محدودیت‌های اعلامی، چگونه خود را با جامعه سازگار کنند، ارائه می‌دهند. از همه مهم‌تر این که خدمات تعلیق مراقبتی بایستی بتواند حکم تعلیق مراقبتی را با پشتیبانی و نظارت بر شرایط دیگر که از طرف دادگاه وضع شده، به‌طور کامل انجام دهد و آن، شامل انجام مقررات اجتماعی دیگر مثل جبران خسارت وارده به قربانی، حکم‌های تعویقی، کار رایگان و

۱. ماده ۷.۱ و بخش ۴.۴ کتاب حاضر

کنترل در منزل است. قوانین توکیو مقررات مربوط به کنترل قضایی را همان مقررات تعلیقی مراقبتی می‌داند. اگر دادگاه‌ها نمی‌توانند مستقیماً از عهده نظارت برآیند، می‌توانند سازمان‌های اجتماعی را در این امر دخالت دهند.

ط) حکم کار رایگان عام‌المنفعه مستلزم آن است که مجرم در ساعات خاصی یک کار بدون مزد و یا وظیفه مشخصی را انجام دهد. چنان‌که از نام آن برمی‌آید، این کار باید خدماتی را برای جامعه ارائه کند. قبل از صدور چنین حکمی دادگاه به اطلاعات معتبر در مورد آن کار نیاز دارد. در انجام کار رایگان، نظارت دقیق لازم است تا مشخص شود که مجرم وظیفه خواسته‌شده را انجام داده و مورد سوءاستفاده قرار نگرفته و هم‌چنین به انجام کارهای اضافی یا تحت شرایط غیرمنطقی مجبور نشده است. در بیشتر حوزه‌های قضایی، ادارات یا سرویس‌های تعلیق مراقبتی مسئولیت اولیه را نیز برای اطمینان از حصول این شرایط بر عهده دارند. در قوانین توکیو^۱ اهمیت مشارکت عمومی در انجام اقدامات غیر سالب آزادی مورد تأکید قرار گرفته و حکم کار عام‌المنفعه موقعیت مناسبی برای در نظر داشتن چنین مشارکت‌هایی است. اعضای جامعه می‌توانند برای مجرمان فرصت‌های کاری فراهم کنند، اما نباید اقدامات اجباری یا انضباطی اعمال کنند. مثلاً نباید در مورد عدم توانایی مجرم در انجام وظایفی که از طرف دادگاه بر او حکم شده، تصمیم نهایی بگیرند؛ زیرا این مورد در مراحل بعد بهتر مشخص می‌شود.

استفاده از حکم خدمات اجتماعی در مورد رانندگان الکلی

مرکز پژوهش تایلند در همکاری صمیمانه با دادگاه‌ها، مقابله‌ای موفقیت‌آمیز علیه رانندگان الکلی راه انداخت که علت بیشتر تصادفات جاده‌ای هستند. در این نوآوری، رانندگان الکلی به جای گذراندن یک دوره سه‌ماهه حبس، حکم مجازات

تعلیقی دریافت کرده و با فرض این که آن‌ها خدمات ۲۴ ساعته ارائه می‌دهند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. مسئولان به منظور حساس کردن رانندگان الکلی نسبت به خطراتی که دیگران و خود آن‌ها را تهدید می‌کند، فعالیت‌های خدمات اجتماعی را طراحی کردند. این فعالیت‌ها شامل کمک‌رسانی به مصدومان خودروها، کار کردن در بیمارستان‌ها و داوطلب شدن برای همکاری و کمک‌رسانی در واحدهای نجات تصادفات جاده‌ای بود. این بخش، تلاش زیادی در جهت رساندن پیام خود در مقابله با مجرمان به عموم مردم کرد. علاوه بر تبلیغات تلویزیونی و فیلم‌های کوتاهی که در این خصوص تهیه شده بود، برخی افراد مشهور که به علت رانندگی در حال مستی دستگیر شده و مورد تحقیق قرار گرفتند نیز در جهت کاهش تعداد تلفات و صدمات ناشی از تصادف، در روزهای تعطیل به کار گرفته می‌شدند. چنین تلاش‌هایی مزایای مضاعف نیز دارد.

کمک‌رسانی به مؤسسات محلی از طریق خدمات اجتماعی

در اوایل سده ۱۹۹۰ مسئولان زیمبابوه علاوه بر تلاش برای کاهش ازدحام جمعیت زندان و نیز مهار کردن هزینه‌های روزافزون زندانی‌های در حال ازدیاد، امکان تهیه شرح حال از جمعیت زندان را نیز فراهم کردند. این بررسی نشان داد که حدود ۶۰ درصد زندانی‌ها حکم حبس ۶ ماه یا کمتر از آن را می‌گذرانند و به طور کامل ۸۰ درصد آن‌ها حکم حبس ۱۲ ماه یا کمتر از آن را داشتند و بیشتر آن‌ها بدون آن که اجازه پرداخت جریمه به ایشان داده شده باشد در حبس بودند. معلوم شد که اکثر این زندانی‌ها جرایم سنگینی نداشته و بیشتر آن‌ها نباید زندانی می‌شدند. مشخص شد که زیمبابوه - مخصوصاً در مورد مجرمان جوان و افرادی که برای اولین بار مرتکب جرم شده بودند - به جایگزین‌های حبس نیاز مبرم داشت. وزارت دادگستری قانونی را که در سال ۱۹۹۲ تصویب شده بود، بدین صورت اصلاح کرد که دادگاه‌ها می‌توانند در اجرای فرآیند جزایی، خدمات اجتماعی را به عنوان یک گزینه جایگزین مجازات انتخاب کنند. اگرچه زیمبابوه نهاد آزادی مشروط را نداشت، طرح خدمات اجتماعی از طریق سلسله‌مراتب

کمیته‌های ملی، استانی و ناحیه‌ای به‌طور اختیاری و داوطلبانه در سال ۱۹۹۴ با بودجه‌ای که برای تعداد محدود کارکنان در نظر گرفته شده بود، اجرا شد. موفقیت این برنامه در مشارکت جامعه محلی در سطح منطقه‌ای بود؛ به‌طوری که نمایندگان از مؤسسات محلی برای مجرمان، خدمات اجتماعی را فراهم می‌کردند. مؤسساتی مثل کلینیک‌ها، مدارس یا بیمارستان‌ها از مجرمان می‌خواستند تا در مؤسسه کار کنند. حکم مجرمان این بود که بر اساس توافق‌نامه از ۳۵ تا حداکثر ۴۲۰ ساعت در خدمات اجتماعی کار کنند که معادل حکم حبس از ۱ تا ۱۲ ماه است. مسئولان خدمات اجتماعی، ناظر بر اجرای حکم بوده و متخلفان را به دادگاه گزارش می‌کردند. تقریباً ۹۱ درصد از ۱۸۰۰۰ حکم مشروط به خدمات اجتماعی در ۴ سال اول برنامه، آن را به‌طور موفقیت‌آمیز اجرا کردند. نتیجه اولیه حاکی از آن بود که میزان بازگشت آن‌ها به زندان بسیار کمتر از قبل است. هزینه اجرای این طرح ماهانه ۲۰ دلار برای هر فرد است که این مقدار، یک پنجم یا یک ششم هزینه تخمینی حبس یک مجرم به مدت یک ماه است. به خاطر موفقیت این برنامه، از آن‌جا که طرح خدمات اجتماعی، رویکرد قدیمی‌تری به اجرای عدالت و غرامت است، بیشتر کشورهای آفریقایی و اطراف آن نیز تا حدودی مدل خدمات اجتماعی زیمبابوه را پذیرفته‌اند.

ی) ارجاع به یک مرکز مراقبت، تسهیلاتی است که مجرم در آن‌جا روزش را گذرانده و عصر هنگام به خانه خود برمی‌گردد. مراکز مراقبتی که به مراکز گزارش روزانه نیز معروفند، یک محل متمرکز برای ارائه خدمات درمانی است. بیشتر مجرمان معتاد نیاز مبرمی به درمان دارند. برنامه‌های دیگری که چنین مرکزی می‌تواند ارائه دهد، مجموعه‌ای از مدیریت خشم تا تربیت مهارت‌هاست. در مقایسه با زندان، زندانی‌ها با حضور در مراکز مراقبت و برخورداری از آزادی نسبی در جامعه به چنین برنامه‌هایی پاسخ مثبت می‌دهند. استفاده از مراکز مراقبت توسط دادگاه‌ها بهترین التزامی است که یک حوزه قانونی در زیرساخت مراکز مراقبت به کارگرفته است؛ به‌طوری که مجموعه‌ای از برنامه‌های مشخص مورد نیاز را ارائه می‌دهند. قضاات باید مرتباً

اطلاعاتی در مورد اوقات فراغت، برنامه‌ها یا فهرستی از موقعیت‌ها یا آنچه را که ممکن است در جامعه موجود باشد، داشته باشند. نهایتاً برای کسب اطلاعات درباره مجرم و نیازهای وی، علاوه بر بررسی درباره گذشته اجتماعی مجرم، به ارزیابی پزشکی یا روان‌شناختی نیاز دارند.

ک) تحت نظر بودن در خانه خود تقریباً حکم خشنی است ولی با این حال، خشونت آن کمتر از حبس است. خانه‌های مجرمان کاملاً متغیرند. در برخی کشورها، تعداد زیادی در خیابان‌ها زندگی می‌کنند، بقیه نیز روی هم‌رفته در شرایط سخت و پرازدحامی هستند. اگر تحت نظر بودن در خانه برای تمام ۲۴ ساعت روز وضع می‌شد، بار غیر قابل تحملی را به هم‌منزل‌های مجرم وارد می‌کرد. بدین معنا که خانه یک مجرم برای او زندان می‌شد، با این تفاوت که بر خلاف زندان، او خود مسئول رفع نیازهای اولیه خود است. ابزارهای کنترل الکترونیکی متعددی که در زیر مورد بحث قرار می‌گیرد، دشواری این حکم را مضاعف می‌کند. دادگاه برای اجتناب از زیاده‌روی می‌تواند ساعات این حکم را محدود کند. در این صورت مثلاً مجرم اجازه دارد در طول روز به‌طور سودمند اشتغال داشته و شب در خانه خود محبوس باشد. با جمع‌آوری اطلاعات مناسب، دادگاه باید بتواند مواردی را تشخیص دهد که ممکن است این حکم بدون فروپاشی زندگی دیگر ساکنان همان خانه وضع شود. دادگاه هم‌چنین می‌تواند مقیاس‌های اجرایی را مطابق با آن طراحی کند.

ل) هر نوع قید یا روش‌های دیگر غیرسازمانی از طرف قوانین توکیو مجاز است. آن‌ها امکان انعطاف‌پذیری در توسعه اشکال جدید اصلاحات غیرسازمانی یا تقویت جایگزین‌های مرسوم می‌کنند که شاید به انحراف کشیده شده باشند را فراهم می‌کنند. چنانچه جایگزین‌هایی نباید به استانداردهای اساسی حقوق بشر تجاوز کند. آن‌ها هم‌چنین بایستی در قانون دقیقاً پیش‌بینی شده باشند.

م) ترکیب بعضی از اقدامات لیست فوق یک شاخص معمول است؛ بدین معنی که دادگاه به مقررات واحدی محدود نیست. در عمل، دادگاه‌ها اغلب شرایطی را به‌طور

لیست‌وار فراهم می‌کنند که احتمالاً به بیش از یک مقوله مربوط باشد. اصل مهم آن است که تأثیر کلی مجازات نباید افراطی باشد.

۴-۴. شرایط بنیادین لازم برای جایگزین‌های حبس

دادگاه‌ها برای این که بتوانند از بین مجموعه‌ای از جایگزین‌های حبس، مناسب‌ترین گزینه را انتخاب کنند، به اطلاعاتی نیاز دارند. قوانین توکیو دسترسی دادگاه به «گزارش تحقیقات اجتماعی»^۱ را در رسیدن به این هدف لازم می‌داند.^۲ گزارش‌های اداری رسمی باید از اداره یا آژانس صلاحیت‌دار مجاز در اختیار دادگاه قرار داده شود. ماده ۷ قوانین توکیو قید می‌کند که چنین گزارش‌هایی باید شامل اطلاعات در مورد مجرم و توصیه‌هایی مناسب برای اعمال و اجرای حکم مجازات باشد. البته شاید در بیشتر کشورها چنین گزارش‌های رسمی وجود نداشته باشد. این بدان معنی نیست که منابع دیگر اطلاعاتی در این مورد قابل استفاده نیستند؛ در صورتی که آن‌ها استانداردهای قوانین تهیه مدارک را از لحاظ صحت و اعتبار رعایت کنند، استفاده از آن بدون مانع خواهد بود. هم‌چنین توصیه‌ها ممکن است از منابع دیگر نیز رسیده باشد ولی لازم است صحت آن‌ها توسط دادگاه ارزیابی شود.

هم‌چنین، اجرای بعضی از جایگزین‌ها، نه همه آن‌ها، در جامعه مستلزم زیرساختی است که توسط افراد متخصص همانند یک نظام خدمات آزادی مشروط انجام می‌گیرد و این نظام ممکن است نقشی در مقررات مربوط به جایگزین‌های مختلف مجازات که تا کنون مورد بحث واقع شده، ایفا کند. از سازمان‌های اداری دیگر نیز می‌توان استفاده کرد؛ مثل نیروی پلیس که مسئولیت اجرای مجازات‌ها تا حدودی بر عهده پلیس خواهد

۱. گزارش تحقیقات اجتماعی، که گزارش پیش از محاکمه نیز خوانده می‌شود، شرح و توصیف سابقه مجرم و شرایط محیط زندگی آن‌ها به منظور درک بهتر علل ارتکاب جرم توسط آن‌هاست که قبل از صدور حکم در اختیار دادگاه قرار می‌گیرد. چنین گزارش‌هایی شاید پیشنهادهایی برای حکم‌های جایگزین نیز ارائه کنند.

۲. ماده ۷.۱

بود و این فقط یکی از مسئولیت‌های پلیس است. اخیراً به‌طور روزافزون از تکنولوژی برای کنترل اجرای حکم‌ها در جامعه استفاده می‌شود. مثلاً ممکن است از مجرمان خواسته شود تا مرتباً از خانه‌شان تلفن کرده و بدین صورت از این‌که آن‌ها دستور تحت نظر بودن را در خانه اطاعت کرده‌اند یا خیر اطلاع حاصل شود. حتی می‌توان وسیله‌ای را به تلفن آن‌ها وصل کرده و ارزیابی کنیم که آیا آن‌ها به هنگام صحبت مست هستند یا خیر (از مواد استفاده کرده‌اند یا نه؟).

تحت نظر گرفتن مجرمان به منظور کاهش حبس

در طی سده ۱۹۹۰ سوئد یک سیستم نظارت (کنترل) شدید از طریق کنترل الکترونیکی^۱ راه‌اندازی کرده بود. به درخواست مجرم، مسئولان تأدیب مجرم می‌توانستند مجازات حبس در زندان را به کنترل و نظارت الکترونیکی تبدیل کنند. روزهایی که مجرم می‌بایستی در زندان سپری می‌کرد، درست با تعداد روزهایی که وی تحت نظارت الکترونیکی بود، یکسان می‌بود. سوئدی‌ها در سال ۲۰۰۱، نظارت و کنترل را به‌عنوان وسیله‌ای برای آزادی زودهنگام به کار گرفتند. ۴ سال بعد، آن را به‌طور همیشگی و دائمی انتخاب کردند. تمام مجرمانی که حداقل ۱/۵ سال از مدت حبس خود را گذرانده باشند، می‌توانستند درخواست کنند تا ۴ ماه آخر حبس خود را در کنترل الکترونیکی باشند. در سال ۲۰۰۵ مسئولان امر سوئد حتی طول مدت کنترل الکترونیکی را تا ۶ ماه نیز افزایش دادند. تحت این برنامه نظارت الکترونیکی، مجرم در خانه خود توقیف و بازداشت است به جز ساعاتی که به خاطر کار در خدمات اجتماعی، مراکز درمانی یا مشارکت در برنامه‌های درمانی بیرون می‌رود. خدمات مشروط شامل یک برنامه مفصل و کامل است. کنترل اصولاً از طریق وسیله‌های الکترونیکی صورت می‌پذیرد. به‌علاوه، مسئولان بازدیدهای غافلگیرانه از خانه مجرم به عمل آورده و فرد متهم می‌توانست هفته‌ای یک بار در برنامه‌های خدمات اجتماعی شرکت کند.

تعداد مجازات‌های حبس که به نظارت الکترونیکی تبدیل می‌شد، به سرعت به ۴۰۰۰ مورد در سال ۱۹۹۸ رسید. از آن پس، این تعداد به ۲۵۰۰ مورد کاهش یافت که این کاهش عمدتاً به خاطر آزادی مشروط با خدمات اجتماعی بوده که جایگزین حبس‌های کوتاه‌مدت است. سوئد این تجربه را در کل مثبت می‌داند. هرچند افرادی که تحت نظارت الکترونیکی بودند و خانواده‌های آن‌ها تا حدودی شرایط استرس‌زا و محدودیت در حریم خصوصی خود را تجربه کردند ولی آن‌ها این شرایط را بسیار بهتر از محدودیت‌های زندان می‌دانند. همچنین هزینه نظارت الکترونیکی خیلی کمتر از هزینه زندان و حبس است.

کنترل الکترونیکی به‌طور روزافزونی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ نه فقط برای گرفتن رد کسانی که در انتظار صدور حکم هستند، بلکه به‌عنوان وسیله‌ای برای پشتیبانی از حکم‌هایی که در جامعه در حال اجراست. در برخی حوزه‌های قضایی، کاربرد آن در نقش اخیر بحث‌برانگیز بوده است. کنترل الکترونیکی در وجه مثبت، روش مؤثری در گرفتن رد مجرمانی است که در حال گذراندن حکم خود در جامعه هستند. همچنین در هزینه‌های کارکنان صرفه‌جویی کرده و از برخوردهای تحریک‌آمیز و ستیزه‌جویانه با مجرمان ممانعت می‌کند. ولی در عین حال، این تکنولوژی پرهزینه است. در جوامعی که چندان توسعه‌یافته نیستند، امکان استفاده از کنترل الکترونیکی وجود ندارد. زیرا زیرساخت اقتصادی برای اجرای آن وجود ندارد. در جوامع دیگر، مشکلات فنی حاکی از آن است که کنترل الکترونیکی در مورد بعضی مجرمان کاربرد دارد نه برای همه که در نتیجه به تبعیضات نامطلوب منجر خواهد شد. در هر صورت، نظارت توسط افراد بشر مطلوب‌تر از نظارت توسط دستگاه‌های الکترونیکی به نظر می‌رسد. در اکثر کشورهای در حال توسعه که هزینه‌های کار پایین است، استخدام افراد ناظر، اقتصادی‌تر از نصب و راه‌اندازی دستگاه‌های الکترونیکی است. اساساً ممکن است اعتراض شود که بستن دست‌بند الکترونیکی به متهم، در واقع تجاوز به حریم اوست. اگر به مقام و شأن انسانی هم تعرض نشود، این خود یک مجازات بوده و صرفاً

تکنیکی برای اطمینان از رعایت محدودیت‌ها نیست. پیشرفت در تکنولوژی مثل کاربرد روزافزون تلفن‌های همراه به‌عنوان وسیله نظارت و کنترل باعث پایین آوردن ارزش این جوانب در آینده خواهد بود.

۴-۵. انتخاب جایگزین‌های حبس در مرحله صدور حکم

قوانین توکیو به‌طور کلی به هدف صدور حکم پرداخته است. ماده ۳.۲ می‌گوید: «انتخاب اقدامات غیرتوقیفی باید بر اساس ارزیابی از معیار ثابت به نسبت ماهیت و شدت جرم و شخصیت، سوابق مجرم، اهداف مجازات و حقوق قربانیان باشد». دادگاه‌ها می‌توانند جایگزین‌ها را طوری اجرا کنند که اهداف چندگانه مجازات را دست‌کم تا حدی برآورده کنند. این امر خصوصاً زمانی صحیح است که تأثیر جزایی یک حکم مجازات غیر سالب آزادی معادل باشد با آنچه که قاضی با صدور حکم در نظر دارد. کسانی که هدف اصلی مجازات را در تأثیر کیفری مجازات می‌دانند، دریافته‌اند که تأثیر جزایی بعضی مجازات‌های غیر سالب آزادی با تأثیر مجموعه‌ای از مجازات‌های غیر سالب آزادی تداخل دارد (مجازات‌های غیر سالب آزادی مختلف، مثل یک جریمه روزانه و یک دوره آزادی مشروط نیز با هم تداخل دارند). این امر مخصوصاً در مورد جرایم متوسط صحیح است. بیشتر جرایم جدی معمولاً از طریق حبس مجازات می‌شوند؛ در حالی که جرایم کوچک‌تر به حبس منجر نمی‌شوند. در مورد جرایمی که در حد متوسط قرار دارند، مجازات‌های غیر سالب آزادی بهترین گزینه است. دادگاه‌ها چاره‌ای جز یافتن جایگزین‌های حبس نداشته و شاید بهتر است تا حدودی وادار به انجام این کار شوند.

تسهیلات خدمات اجتماعی جایگزین مجازات حبس کوتاه‌مدت می‌شود

تسهیلات خدمات اجتماعی در طی دهه ۱۹۹۰ به سیستم عدالت کیفری فنلاندی‌ها معرفی شده و جایگزین حبس‌های غیرمشروط کمتر از هشت ماه شد.

برای اطمینان از اجرای تسهیلات خدمات اجتماعی به جای حکم مجازات حبس غیرمشروط، یک فرآیند دو مرحله‌ای اتخاذ شد.

در ابتدا دادگاه بایستی حکم مجازات خود را مطابق با اصول عادی و ضوابط معمول مجازات بدون در نظر گرفتن تسهیلات خدمات اجتماعی صادر کند. اگر نتیجه حبس غیرمشروط باشد، دادگاه باید در تصمیم خود، نوع حکم و طول مدت حبس را به‌طور مشخص بیان کند. سپس در مرحله بعدی دادگاه می‌تواند مجازات حبس را تخفیف داده و با تسهیلات خدمات اجتماعی تحت شرایط مشخص و قانونی معاوضه کند. مقدار خدمات اجتماعی بین ۲۰ تا ۲۰۰ ساعت متغیر است. در عمل، تبدیل مجازات حبس به خدمات اجتماعی بدین صورت است که یک روز حبس در زندان معادل یک ساعت ارائه خدمات اجتماعی محاسبه می‌شود. بنابراین دو ماه مجازات حبس تقریباً به ارائه ۶۰ ساعت خدمات اجتماعی تبدیل می‌شود.

هدف قانون فنلاند این بود که خدمات اجتماعی تنها در مواردی استفاده شود که مجرم یک مجازات حبس غیرمشروط را دریافت کرده باشد تا شبکه گسترش‌یافته و مجرمانی که این سطح از مجازات را دریافت نکرده‌اند نیز تحت پوشش قرار گیرند. قانون فنلاند در نیل به این هدف موفق شد؛ به‌طوری که در چند سال اول پس از اجرای قانون جدید، سالانه در حدود ۳۵۰۰ حکم تسهیلات خدمات اجتماعی صادر و جایگزین تقریباً ۳۵ درصد مجازات‌های حبس کمتر از هشت ماه شد. این بدین معناست که تعداد جمعیت زندان روزانه ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر کاهش یافته؛ یعنی تقریباً ۱۵-۱۰ درصد جمعیت زندان. حداکثر احکام صادره مربوط به تسهیلات خدمات اجتماعی سالانه به ۴۰۰ حکم می‌رسید. در همان زمان، تعداد مجازات‌های حبس از حدود ۱۰۰۰۰ حکم به ۶۰۰۰ حکم در سال رسید.

دست‌کم در عمل، اطمینان از انجام این امر مشکل به نظر می‌رسد. یک روش آن است که از طریق قانون از قضات بخواهیم تا در تمام مواردی که حکم حبس کوتاه‌مدت، شش‌ماهه یا کمتر از آن صادر کرده‌اند، اقدامات غیر سالب آزادی وضع کنند. تعدادی از کشورها در حد مناسبی از این استراتژی استفاده کرده‌اند. نگاه کنید به

عنوان «خدمات اجتماعی جایگزین مجازات حبس کوتاه‌مدت» که نمونه‌ای از این نوع استفاده است.

اگر قضات جایگزین‌های غیر سالب آزادی موجود را به‌عنوان گزینه‌های واقع‌گرایانه به شمار نیاورند، خطر آن است که در واکنش به جرم، اقدام به تحمیل مجازات حبس که فراتر از اختیارات قانونی آن‌هاست کرده و برای مثال، در موارد فوق، حکم حبس هشت ماه و یک روز تحت نظر قانون صادر کنند. تأکید مداوم بر اجتناب از استفاده از حبس و کاربرد مجازات‌های جایگزین حبس برای جرایم حد متوسط، بهترین پادزهر برای آن است.

جریمه به‌عنوان جایگزینی برای حبس‌های کوتاه‌مدت

در سال ۱۹۶۹، آلمان غربی مجموعه قوانین کیفری خود را مورد بازبینی قرار داد تا کاربرد زندان را کاهش دهد. برای نیل به این هدف، استفاده از حبس کوتاه‌مدت را محدود کرد. تا امروز، آن‌چه که قوانین جزایی آلمان به‌شدت از آن حذر می‌کند، صدور حکم‌های حبس کمتر از ۶ ماه است و از قضات خواسته می‌شود تا دلیل خود را برای صدور چنین حکمی به‌روشنی بیان کنند.

در نتیجه، دادگاه‌ها به جایگزین‌های حبس کوتاه‌مدت روی آورده و لزوماً طول مدت حبس را نیز افزایش دادند. پس از تصویب یک سیستم جریمه روزانه در سال ۱۹۶۹، جریمه‌ها مؤثرترین جایگزین‌های حبس به شمار می‌رفتند. سیستم جریمه روزانه به‌عنوان یک جایگزین حبس، مقدار و اعتبار جریمه‌ها را افزایش داده است، چنان‌چه پیش‌تر نیز در کشورهای اسکاندیناوی این اتفاق افتاده بود. در سال ۱۹۶۸، دادگاه‌ها ۱۱۹۰۰۰ حکم حبس کمتر از نه ماه داشتند. تا سال ۱۹۷۶، این رقم به ۱۹۰۰۰ مورد کاهش یافت. در همان زمان، کاربرد جریمه‌ها از ۳۶۰۰۰۰ مورد به ۴۹۰۰۰۰ مورد افزایش یافت. کاربرد گسترده حکم‌های جایگزین در سال‌های بعدی دادگاه‌ها را قادر ساخت که با وجود افزایش سریع روند جرم بین سده‌های ۱۹۶۰ تا اوایل دهه ۱۹۹۰، تعداد حکم‌های حبس ثابت بماند.

فعالیت‌های قدیمی و سنتی نیز به‌عنوان روشی از جایگزین‌های حبس کاربرد دارد.

تأمل در جایگزین‌های سنتی: حلقه‌های مجازات

مجازات‌هایی که به صورت حلقه‌ای صادر می‌شوند متضمن اقدامات درمان‌گر (التیام‌بخش) اولیه سنتی و فرآیندهای آستی و مصالحه، اعاده و جبران خسارت و احیا و غرامت هستند تا نیازهای قربانیان و مجرمان و خانواده‌های آن‌ها و نیز عموم جامعه را برآورده کند. حکم مجازات حلقه‌ای ابتدا در سرزمین‌های متعدد یوکان (کانادا) آغاز شد.

در احکامی که به صورت حلقه‌ای صادر می‌شوند، افراد دخیل در فرآیند قضاوت شامل قاضی، وکیل، دادستان، پلیس، قربانی، مجرم و خانواده و ساکنان محل، به‌طور حلقه‌وار رودروی هم می‌نشینند. هدف مناظره دست‌یابی به توافق درباره بهترین روش حل مسئله با تمرکز بر لزوم حمایت جامعه و اصلاح و مجازات مجرم است.

حکم حلقه‌ای عمدتاً بر مجرمانی تأکید دارد که اتهام وارده را می‌پذیرند. هرچند این مجرمان شاید زمانی را در زندان بگذرانند، ولی جایگزین‌های دیگر بسیاری نظیر خدمات اجتماعی نیز برای آن‌ها وجود دارد.

حکم حلقه‌ای در دادگاه‌ها متفاوت است. مثلاً به جای اعمال مجازات، به فرآیند دست‌یابی به یک حکم جایگزین توجه داشته و به ایجاد ارتباط بین طرفین دعوی کمک می‌کند. هم‌چنین به جای آن‌که به گذشته و آنچه که اتفاق افتاده متمرکز شود، به زمان حال و آینده توجه داشته و یک نگاه همه‌جانبه و دیدگاه جامع‌نگر دارد.

منبع: س.ت. گریفیتس (۲۰۰۶)، عدالت کیفری در کانادا: چاپ سوم، انتشارات

تامسون نلسون.

با توجه به این‌که در این کتاب، علت پرداختن به مجازات‌های غیر سالب آزادی، ارائه جایگزین‌های واقعی برای حبس است، باید به نتیجه‌ای که در صورت عدم

موفقیت مجرم در انجام شرایط مجازات غیر سالب آزادی روی خواهد داد نیز توجه کنیم. مثلاً اگر جریمه‌ای وضع شود که پرداخت آن از توانایی مالی مجرم خارج باشد و مجازات عدم پرداخت آن نیز حبس باشد، این جریمه در واقع یک مجازات جایگزین نیست. مجازات‌های غیر سالب آزادی باید طوری طراحی شوند که به این نتیجه منجر نشوند. مثلاً جریمه‌ها ممکن است به‌طور قسطی قابل پرداخت باشد یا کارهای رایگان از لحاظ ساعاتی که مجرم در طول هفته کار می‌کند، تغییرپذیر باشد. از همه مهم‌تر این که حبس نباید مجازات عدم انجام شرایط حکم غیر سالب آزادی باشد.^۱ مثلاً وقتی که یک مجرم نمی‌تواند به‌طور کامل از انجام کارهای خواسته‌شده برآید و یا تمام زیان‌های وارده بر قربانی را جبران کند، باید مجدداً دادرسی انجام گرفته و علل شکست بررسی شود. در تصمیم‌گیری برای عمل بعدی علیه مجرم، انجام قسمتی از تعهدات به‌عنوان یک عامل نسبتاً مثبت ارزیابی شود. لزوماً نباید به دنبال این امر، یک مجازات توقیفی صادر شود؛ زیرا در بررسی دقیق برای جایگزینی مجازات سالب آزادی، این خطر وجود دارد که مجازات‌های جایگزین حبس هدف مورد نظر را دنبال نکنند. ممکن است آن‌ها به‌عنوان مجازات‌های اضافی در مواردی که حبس در وهله اول به‌طور جدی مورد بررسی قرار نگرفته است، وضع شده باشند و در نتیجه شبکه کنترل اجتماعی تحت سیستم عدالت کیفری گسترش می‌یابد. در اصطلاح اصل صرفه‌جویی و محدودیت در صدور حکم حبس، این نتیجه معمولاً یک امر نامطلوب بوده و بایستی برای جلوگیری از آن اقداماتی انجام گیرد.

۴-۶. چه کسی باید اقدام کند؟

مشارکت افراد و گروه‌های زیر ضروری است:

قضات و دادگاه‌ها - اصطلاحاتی که ما به‌طور متغیر در این بخش به کار می‌بریم - افراد اصلی در به کار بردن مجازات‌های جایگزین حبس هستند. آن‌ها باید تمایل به

۱. ماده ۱۴۰۱ از قوانین توکیو

وضع جایگزین‌ها را در صورت امکان تمرین کرده و هرگاه حبس اجتناب‌ناپذیر باشد، آن را برای کوتاه‌ترین زمان ممکن صادر کنند.

قانون‌گذاران باید چهارچوب قانون را به نحوی تنظیم کنند که جایگزین‌ها را ارائه داده و در صدور حکم حبس صرفه‌جویی کند.

مجریان در ایجاد جایگزین‌های مناسب مساعدت کنند. بعضی جایگزین‌ها قبل از آن‌که قاضی بتواند از آن‌ها استفاده کند، مستلزم زیرساخت اجرایی جامع است.

مأموران آزادی مشروط باید یک سرویس خدماتی ثابت فراهم کنند تا قضات و عموم از اجرای مجازات‌های جایگزین وضع شده مطمئن شوند.

رهبران جامعه عموم مردم را متقاعد کنند تا مجرمانی را که حکم خود را در حد متوسط اجرا می‌کنند پذیرفته و آن‌ها را ترغیب کنند که به اجرای چنین احکامی کمک کنند.

داوطلبان نیز می‌توانند در تحقق مجازات‌های اجتماعی مفید و مؤثر باشند. قوانین توکیو به این نکته تأکید کرده و برای آموزش داوطلبان و هم‌چنین برای بازشناسی آن‌ها اقدام کرده است. با این وجود، همان‌طور که تفسیریه رسمی در مورد قوانین توکیو مطرح کرده است: «باید توجه داشت که داوطلبان برای انجام وظایف کادر حرفه‌ای متخصص و مسئول، استخدام نشده‌اند.»^۱

۵. آزادی پیش از موعد

۵-۱. انواع آزادی پیش از موعد

بیشتر کشورهای جهان سازوکارهایی دارند که شرایط آزادی زندانی را قبل از آن‌که دوره حبس خود را به‌طور کامل گذرانده باشد، فراهم می‌کنند. ولی این سازوکارها همیشه به‌عنوان جایگزین‌های حبس شناخته نمی‌شوند. بعضی از انواع آزادی پیش از موعد از جمله آزادی به قید التزام با قول شرف، در کشورهای در حال توسعه اغلب به علت کمبود منابع مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. در طراحی این جایگزین‌ها باید در پی

۱. تفسیر ماده ۱۹ از قوانین توکیو

استراتژی برای تشکیل چنین سازوکارهایی باشیم. زیرا آزادی پیش از موعد اساساً اهمیت عملی قابل توجهی در کاهش زندانی‌ها و به حداقل رساندن کاربرد حبس دارد. آزادی پیش از موعد انواع مختلفی دارد که از لحاظ معیار متغیرند؛ از تخفیف (تعطیل) نظام زندان — که به زندانی اجازه می‌دهد تا زمان محدودی را به‌طور مشروط در جامعه آزاد باشد — گرفته تا آزادی پیش از موعد غیرمشروط. در جامعه فقط آزادی مشروط حقیقتاً جایگزین حبس است، ولی همه این استراتژی‌ها عمدتاً در جهت کاهش استفاده از مجازات حبس هستند.

قوانین توکیو نیز در این مورد رویکرد جامعی اتخاذ کرده است. اظهارنامه رسمی در تفسیر قوانین توکیو چنین می‌گوید: قوانین مربوط به مرحله بعد از صدور حکم به اقدامات کاهش طول مدت حبس پرداخته و یا جایگزین‌هایی برای حبس پیشنهاد کرده است.^۱ ماده ۹.۲ فهرستی از «اقدامات بعد از صدور حکم» را که برای رسیدن به آن اهداف باید در دسترس باشد، بیان کرده است، که عبارتند از:

- مرخصی و خانه‌های نیمه‌راه؛ (خانه‌های نیمه‌راه هتلی است برای اقامت کوتاه‌مدت کسانی که اخیراً زندان را ترک کرده‌اند، تا آمادگی لازم برای زندگی در منزل خود و ورود به اجتماع را داشته باشند)؛
- آزادی تحصیلی یا شغلی؛
- انواع مختلف آزادی به قید التزام با قول شرف؛
- گذشت؛
- عفو.

اگر بخواهیم در معنی لغوی عبارات فوق دقیق شویم، دو مورد اول کاملاً جایگزین‌های حبس هستند. زندانی‌هایی که به آن‌ها مرخصی داده می‌شود و بدین صورت در طول حبس به مدت کوتاهی زندان را ترک می‌کنند، یا افرادی که قبل از

۱. تفسیر ماده ۹ از قوانین توکیو

آزادی در جامعه در خانه‌های نیمه‌راه ساکن می‌شوند و در اصطلاح قانون، زندانی بوده و مخاطب قوانین زندان هستند، مانند زندانی‌هایی که برای کار یا تحصیل از زندان خارج می‌شوند، وضعیت زندانی بودن خود را از دست نمی‌دهند. این مقررات، هنوز هم در بهبود وضع زندانی‌ها و تسهیل انتقال آن‌ها به جامعه ارزشمند است.

آن سوی دیوارها: زندان‌های باز

زندانی‌های بین سنین ۳۰ تا ۴۶ سالگی که در حال گذراندن دوره حبس خود در ایالت راجاستان هندوستان هستند، احتمالاً پس از طی یک سوم زمان حبس خود، به یک اردوگاه زندان باز در سانگادز منتقل می‌شوند که برای حبس ابد، ۷ سال محاسبه می‌شود. مسئولان زندان‌های باز باید مطمئن شوند که زندانی‌ها ضوابط ثابتی را می‌پذیرند؛ به طوری که از دردهای فیزیکی و روحی رها بوده و در عین حال که در زندان به سر می‌برند، رفتار خوبی را از خود بروز داده و ساکنان راجاستان محسوب می‌شوند. بسیاری از آن‌ها مرتکب قتل شده‌اند. البته قاتل‌های حرفه‌ای واجد شرایط این محیط نیستند. در کمپ زندان باز، این زندانی‌ها اقامت‌گاه و خانه خود را می‌سازند و در آن‌جا با خانواده‌های خود زندگی می‌کنند. کودکان آن‌ها به مدارس محلی می‌روند؛ زندانی‌ها در زمین کمپ به زراعت می‌پردازند؛ کارهای عادی انجام می‌دهند؛ به تجارت پرداخته و برای کارفرمایان بیرونی کار می‌کنند. آن‌ها اردوگاه خود را توسط شورای منتخب ریش‌سفیدان روستا اداره کرده و در عین حال مسئولان اردوگاه برای آن‌ها اشتغال فراهم می‌کنند. زندانی‌هایی که مورد عفو قرار گرفته و بخشوده شوند، آزاد می‌شوند. این روش که در دیگر ایالت‌های هندوستان نیز به کار گرفته می‌شود، توجه دیگر مناطق را به خود جلب کرده است.

همان طور که در مورد مجازات‌های جایگزین دیدیم، قوانین توکیو مقررات مختلف مرحله بعد از صدور حکم را تعریف نکرده است. بنابراین برای آن‌که بدانیم بعد از آن چه می‌شود، هر یک از این مقوله‌ها را به تفصیل شرح خواهیم داد.

مدل‌های مختلف آزادی به قید التزام با قول شرف

اصطلاح آزادی به قید التزام با قول شرف در نظام‌های عدالت کیفری زیاد متداول نبوده و اصطلاح «آزادی مشروط» رایج‌تر است. البته آزادی مشروط در حوزه‌های مختلف قضایی به مفاهیم متعددی دلالت دارد. برای بعضی، آزادی مشروط فقط به این معنی است که زندانی با شرط معمول اطاعت از تمام قوانین و ارتباط مداوم با مقامات قضایی آزاد می‌شود. در برخی دیگر، آزادی مشروط ممکن است به آزادی زندانیان با شرایط فردی شده بعد از آزادی محدود باشد. بدین وسیله، مواردی که زندانیان به طور معمول، تنها با رعایت شرایط مقرر در قانون برای تجویز آزادی مشروط، آزاد می‌شوند، مستثنی می‌گردد. در این قبیل موارد چنین شرایطی به صورت خودکار مراعات می‌گردد.

با این وجود در بیشتر کشورها تنها شرایط حاکم عبارتند از این که یک مجرم در طی زمان باقی‌مانده حکم خود، مرتکب جرم دیگری نشود و یا این که مرتباً به مقامات قضایی گزارش دهد. این‌ها هم‌چنین تنها شرایطی هستند که بعضی از کشورها به صورت واقع‌گرایانه می‌توانند حکم کنند. ایراد این شرایط آن است که به نیازهای مجرم به‌طور فردی مربوط نبوده و در انتقال وی از زندان به یک زندگی اجتماعی قانونمند کمک کمتری می‌کند. با توجه به این تفاوت‌ها، تعریف ما از آزادی به قید التزام با قول شرف (یا آزادی مشروط) آزادی یک مجرم تحت شرایطی است که قبل از آزادی وی تعیین شده و به قوت خود باقی بماند مگر این که تغییر کرده یا این که دوره حکم به‌طور کامل به اتمام برسد. آزادی مشروط زمانی لازم‌الاجراست که دست‌کم دوره حبس یا نسبت ثابتی از حکم طی شده باشد. هم‌چنین ممکن است بسته به تشخیص مقامات اجرای مجازات، حکم به آزادی مشروط زندانی اتخاذ شود. در حوزه‌های قضایی وقتی زندانی‌ها مجبور به قول و التزام هستند باید به انجام این کار تشویق شوند.

بخشش، که در آن زندانی قبل از پایان محکومیت بدون هیچ شرطی آزاد می‌شود، در واقع یک آزادی بی‌قید و شرط است. بخشش معمولاً به‌طور خودکار بعد از این که مجرم نسبت ثابتی از دوره محکومیت خود را گذرانده امکان‌پذیر است. ولی ممکن است به صورت کسر یک دوره ثابت از میزان محکومیت نیز باشد. گاهی بخشش به دلیل رفتار

خوب محکوم در زندان انجام می‌گیرد. اگر زندانی رفتار نامناسبی داشته و یا به جرم دیگری دست بزند، امتیاز وی تا حدی محدود شده و یا به‌طور کامل لغو می‌شود. **عفو**، که معمولاً به معنای آزادی متعاقب کنار گذاردن حکم یا محکومیت است، در واقع یک نوع آزادی بی‌قید و شرط است و معمولاً به لطف و عنایت رئیس دولت انجام می‌گیرد. عفو بر دو نوع است. در نوع اول، از طریق عفو، مجرم آزاد شده و کلاً محکومیت و مجازات او کنار گذاشته می‌شود. نوع دیگر به‌عنوان عفو عمومی شناخته می‌شود که در جهت موعد آزادی یک مجرم یا گروهی از مجرمان است. رئیس دولت دستور عفو عمومی را صادر می‌کند. با این وجود، این اصطلاح ثابت نبوده و بخشش و عفو عمومی به‌طور متغیر به کار می‌روند. تعدادی از کشورها برنامه آزادی پیش از موعد زندانیان را به‌طور گسترده در نظر داشته‌اند. در زیر به بیان یک مثال عملی از آن می‌پردازیم.

نیجریه نصف زندانی‌های خود را آزاد کرد

وزارت دادگستری بایو اجو^۱ اظهار داشت که تا ۲۵۰۰۰ نفر شامل افراد بیمار، کهنسال و افرادی که مبتلا به اچ‌آی‌وی^۲ هستند، آزاد خواهند شد. افرادی که به مدت طولانی منتظر محاکمه و صدور حکم خود بوده‌اند و هم‌چنین پرونده آن‌ها توسط مسئولان امر گم شده است، نیز در این مورد ذینفع خواهند بود. طبق گزارش‌ها بیشتر افراد حتی تا ۱۰ سال منتظر نوبت محاکمه خود می‌مانند. بنا به اظهارات گروه حقوق بشر، میزان مرگ و میر در بین زندانی‌هایی که در شرایط پرازدحام و ناسالم هستند، به‌طور چشم‌گیری زیاد است. مسئله زندانیان بلا تکلیف در نیجریه به یک مشکل اساسی برای نظام عدالت کیفری تبدیل شده است. شرایط زندانی‌ها بسیار وحشتناک است. اغلب ۴۰۴۴ زندانی در ۲۲۷

1. Bayo Ojo

2. HIV

زندان در سرتاسر نیجریه محبوس هستند. حدود ۶۵ درصد آن‌ها در انتظار صدور حکم هستند. آقای اجوگست می‌گوید: دولت شش «خانه نیمه‌راه» برای افرادی که در زندان آموزش دیده و تربیت شده‌اند، خواهد ساخت. تا زمان تکمیل شدن فرآیند، امیدواریم که تعداد زندانی‌ها بین ۱۵۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ کاهش یابد.

منبع: اخبار بی بی سی، ۲۰۰۶/۱/۵، ۹:۵۹:۴۰ -

BBC NEWS: <http://news.bbc.co.uk/go/pr/fr/-/2/hi/africa/4583282.stm>, 2006/01/05 09:59:40 GMT/.

۲-۵. آزادی پیش از موعد: مسائل مربوطه و راه‌کارها

با وجودی که آزادی پیش از موعد در هر صورت جمعیت زندان را کاهش می‌دهد، ولی با مسائل متعددی مواجه است. البته تمامی این مسائل بر انواع آزادی زودهنگام تأثیر یکسان ندارند.

مسئله: آزادی پیش از موعد، اقتدار دادگاه در صدور حکم مجازات و متعاقباً اعتماد عمومی را تضعیف کرده و مجازاتی متفاوت‌تر از آنچه که از نظر عموم مردم احتمال می‌رود در مورد مجرم صادر می‌شود.

مقامات قضایی باید تمام جوانب امر را در نظر بگیرند؛ به‌طوری که اگر یک مجازات شامل امکان آزادی پیش از موعد باشد، آن‌ها باید آزادانه ماهیت آن آزادی و شرایط آن را بیان کنند. آن‌ها باید این مسائل را در زمان صدور حکم مجازات و هنگامی که توجه عمومی بیشتر بر روی اجرای صحیح عدالت متمرکز است، توضیح دهند. مجرم‌ان نیز باید در وهله اول برای احراز شرایط آزادی پیش از موعد تلاش کرده و بر اعمال خود مواظبت کنند تا صلاحیت و شایستگی احراز آن را از دست ندهند.

مسئله: آزادی پیش از موعد، حمایت عمومی از اعمال مجازات زندان در مورد مجرم‌ان زندانی را حداقل برای مدتی کاهش می‌دهد.

اکثریت مجرم‌ان بالاخره در یک مرحله آزاد می‌شوند. آزادی مشروط برنامه‌ریزی

شده‌ای که اسباب پذیرش مجرمان در جامعه را فراهم می‌کند، از طرف عموم جامعه بهتر حمایت می‌شود؛ زیرا احتمال رفتار جنایی مجرمان را تا حدی کاهش می‌دهد. محدودیت‌هایی که در مورد مجرمان خطرناک، بعد از آزادی از زندان در جامعه اعمال می‌شود، در جلب رضایت و اعتماد عموم مؤثر است. ولی این روش، مستلزم متعادل‌سازی ظریف علایق است. محدودیت‌هایی که عموم واجب می‌شمارند، احتمالاً جزو برنامه‌های بازگشت مناسب مجرم به جامعه نخواهد بود؛ خصوصاً زمانی که محدودیت‌ها در ادامه اجرای مجازات اصلی نباشد. چنین محدودیت‌هایی دیگر جایگزین حبس نبوده بلکه بار مضاعف بر دوش مجرمانی است که اینک دوره محکومیت خود را به پایان رسانده‌اند. اگر قانون راه را برای چنین محدودیت‌هایی باز گذارد، دادگاه‌ها باید آن‌ها را فقط در مورد مجرمان و متخلفان بسیار خطرناک و صرفاً برای مدت محدود و معینی اعمال کند.

مسئله: آزادی پیش از موعد برای مجرمان نامطلوب است. زیرا گاهی این آزادی اعطاشده به مجرم، ممکن است به‌طور اختیاری و یا رسمی لغو شود. مقامات قضایی باید فرآیندهایی را به کار گیرند تا از مؤثر بودن چنین انتخاب‌هایی مطمئن شوند. ساده‌ترین رویکرد آن است که پس از طی دوره ثابتی از محکومیت، آزادی پیش از موعد اعطا شود؛ البته این امر آزادی عمل و اختیار مقامات قضایی را در ارزیابی از آمادگی مجرم برای آزادی پیش از موعد از لحاظ رفتار در زندان و خطرات برگرداندن وی به جامعه را سلب می‌کند. در عمل، مخصوصاً زمانی که زندانی محکومیت کوتاهی را می‌گذراند، انجام این ارزیابی غیرممکن به نظر می‌رسد؛ به‌طوری که زندانی در زمانی که حداقل دوره محکومیت را گذرانده، باید آزاد شود. هرگاه آزادی پیش از موعد، مشروط به رفتار خوب در زندان باشد، تشخیص آن رفتار دارای اهمیت است. دیوان اروپایی حقوق بشر دریافته است که غرامت فقدان عفو، به علت یک تخطی انضباطی، معادل مجازات حبس اضافی به شمار می‌رود. آیین دادرسی سخت‌گیرانه‌ای که به بازداشت مجرم منجر شود، باید مطابق با استانداردهای صحیح دادرسی در محاکمه کیفری باشد، حتی اگر چنان هم خوانده نشود.

بخشش‌ها و عفوهای عمومی دارای معایبی هستند؛ زیرا اختیاری بوده و به سوءاستفاده از قدرت و فساد منجر می‌شوند. از دیدگاه سستی چنین اختیاراتی که از طرف رئیس دولت اعمال می‌شود، مورد بررسی قضایی قرار نمی‌گیرد. هم‌چنین در قوانین توکیو مطرح شده است که مقررات بعد از صدور حکم، به غیر از مورد عفو عمومی، باید توسط یک مرجع مستقل دیگر از لحاظ به کارگیری در مورد مجرم، مورد بررسی قرار گیرد.^۱ قانون اجرایی جدید دریافته است که در تعدادی از دادرسی‌ها با این‌که رأس مجموعه در اعمال قدرت اختیارات وسیعی دارد، هنوز از طرف اصول وابسته به قانون اساسی و تبعیضات خودسرانه و نامطلوب این اختیارات، محدود می‌شود. اگر این‌ها از این اصول تخلف کنند، خود نیز باید در دادگاه مورد مؤاخذه قرار گیرند.

رهبران برای عفو و بخشش زندانی‌ها چه قدرتی باید داشته باشند؟

آیا رئیس جمهور می‌تواند تمام زنان زندانی را که فرزندان خردسال دارند مورد عفو عمومی قرار دهد ولی نسبت به مردانی که همان شرایط را دارند، بخشش نداشته باشد؟

در آفریقای جنوبی، رئیس جمهور نلسون ماندلا بلافاصله بعد از به قدرت رسیدن و به روی کار آمدن در سال ۱۹۹۴ چنان عفوی را انجام داد و البته به‌عنوان یک تبعیض ناعادلانه در حق مردان مورد انتقاد قرار گرفت. این انتقاد از طرف دادگاه عالی بود. دادگاه وابسته به قانون اساسی اظهار داشت که رئیس جمهور در استفاده از قدرت خود حتی برای بخشش نیز مجاز نیست که چنین تبعیض ناعادلانه‌ای را انجام دهد. البته آزاد کردن زنان چندان هم نادرست به نظر نمی‌رسد؛ چرا که آن‌ها در واقع بار اصلی و سنگین مراقبت از فرزندان را بر عهده دارند.*

در حالی که عفو عمومی به‌عنوان روشی برای حل مشکل ازدحام و شلوغی

جمعیت زندان است، با طراحی دقیق می‌توان از اثرات منفی اجرای عدالت اجتناب کرد. مثلاً عفو مستلزم آزادی بی‌قید و شرط نیست؛ به طوری که افرادی که مورد عفو قرار می‌گیرند، احتمالاً مانند افرادی که در آزادی مشروط هستند، می‌توانند تا حدودی تحت کنترل باشند. بدین ترتیب، عفو و بخشش عمومی، تعداد زیادی از زندانی‌ها را تحت کنترل درمی‌آورد.

* رئیس جمهوری آفریقای جنوبی (۱۹۹۷)

مسئله: شرایط آزادی احتمالاً بار مضاعفی بر زندانی محکوم وارد می‌کند که در زمان صدور حکم او قابل پیش‌بینی نبوده و بنابراین وی را در معرض خطر مجازات دوباره قرار می‌دهد.

مقامات قضایی باید شرایط را به دقت انتخاب کنند. تمامی جایگزین‌های حبس مرحله صدور حکم، برای شرایط آزادی مناسب نیستند. مثلاً دادگاه زندانی را به شرط پرداخت جریمه آزاد نخواهد کرد، در صورتی که در حکم اصلی جریمه‌ای تعیین نشده باشد. شرایطی که تحمیل می‌شود باید در راستای کمک به بازگشت و ادغام مجدد زندانی‌ها در جامعه یا کنترل زندانی‌ها در عمل به شرایط تعیین شده باشد.

مجرم ممکن است شرایط آزادی را به عنوان مجازات مضاعف بداند، حتی اگر این شرایط به منظور اهدافی تحمیل شود که در بالا ذکر شد. برای برطرف کردن این مسائل، مقامات قضایی باید در خصوص آزادی پیش از موعد و شرایطی که تعیین می‌کنند به زندانی حق انتخاب و پذیرش بدهند. مقامات قضایی هم‌چنین باید شرایط را به طور منظم و مرتب بررسی کنند تا لزوم تداوم محدودیت‌های تحمیل شده بر آزادی مجرم را مشخص کنند.

۳-۵. آزادی پیش از موعد به دلایل ترحم آمیز

نظام آزادی پیش از موعد برای تعامل با مجرمان آسیب‌پذیر در برابر حبس و

آسیب‌هایی که بعد از صدور حکم اولیه ظاهر می‌شوند، سیستم جایگزین حبس را فراهم می‌کند.

بیماران علاج‌ناپذیر مشمول آزادی زودهنگام هستند

در آفریقای جنوبی پزشکان برای کمک به هیئت آزادی مشروط، گزارش‌های پزشکی ماهانه در مورد تمام مجرمان دارای شرایط آزادی زودهنگام ارائه می‌دهند.

آزمایش‌های کامل پزشکی برای کمک به تصمیم‌گیری هیئت آزادی مشروط باید انجام گیرد؛

دو پزشک مستقل باید زندانی‌هایی را که قرار است به‌زودی آزاد شوند، معاینه کنند؛

گزارش‌های کار اجتماعی حاکی از وجود مراقبت‌های بعدی باید ارائه شود؛ در تمامی مواردی که به دیگر مراقبت‌های لازم مراجعه می‌شود، مجرم بایستی از این امر مطلع بوده و راضی باشد؛

معرفی خویشاوندان و دیگر مراکز حمایت از زندانیان مبتلا به ایدز نیز لازم است تا کار بعد از آزادی را تسهیل کند؛ این امر با حمایت خانواده امکان‌پذیر است؛ هر زندانی باید بعد از آزادی، جهت مراقبت‌های پزشکی، اجتماعی و خانوادگی به مراکز معرفی شوند.

افرادی که به بیماری‌های لاعلاج مبتلا هستند، گروهی از زندانیانی هستند که آزادی زودهنگام برای آن‌ها مناسب به نظر می‌رسد. برخی نظام‌های عدالت کیفری در مورد بیماران لاعلاج از فرآیندهای خاص برای بررسی آزادی سریع به قید التزام به قول شرف استفاده می‌کنند. وقتی ثابت شود که امید بهبودی برای زندانی‌ها وجود ندارد، دادگاه جزا بی‌درنگ آن‌ها را آزاد کرده و اسباب درمان و بهبود آن‌ها را در جامعه فراهم خواهد کرد. از آن‌جا که احتمال ارتکاب جرم در آن‌ها بسیار بعید است، دادگاه‌ها معمولاً برای آزادی آن‌ها شرایط سختی ندارند.

نظام‌های عدالت کیفری هم‌چنین باید آزادی افراد بسیار مسن را، حتی اگر به بیماری لاعلاج هم دچار نباشند، به خاطر دلایل ترحم‌آمیز بررسی کنند. زندان‌ها مکان مناسبی برای افراد پیر نیست. یک مشکل عملی آن است که افراد مسن احتمالاً به هنگام بازگشت به جامعه حامی نداشته باشند. بنابراین دادگاه‌های جزا باید توجه خاصی به فراهم کردن تسهیلات و مسکن آن‌ها داشته باشند.

۴-۵. آزادی مشروط و زیرساخت اجرایی آن

قوانین توکیو شرایط لازم برای آزادی زندانیان محکوم را به روشنی بیان نکرده است؛ بنابراین هیچ راهنمایی در خصوص ترتیب سازمانی لازم برای تسهیل جایگزین‌های حبس وجود ندارد. توصیه‌نامه اتحادیه اروپایی در سال ۲۰۰۳ در رابطه با آزادی مشروط کمک زیادی کرده و این نکته را به شرایط استاندارد اضافه می‌کند که مجرم در طی مدت باقی‌مانده مجازات در شرایط تعیین‌شده، مجدداً مرتکب جرم نخواهد شد. این شرایط فردی عبارتند از:

- پرداخت غرامت یا جبران خسارت وارده به قربانی‌ها؛
- آغاز درمان سوءمصرف مواد مخدر و الکل یا وضعیت قابل درمان دیگر با ارتکاب جرم؛
- کار کردن یا دنبال کردن بعضی فعالیت‌های شغلی قابل قبول مثلاً تحصیل یا آموزش حرفه‌ای؛
- مشارکت در برنامه‌های توسعه یا بهبود مهارت‌های شغلی کارکنان؛
- جلوگیری از اقامت یا بازدید از مکان‌های معین.^۱

زیرساخت لازم برای تکمیل این شرایط همان است که در انجام محکومیت‌های غیر سالب آزادی در فصل ۴.۳ بحث شد. یک سرویس خدماتی تعلیق مجازات مجرمان به

۱. پیشنهاد‌های کمیسیون هیئت وزیران اروپا در خصوص آزادی مشروط (آزادی به قید قول شرف) که در ۲۴ دسامبر ۲۰۰۴ به تصویب رسید.

قید التزام به قول شرف می‌تواند به زندانیانی که به‌طور مشروط آزاد شده‌اند، در اطمینان از اجرای آن شرایط به آن‌ها کمک کند. دادگاه‌ها هم‌چنین می‌توانند از تکنولوژی الکترونیکی شامل کنترل و نظارت پیوسته بر جوانب آزادی مشروط استفاده کنند؛ مثلاً شرایط و مقتضیات اقامت فرد در یک آدرس ثابت و یا نرفتن به یک مکان مشخص. مزایا و معایب استفاده از متصدیان اجرای آزادی به قید التزام و کنترل الکترونیکی در حمایت از آزادی مشروط همانند مواردی است که در استفاده از مجازات‌های غیرتوقیفی ذکر شد.

افراد جامعه نیز باید همکاری کنند تا شرایط آزادی پیش از موعد فراهم شود. مسئله مهم یافتن شغل برای مجرمانی است که برای آزادی مشروط انتخاب شده‌اند. در واقع کارفرمایان خصوصی کاری را به مجرمان پیشنهاد بدهند که بعد از اتمام محکومیت آن‌ها نیز تداوم داشته باشد. آموزش تحصیلی و حرفه‌ای که برای مجرمان مستحق آزادی مشروط پیشنهاد می‌شود، باید در جامعه موجود باشد. دولت حتی اگر هم مستقیماً کاری برای مجرمان آزادی مشروط انجام نداده و یا برنامه‌ها و آموزش‌های لازم را برای آن‌ها ارائه نکند، نقش مشارکتی مهمی در ایجاد آگاهی و شناخت از موارد موجود در مراجع مربوط به آزادی مشروط دارد.

برای پشتیبانی و حمایت از تصمیم‌گیری درباره آزادی پیش از موعد باید زیرساخت مربوط وجود داشته باشد. در اکثر کشورها، این تصمیم‌گیری‌ها بر عهده هیئت آزادی به قید التزام وابسته به مراجع صدور حکم مجازات است. چنین هیئتی باید بتواند به‌طور مستقل این تصمیمات را اتخاذ کند. در بسیاری از کشورهای دیگر این انتخاب‌ها توسط مراجع قضایی صورت می‌گیرد.

مقامات قضایی رفته‌رفته دریافته‌اند که تصمیم‌گیری بر عهده هرکس باشد، در هر صورت باید به نفع مجرم باشد. این بدین معناست که زیرساخت باید اطلاعات لازم درباره زندانی، نظرات و دیدگاه وی نسبت به آزادی پیش از موعد و مناسب‌ترین شرایط برای آزادی زودهنگام را در اختیار مراجع تصمیم‌گیرنده قرار دهد. مجرم باید فرصت اطلاع از فرآیند اتخاذ تصمیم را داشته باشد.

همان زیرساخت باید قابلیت تغییر شرایط آزادی را نیز داشته باشد. وجود یک فرآیند ثابت، خوب و بی طرفانه برای قضاوت درباره تخطی‌های بی‌دلیل از شرایط آزادی لازم است؛ مخصوصاً وقتی که آن تخطی‌ها ممکن است به نقض آزادی پیش از موعد و حبس مجدد بینجامد. مقامات نباید به خاطر تخطی ناچیز از شرایط، حکم آزادی زودهنگام را لغو کنند؛ بلکه در عوض تا حد امکان شرایط را تغییر دهند. هرگاه لغو آزادی را اجتناب‌ناپذیر یافتند، بایستی دوره زمانی گذرانده بر آزادی مشروط را به هنگام تصمیم‌گیری درباره طول مدت برگشت به زندان مدنظر قرار دهند.

در نهایت، چنان که در بالا ذکر شد، یک ساختار استینافی لازم است تا تصمیمات مربوط به آزادی پیش از موعد را بررسی کند. دادگاه‌های تخصصی یا دادگاه عمومی این بازبینی‌ها را هدایت می‌کند. این بررسی‌ها به هر طریقی که انجام گیرد، ساختار باید در مورد هر تصمیمی که منجر به آزادی پیش از موعد مؤثر بر حقوق و وظایف مجرم باشد بی‌درنگ مورد بررسی مجدد قرار گیرد. این بدان معناست که تغییرات جزئی وارد بر شرایط آزادی، قابل بررسی نیست. با این حال بررسی‌های مؤثر و فوری و اتخاذ تصمیم در این موارد لازم است: آزادی، شرایط آزادی، تغییر قابل توجه در شرایط آزادی و تصمیم‌گیری در مورد آزادی.

۵-۵. چه کسی باید اقدام کند؟

دخالت افراد و گروه‌های زیر ضروری است:

قانون‌گذاران باید یک چهارچوب عملی ایجاد کنند که زمینه آزادی پیش از موعد و فرآیندهای تصمیم‌گیری و مراحل بررسی کاربرد آن را داشته باشد.

متصدیان زندان عوامل اصلی در فرآیند آزادی هستند، مگر این‌که زمینه آزادی خودبه‌خود فراهم شود. آن‌ها زندانیان مورد نظر برای آزادی پیش از موعد را به هیئت‌هایی رجوع می‌دهند تا در خصوص صلاحیت آزادی آن‌ها تصمیم بگیرند و در صورت استحقاق، آن‌ها را برای آزادی پیش از موعد آماده می‌کنند.

مدیران باید یک زیرساخت سازمانی فراهم کنند که تحمیل شرایط مناسب آزادی را امکان‌پذیر کند.

متصدیان آزادی مشروط یا افرادی که نقش مشابهی دارند، به مجرمان کمک کرده و در آن‌ها این اطمینان را ایجاد می‌کنند که شرایط لازم برای آزادی خود را به دست آورند. برای انجام بهتر این امر، آن‌ها باید با مقامات زندان همکاری کنند تا فرآیند آزادی را متناسب کرده و مراقبت کنند که زندانی‌ها آمادگی زندگی در جامعه را داشته باشند. پلیس نیز باید برای ایفای نقش پشتیبان در برخورد با مجرمانی که به‌طور مشروط آزاد شده‌اند، راهنمایی شود.

سازمان‌های غیردولتی و اعضای جامعه نیز می‌توانند با پیشنهاد کار به زندانی‌هایی که به‌طور مشروط آزاد شده‌اند، در بازگشت و ادغام آن‌ها به جامعه کمک کنند. **دولت مردان** نیز به هنگام استفاده از قدرت اعطای بخشش، تصمیمات استراتژیکی اساسی می‌گیرند. این تصمیمات خصوصاً زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که عفو عمومی تنها راه ممکن برای کاهش و اجتناب از ازدحام زندانی باشد؛ ازدحامی که سبب نقض حقوق اصلی بشر در زندان است.

۶. گروه‌های خاص

۶-۱. کلیات

در ابتدا زندان‌ها برای افراد بزرگسالی در نظر گرفته شده بود که به خاطر اتهامات جنایی، منتظر صدور حکم بوده یا دوره حبس خود را طی می‌کردند. ولی ممکن است بیماران ذهنی، معتادان به مواد مخدر یا کودکان را نیز در خود جای دهد. احتمالاً این افراد پس از طی یک سری اقدامات اداری و قانونی به زندان می‌افتند و به سبب حبس، حقوق انسانی آن‌ها نقض می‌شود. موقعیت قانونی زندانی‌ها هرچه که باشد، زندان‌ها در برآوردن نیازهای اولیه آن‌ها کار مؤثری انجام نمی‌دهند. در این کتاب برای این گروه‌های خاص نیز جایگزین‌های حبس ارائه شده است.

۲-۶. کودکان

کنوانسیون سازمان ملل در خصوص حقوق کودکان، به ضرورت ایجاد جایگزین‌های حبس کودکان پرداخته و تأکید می‌کند: «دستگیری، بازداشت یا حبس یک کودک باید مطابق با قانون بوده و تنها به‌عنوان آخرین راه چاره و در کوتاه‌ترین زمان ممکن باشد»^۱ این کنوانسیون و ابزارهای دیگر، مانند حداقل قوانین استاندارد سازمان ملل برای اجرای عدالت نوجوانان^۲، تمامی موارد اصلی را قابل اجرا می‌کند. در این کنوانسیون، کودک به‌عنوان یک فرد زیر ۱۸ سال معرفی می‌شود. ابزارهای دیگر سازمان ملل از اصطلاح «نوجوان» استفاده می‌کنند، ولی ما در این کتاب لغت کودک را به‌طور متغیر به کار می‌بریم. بیشتر اصول مورد بحث در این بخش، در مورد جوانان بزرگتر از ۱۸ سال نیز کاربرد دارد. در صورت امکان به آن‌ها نیز خواهیم پرداخت.

دور نگه داشتن کودکان از سیستم عدالت کیفری

کودکانی که بیش از همه در معرض خطر حبس هستند، افرادی هستند که مرتکب جرم شده و مسئولیت کیفری پیدا کرده‌اند و یا به ارتکاب جرم مظنون هستند و یا محکوم به جرایمی هستند که اگر توسط بزرگسالان ارتکاب یابد، جرم محسوب می‌شود. جرم‌زدایی چنین جرایمی، در یک مرحله، تعداد کودکان زندانی را کاهش می‌دهد. جرم‌زدایی کودکان از دو جنبه مورد بررسی قرار می‌گیرد. یکم آن‌که آیا کودکان در قبال جرم مسئولیت‌پذیرند؟ دیدگاه دیگر آن‌ها را با حداقل سن مسئولیت کیفری تطبیق می‌دهد. دادگاه‌های جزا برای ارتکاب جرم و پذیرش مسئولیت آن، حداقل سن را مشخص کرده‌اند. این عدد بسیار متغیر است؛ از هفت‌سالگی در کشورهای نظیر ایرلند و آفریقای جنوبی گرفته تا چهارده‌سالگی در آلمان، ژاپن و ویتنام و هجده سالگی در برزیل و پرو.^۳ هیچ استاندارد بین‌المللی که کمترین سن را برای پذیرفتن مسئولیت

۱. ماده ۳۷

2. The Beijing Rules

۳. اجرای حکم سازمان ملل در مورد عدالت نوجوانان - نیویورک ۱۹۹۴

کیفری تثبیت کند، وجود ندارد. ولی قوانین حداقل استاندارد برای عدالت نوجوانان بیان می‌کند که این سن نباید خیلی کمتر از سن بلوغ جنسی، فکری و عقلانی کودک باشد.^۱ اگر مقامات حداقل سن را از ۷ سال به ۱۳ سال بالا ببرند، خودبه‌خود تعدادی از کودکان را از حوزه دخالت نظام عدالت کیفری خارج می‌کنند؛ بنابراین از لحاظ قانونی نمی‌توان آن‌ها را در زندان نگاه داشت. مقامات قضایی هم‌چنین باید مراقبت کنند کودکانی که در معرض اعمال قانون جزا نیستند، در مؤسسه‌های دیگری که از لحاظ فنی، زندان نیستند و همان مراتب خشونت را دارند، نگهداری نشوند.

در رویکردی علمی‌تر، مسئولیت کیفری قانونی مستلزم آن است که برای کودکان گروه سنی خاص، توانایی کودک برای درک تفاوت بین درست و نادرست در نظر گرفته شود. برای این گروه سنی، اثبات درک فهم کودک برای تمییز بین درست و نادرست در زمان وقوع جرم و توانایی در تطبیق رفتارشان با آن درک، بر عهده دولت است. این راه‌حل خوب است؛ زیرا زمینه بررسی فهم کودک را فراهم می‌آورد. هرچند ممکن است مقامات قضایی نیز مسئولیت جنایی کودک را به‌راحتی استنباط کرده و درگیری کودکان در دادگاه جزا ادامه یابد.

اصلاحات مجموعه قوانین کیفری جوانان بر جایگزین‌های حبس تمرکز دارد

با اصلاح قانون در ۶ جولای ۲۰۰۲، قانون‌گذاران لبنانی در جست‌وجوی راهی بودند تا به جوان‌ها از برتری حمایت، آموزش و بازپروری نسبت به حبس اطمینان بخشند. مسئولان، اطلاعات دادگاه را بررسی کرده و دریافتند که پدیده افزایش میزان بزه‌کاری جوانان در نتیجه جنگ بین سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰ در جرایم سطح پایین و پیش‌پافتاده است. سه چهارم موارد، جزو جرایم پیش‌پافتاده و کم‌اهمیت بودند. این اصلاحیه جدا از دیگر تغییرات که توسط اداره جرم و مواد سازمان ملل حمایت می‌شد، دامنه‌گزینه‌های موجود برای دادگاه را افزایش داد؛

مثل رسیدگی به مشکلات جوانان و دقت عمل در مورد آن‌ها با تمرکز بر بازپروری در محیط خانوادگی‌شان.

تجربه لبنان از اصلاح قوانین، گام کوچکی در تغییر تدریجی اجرای عدالت در مورد مجرمان جوان است و در بهبود شرایط جوانان و بزرگسالان در این کشور مؤثر بوده است.

وقتی تعاریف جرایم نوجوانان به حبس می‌انجامد

در جمهوری دموکراتیک کونگو، قانون ۱۹۵۰ بزه‌کاری نوجوانان، فهرست موقعیت‌هایی که افراد جوان در معرض رفتارهای غیر قانونی قرار می‌گیرند را ارائه کرد:

کودک‌انی که گدایی و یا ولگردی می‌کنند؛

کودک‌انی که به خاطر فقدان تربیت و انضباط صحیح، باعث نارضایتی والدین، مربیان و دیگر افرای که در تربیت آن‌ها نقش دارند، می‌شوند؛

کودک‌انی که کارهای غیراخلاقی انجام داده و از راه‌هایی مثل قماربازی و قاچاق کالا کسب درآمد می‌کنند و نیز کارهایی که آن‌ها را در معرض فساد اخلاقی، گدایی، ولگردی و جرم و جنایت قرار می‌دهد؛

کودک‌انی که مرتکب جرایمی شوند که در نظام عدالت کیفری بزرگسالان، تحت تعقیب قرار بگیرند.

از جمله نتایج قانون مربوط به دهه‌های گذشته، در سال ۲۰۰۳ تنها یک نفر از آن همه جوانی که توسط دادگاه محاکمه شده و به کانون اصلاح و تربیت اعزام شده بودند، مرتکب جرمی شده بود که به آن فعل مجرمانه بزرگسالان قلمداد می‌شد و برای بقیه افراد که تخلف آن‌ها مواردی نظیر نافرمانی از والدین، گمراهی یا فرار از مدرسه بود، تمهیدات دیگری در نظر گرفته می‌شد.

مقامات قضایی بعضی از رفتارهای کودکان را جرم‌زدایی می‌کنند که اگر بزرگسالان آن را انجام دهند، جرم تلقی می‌شود. از طرف دیگر، در بیشتر جوامع، بعضی از

رفتارهای کودکان جرم محسوب می‌شود که اگر توسط بزرگسالان انجام گیرد جرم نیست. گریز از مدرسه، فرار و تقریباً رفتارهای غیراجتماعی به اصطلاح خلاف‌های غیرقانونی هستند که در آن‌ها کودکان تحت پی‌گرد قانونی قرار می‌گیرند. هم‌چنین خطر آن است که کودکان بازداشت شوند ولی هرگز دادرسی و پی‌گیری قانونی نشوند. در مورد خلاف‌های قانونی، بازداشت به‌عنوان جایگزین یک نظام رفاه اجتماعی است. گاهی جرم‌زدایی صحیح نیست. کودکانی که مرتکب خلاف‌های قانونی می‌شوند، ممکن است حکم و الزام دادگاه بر اجتناب آن‌ها از تکرار جرم باشد. بدین صورت که اگر مجدداً مرتکب آن جرم شوند، به خاطر نقض و تخطی از حکم دادگاه، تحت پی‌گرد قانونی قرار گرفته و سپس در شبکه دادگاه کیفری افتاده و عاقبت روانه زندان شوند. مقامات قضایی باید با این جرم‌زدایی نادرست مقابله کرده و کودکان را از زندان دور نگاه دارند.

دور نگاه داشتن مجرمان از نظام عدالت کیفری یک استراتژی است که خصوصاً در مورد کودکان کاربرد بیشتری دارد. قوانین عدالت نوجوانان به‌طور مشخص بیان می‌کند که «بررسی‌های لازم برای مقابله با مجرمان جوان تا حد امکان باید بدون ارجاع آن‌ها به محاکمه رسمی انجام گیرد».^۱ پلیس و دادستان یا دیگر مقامات در جهت انجام این امر پیش می‌روند.^۲ قوانین عدالت نوجوانان هم‌چنین می‌گویند افراد دخیل در رابطه با کودکان متخلف، در تصمیم‌گیری برای مقابله با این کودکان صاحب‌نظر هستند.^۳ محاکم می‌توانند در صورت تمایل کودکان، آن‌ها را از مسیر فرآیند دادگاه جزا خارج کنند. آن‌ها باید این نقطه‌نظرات را به روش مناسب و منطقی اعمال کنند.^۴ به‌علاوه، این قوانین اهمیت جلب رضایت کودکان و والدین یا اولیای آن‌ها را در دور کردن آن‌ها از حوزه دادگاه جزا و حمایت آن‌ها در مقابل قانون و تصدیق عدم ارتکاب جرم مورد

۱. ماده ۱۱.۱

۲. ماده ۱۲.۲

۳. ماده ۶.۱

۴. ماده ۶.۲

تأکید قرار می‌دهد.^۱ در نهایت، بایستی برنامه‌های اجتماعی مناسب برای اصلاح کودکان و خدمات مورد نیاز آن‌ها پیش‌بینی شود.^۲

جایگزین‌هایی برای کودکان در سیستم عدالت کیفری

قوانین حداقل استاندارد برای اجرای عدالت در مورد نوجوانان در خصوص رویکرد مربوط به بازداشت پیش از محاکمه کاملاً صریح و روشن است: «بازداشت حین محاکمه فقط باید به‌عنوان آخرین راه‌کار و در کوتاه‌ترین زمان ممکن باشد.»^۳ این قانون در مورد بزرگسالان نیز یکسان بوده و به این تفکر مربوط است که فرضیه بی‌گناهی و اقدامات حمایتی دیگر، بر این‌که بازداشت کودکان اساساً بر آن‌ها صدمه می‌زند، تأکید مضاعف دارد.

همانند بزرگسالان، مقامات قضایی باید در پی جایگزین‌هایی برای بازداشت پیش از محاکمه باشند. ولی آن‌ها جایگزین‌های دیگری نیز برای کودکان در دست دارند. قوانین حداقل استاندارد برای اجرای عدالت در مورد نوجوانان پیش‌بینی می‌کند که تا حد امکان، بازداشت حین محاکمه باید با اقدامات دیگر مثل نظارت یا کنترل پنهانی یا مراقبت ویژه به همراه خانواده در یک مکان آموزشی جایگزین شود.^۴ جایگزین‌های مضاعف یک ویژگی مشترک دارند: اولیای بزرگسال، مثلاً والدین یا والدین شیری کودک، مسئولیت او را به عهده دارند. مقامات قضایی باید پیش‌بینی کنند که وقتی آن‌ها کودک را تحت حمایت قرار می‌دهند، این به معنای زندانی شدن نیست.^۵ مثلاً یک مؤسسه آموزشی، یک جایگزین بی‌ضرر برای حبس است، ولی اگر این مؤسسه، در اصل، آزادی را محدود کند، در بسیاری از کمبودهای زندان با آن شریک خواهد بود. از طرف دیگر، زندان

۱. ماده ۱۱.۳

۲. ماده ۱۱.۴

۳. ماده ۱۳.۱

۴. ماده ۱۳.۲

۵. ماده ۱۷ از مصوبات مجلس اروپایی در رابطه با بررسی روش‌های جدید مقابله با بزه‌کاری نوجوانان و نقش عدالت جوانان که این جایگزین حبس را ارائه کرده است.

بزرگسالان، حتی اگر هم کودکان در بخش جداگانه نگه‌داری شوند، هرگز برای کودکانی که در انتظار صدور حکم خود هستند، مکان مطلوبی نیست. هرگاه بازداشت یک کودک الزامی باشد، محیط‌های امن دیگر، چندان وحشت‌ناک نخواهد بود.

اصل امساک یا مضایقه در مورد کودکان بسیار مهم است. مقامات قضایی باید تا حد امکان به جایگزین‌ها دسترسی داشته باشند. قوانین حداقل استاندارد برای اجرای عدالت در مورد نوجوانان جرایمی را که می‌توان کودکان را به خاطر ارتکاب آن جرایم بازداشت کرد، محدود کرده است:

حکم محرومیت از آزادی شخصی نباید صادر شود مگر این‌که نوجوان به یک عمل جدی خشونت‌آمیز علیه یک فرد دیگر دست زده یا به ارتکاب مکرر جرایم خطرناک دیگر محکوم شده و یا این‌که هیچ راه‌کار مناسب دیگری وجود نداشته باشد.^۱ هرگاه مقامات قضایی کودکان را زندانی کنند، این بازداشت باید برای کوتاه‌ترین زمان ممکن انجام شود (حتی در مورد جرایم خطرناک و جدی) و کودکان نباید با زندانیان بزرگسال در یک مکان اسکان داده شوند.^۲ کنوانسیون مربوط به حقوق کودک، حبس کودکان را بدون آزادی منع کرده است.^۳ دادگاه‌ها نباید کودکان را به حبس محکوم کنند و اگر چنین شد، بایستی نزدیک‌ترین تاریخ را برای بررسی آزادی کودک تعیین کنند. دادگاه‌ها باید حکم را مرتباً بازبینی کنند تا این‌که وجدان اخلاقی کودک رشد کند.

قوانین حداقل استاندارد برای اجرای عدالت در مورد نوجوانان به‌روشنی بیان کرده است که باید از حبس کردن کودکان در زندان‌ها اجتناب شود.^۴ جدا از موضوعات و مسائل حقوق بشر، حبس اغلب به‌عنوان یک اقدام در راستای بازآموزی کودکان، نتیجه

۱. ماده ۱۷.۱

۲. ماده ۲۶.۳

۳. ماده ۳۷ (الف)

۴. ماده ۱۹.۱

معکوس داشته است. قوانین حداقل استاندارد برای اجرای عدالت در مورد نوجوانان مقررات مختلف کاربردی در مورد کودکان را فهرست‌وار بیان کرده است^۱ که مشابه مجازات‌های غیر سالب آزادی بزرگسالان است که در فصل ۴.۳ بررسی شد. علاوه بر آن، مراقبت، راهنمایی، دستورات نظارتی^۲ و نیز مجازات‌های مربوط به مراقبت ویژه، تسهیلات آموزشی یا اجتماعی را با تأکید بر جایگزین‌های رفاهی حکم‌های حبس در مورد کودکان بیان می‌کند.^۳

مقامات قضایی، آزادی پیش از موعد کودکان و عموماً مجرمان نوجوان را بر این اساس که آن‌ها سزاوار یک زندگی بدون جرم در جامعه هستند، راحت‌تر می‌پذیرند. مثلاً می‌توانند در مورد کودکان بدون اعتراض شدید عموم، از عفو عمومی استفاده کنند. قوانین حداقل استاندارد برای اجرای عدالت در مورد نوجوانان می‌گوید آزادی مشروط باید تا حد امکان از طرف یک مرجع مناسب مورد استفاده قرار گرفته و در سریع‌ترین زمان ممکن اعطا شود.^۴ کودکانی که آزاد می‌شوند، باید به‌طور مناسبی برای زندگی خارج از زندان آماده شوند. مراجع دولتی و مردم جامعه هر دو باید آن‌ها را حمایت کنند.^۵

چه کسی باید اقدام کند؟

دخالت افراد و گروه‌های زیر ضروری است:

عوامل اصلی یادشده در رابطه با بزرگسالان برای کاهش حبس کودکان نیز می‌توانند از تمام جایگزین‌های مجموعه بزرگسالان استفاده کنند. حبس کودکان یک

۱. ماده ۱۸.۱

۲. ماده ۱۸.۱ (الف)

۳. ماده ۱۸.۱ (س)

۴. ماده ۲۸.۱

۵. ماده ۲۸.۲

موضوع عاطفی بوده و مباحثات مربوط به کاربرد جایگزین‌ها اغلب در مورد کودکان مخاطب بیشتری دارند.

سازمان‌های اجتماعی مدنی می‌توانند از نوآوری‌های ملی انجام‌شده توسط سازمان‌های خیریه کودکان و گروه‌های پشتیبان حمایت کند و افکار عمومی را در راستای رهایی کودکان از زندان گسترش دهند.

۳-۶. مجرمان مواد مخدر

مجرمانی که در رابطه با مواد مخدر حبس شده‌اند، در اکثر کشورها نسبت بزرگی از جمعیت زندان‌ها را تشکیل می‌دهند. این مسئله تا حدی از تلاش‌های مردمی بین‌المللی در جهت مقابله با خرید و فروش داروهای قاچاقی و غیرقانونی ریشه می‌گیرد. اگر جرم همه آن‌ها چنان نباشد، اکثر آن‌ها عامل اصلی در تجارت مواد مخدر نبوده و اغلب خودشان به این مواد مخدر معتاد هستند. جایگزین‌های حبس در مورد مجرمان مواد در سطح پایین می‌تواند مؤثرتر عمل کند. ابزارهای بین‌المللی اصلی مشتمل بر کنوانسیون سازمان ملل در سال ۱۹۸۸ علیه قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان^۱ و اصول راهنمای مجمع عمومی سازمان ملل متحد^۲ در خصوص کاهش تقاضا برای مواد مخدر، این امر را به وضوح دریافته است. تمرکز و توجه آن‌ها به مقابله با خرید و فروش مواد بوده ولی از دولت‌ها می‌خواهند تا اقدامات چندگانه انجام دهند. جایگزین‌های حبس قسمت اصلی این اقدامات خواهد بود.

دور نگه داشتن مصرف‌کنندگان مواد مخدر از رجوع به سیستم عدالت کیفری

جایگزین‌های حبس در خصوص مصرف‌کنندگان مواد با تأکیدات متفاوتی، همان استراتژی‌های تقلیل‌گرایانه کلی در مورد جرایم دیگر را دنبال می‌کند.

۱. سند شماره E/CONF.۸۲.۱۵ سازمان ملل

۲. سند شماره A/RES/S-۲۰/۳ در تاریخ ۸ سپتامبر ۱۹۸۸.

جرم‌زدایی یک استراتژی بحث‌انگیز در حوزه مواد مخدر است. به عنوان نمونه، بعضی دولت‌ها مصرف الکل را در گذشته منع کرده بودند و سپس با تغییر رویکردهای اجتماعی، نظارت‌های مختلفی را برای ممنوعیت کلی جایگزین کرده‌اند. گاهی دولت‌ها با پایین آوردن خطرات یک دارو در مقایسه با بقیه داروها یا با جرم‌زدایی از داشتن این مواد، آن را تا حدی جرم‌زدایی می‌کنند؛ هرچند هنوز خرید و فروش آن جرم است. قضازدایی، به عنوان جایگزین حبس، نقشی اصلی در این امر دارد. مقامات قضایی دریافته‌اند بیشتر مجرمانی که قوانین مربوط به سوءمصرف مواد دارویی را نقض می‌کنند و در واقع اکثر مجرمان اعمال جنایی دیگر، چون خود معتاد نیستند به این جرایم دست نمی‌زنند. مقامات قضایی دریافته‌اند درمان مجرمان معتاد خیلی مؤثرتر از تعقیب و در نتیجه مجازات آن‌ها از طریق سیستم عدالت کیفری است.

پلیس مسیر معتادان را عوض می‌کند

پلیس استرالیا در برخورد با افرادی که در خصوص مواد مخدر و اعتیاد سوءپیشینه نداشته و یا سابقه جزئی دارند، از آن‌ها می‌خواهد تا در یک برنامه قضازدایی شرکت کنند. چنین برنامه‌ای بر اساس آموزش در خصوص اعتیاد و، در صورت لزوم، درمان آن است. مجرمانی که شرکت در این برنامه را می‌پذیرند باید به طور کامل در برنامه‌های آموزشی و درمانی شرکت کنند و در صورتی که نتوانند برنامه را تا آخر به طور کامل دنبال کنند، مسیر بازگشت به نظام عدالت کیفری و زندان را می‌پذیرند.*

*دولت استرالیا، پیش‌قدم در طرح قضازدایی مجرمان مواد مخدر غیرقانونی: قضازدایی مجرمان مواد مخدر به چه نحوی انجام می‌گیرد. گزارش کامل در آدرس الکترونیکی:
<http://www.gov.health.au/internet/wcms/publishing.nsf>

تغییر رفتار در مورد مصرف‌کنندگان مواد مخدر می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد؛ از جمله ممکن است تابع همان الگویی باشد که در جرایم دیگر به کار برده

می‌شود. جایی که پلیس و دادستان تشخیص می‌دهند که در مورد مظنونان تحت پی‌گرد از بازداشت استفاده نکنند، در این موارد مجرمان به شرکت در یک برنامه آموزشی یا درمانی نیاز دارند. مثالی که در بالا با عنوان «پلیس مسیر معتادان را عوض می‌کند» یاد شد، نمونه‌ای از یک برنامه قضازدایی در مورد معتادان است.

در تعدادی از کشورها، دادگاه‌های درمان اعتیاد این فرآیند را به عهده دارند. «دادگاه‌های مواد مخدر» همان‌گونه که از اسم‌شان پیداست، بخشی از دادگاه جزا هستند که به‌عنوان یک استراتژی قضازدایی عمل می‌کنند. از مجرمان خواسته می‌شود که به جرم خود اقرار کنند تا به اتهام آن‌ها در دادگاه‌های مواد رسیدگی شود. هرچند که در تمامی سیستم‌های حقوقی لزوماً چنین نیست. گروهی از مجرمان که هدف دادگاه‌های رسیدگی‌کننده به مواد مخدر هستند، متفاوتند. در ایالات متحده آمریکا، وقتی دادگاه مواد در حدود ۱۵ سال پیش آغاز به کار کرد، مخاطبان آن اکثراً مجرمانی بودند که برای اولین بار مرتکب جرم شده بودند، هرچند فعلاً بیشتر غالب برنامه‌ها معتادان بسیار زیادی را در بر گرفته است.^۱ شبیه این دادگاه‌ها در استرالیا، دادگاه‌های درمان اعتیاد برای معتادانی است که سابقه زیادی در ارتکاب جرائم مربوط به خرید و فروش و نگهداری مواد مخدر دارند. مورد اخیر دادگاه‌های مواد مخدر به‌عنوان آخرین راه چاره قبل از حبس مورد استفاده قرار می‌گیرد.

دادگاه رسیدگی‌کننده به مواد مخدر به جای صدور حکم حبس، نیازمند یک برنامه درمانی جامع برای اعتیاد و مسائل دیگر گروه‌ها بوده و آن را با کنترل و حمایت از مجرم تأمین می‌کند. برای کمک به این فرآیند کنترل، دادگاه گزارش‌هایی از پیشرفت و بهبود مجرم دریافت می‌کند. از دیدگاه مجرم، چنین درمان‌هایی، که لزوماً در یک مؤسسه بسته انجام نمی‌گیرد، یک جایگزین مطلوب برای حبس است. مجرمان خصوصاً کسانی که به جرم اقرار کرده‌اند تا به موضوع آن‌ها در دادگاه مواد رسیدگی

۱. دادگاه مواد چیست؟ آدرس سایت دادگاه مواد: <http://www.nadcp.org> - ۱۹ ژانویه ۲۰۰۷

شود، قبل از آن‌که به درمان اجباری خود رضایت دهند، به مشورت قضایی مناسب در ماهیت این فرآیند نیاز دارند.

نتایج اولیه حاکی از آن است که تأثیر برنامه‌های دادگاه مواد در جلوگیری از ارتکاب مجدد جرایم مرتبط با مواد مخدر بیشتر از حبس است و این‌که هزینه آن‌ها در بیشتر حوزه‌های قضایی کمتر از حبس است.^۱ جدول زیر دوازده ویژگی دادگاه‌های موفق مواد مخدر را بیان می‌کند

اداره جرم و مواد مخدر سازمان ملل به تأسیس دادگاه‌های مواد مخدر کمک می‌کند

اداره جرم و مواد سازمان ملل یک گروه حرفه‌ای جهت کمک به تأسیس دادگاه‌های مواد مخدر تشکیل داده است. این گروه دوازده عامل برای موفقیت دادگاه‌ها تعریف کرده‌اند.

رهبری قضایی مؤثر و مدبرانه برنامه گروهی دادگاه مواد؛

همکاری کامل میان‌رشته‌ای بین قاضی و اعضای گروه در حالی که هر کدام استقلال حرفه‌ای خود را داشته باشند؛

درک و شناخت کافی از اعتیاد و درمان آن توسط اعضای گروه دادگاه که بهیاران حرفه‌ای نیستند؛

راهنمای عملی برای اطمینان از ثبات رویکرد و تأثیر برنامه‌های در حال اجرا؛

تعیین ملاک مشخص برای سنجش شایستگی مجرمان مختلف شرکت‌کننده؛

ارزیابی کامل و مفصل از هر مجرم شرکت‌کننده؛

اخذ رضایت‌نامه از هریک از مجرمان - که با آگاهی کامل تهیه شده باشد -

قبل از شرکت در برنامه؛

ارجاع سریع مجرم شرکت‌کننده به برنامه درمانی و احیا (توان‌بخشی)؛

تشویق سریع و مداوم افراد برای انجام دادن کامل برنامه و جایزه برای

۱. شناساندن دادگاه مواد: «ارزیابی، نتایج حاصل و سیاست‌ها» (۲۰۰۵) شماره ۴۹ مجله بین‌المللی مجرم‌درمانی و جرم‌شناسی مقایسه‌ای، صفحات ۲۳۹-۲۵۹.

افرادی که برنامه‌ها را تا آخر به‌طور کامل ادامه می‌دهند؛
 ارزیابی برنامه‌های در حال اجرا و تمایل برای رفع مشکلات و کمبودها؛
 تخصیص اعتبار و بودجه لازم و کافی؛
 تغییر زیرساخت‌های اساسی و رویه‌های قانونی در صورت لزوم.

جایگزین‌های حبس برای مصرف‌کنندگان مواد مخدر در نظام عدالت کیفری

با وجودی که دادگاه‌های رسیدگی‌کننده به مواد مخدر ابزارهای قدرت‌مندی برای استفاده از جایگزین‌های حبس هستند، روش‌های دیگری نیز برای مراقبت از عدم حبس غیرضروری معتادانی که وارد دادگاه‌های جزا می‌شوند، وجود دارد. این نکته دارای اهمیت است؛ زیرا با وجود تلاش‌های مقامات مسئول، مواد مخدر اغلب به‌راحتی در داخل زندان‌ها یافت می‌شود. دادگاه‌ها نیز وقتی یک مظنون آسیب‌پذیر را بازداشت و روانه زندان می‌کنند، باید این واقعیت را به‌خاطر بسپارند. دادگاه‌های معمولی نیز به‌هنگام صدور حکم مجرمان معتاد بایستی توجه کنند که درمان اعتیاد در جامعه مؤثرتر از زندان است. در موارد حاشیه‌ای و در تصمیم‌گیری برای وضع یک حکم شرطی حبس یا مجازات و کنترل و نظارت بر معتادان پس از آزادی‌شان، این یک عامل کلیدی است.

چه کسی باید اقدام کند؟

استراتژی‌های جایگزین برای مقابله با مجرمان معتاد، به وجود تسهیلات درمانی برای معتادان در جامعه و خارج از زندان بستگی دارد. این امر مستلزم شبکه‌ای از مشاوران مواد مخدر و مراکز درمان است. کارکنان این مراکز، پزشکان و روان‌شناسان متخصصی هستند که معتادان به آن‌ها ارجاع داده می‌شوند. این کارشناسان لزوماً باید با عوامل اصلی دادگاه جزا، پلیس، دادستان، قضات و متصدیان آزادی مشروط و به‌منظور ارائه درمان مناسب برای مجرمان معتاد همکاری نزدیک داشته باشند. روشن است که دولت باید نقشی اساسی در ارائه خدمات و نیز هماهنگ کردن آن‌ها داشته باشد. بخش داوطلب نیز با مراقبت از این‌که خدمات ارائه‌شده به معتادان در جامعه توسط نظام عدالت کیفری نیز قابل ارزیابی است، کمک می‌کند.

۴-۶. بیماران روانی

به‌طور کلی، بیماران روانی در خارج از زندان بهتر درمان می‌شوند. در واقع، آن‌ها باید در جامعه خود باقی بمانند. این اصل در اصول سازمان ملل برای حمایت از بیماران روانی مشخص شده است.^۱ آن‌ها باید در مراکز بهداشتی درمان شوند که تا حد امکان به خانه‌شان نزدیک بوده و هرگز نباید زندان باشد.^۲

بیماران روانی گاهی مرتکب اعمال جنایی می‌شوند، که بعضی از آن اعمال، خطر و تهدیدی برای جامعه است. اگر هیچ برنامه دیگری در کار نباشد آن‌ها روانه زندانی می‌شوند که برای مراقبت از آن‌ها طراحی نشده است. برای اجتناب از این حالت چه باید کرد؟

دور نگه داشتن بیماران روانی از سیستم عدالت کیفری

با جرم‌زدایی اعمال بیماران روانی، سؤالات بسیار پیچیده‌ای درباره مسئولیت کیفری آن‌ها مطرح می‌شود. به منظور دسترسی به اهداف این کتاب لازم است که تعاریف حقوقی از جنون آن‌قدر وسیع باشد تا افرادی که از لحاظ کیفری مسئول اعمال خود نیستند، از قرار گرفتن تحت قانون کیفری معاف باشند.

این تفاوت‌ها در قوانین جزایی اکثر کشورها مطرح شده است؛ اما مشکل در کاربرد آن‌هاست. اغلب یک فرد متهم که موقعیت روانی او مبهم است، برای مدتی و تا تعیین دو عامل اصلی بازداشت می‌شود: یکم این که آیا این شخص از لحاظ ذهنی و روانی قادر به حضور در جلسه محاکمه و دفاع از خویش هست یا نه؟ و دوم این که آیا از لحاظ کیفری مسئول اعمال خویش است یا خیر؟ چنین افرادی باید در یک مرکز بهداشت روانی نگهداری شوند - و نه در زندان - و از لحاظ بهداشت روانی مورد ارزیابی قرار گیرند.

۱. اصل ۷.۱ از اصول بین‌المللی حمایت از بیماران ذهنی و بهسازی مراقبت‌های روان‌درمانی، ماده ۴۶/۱۱۹ مورخه ۱۷ دسامبر ۱۹۹۱.

۲. اصل ۷.۲

قضازدایی مجرمان دارای اختلال روانی در مقایسه با تعیین مسئولیت کیفری، مسائل گسترده‌تری را مطرح می‌کند. بیشتر اشخاصی که مظنون یا متهم به جرایم کیفری هستند، از بیماری روانی رنج می‌برند. مقامات قضایی درمی‌یابند که شدت بیماری به اندازه کافی نیست تا آن‌ها را از مسئولیت اعمال کیفری‌شان رها کند. ولی بیماری روانی در تصمیم‌گیری برای مقابله با چنین مجرمانی باید مورد بررسی قرار گیرد. پلیس و مقامات تعقیب‌کننده جرم باید تلاش کنند تا در این طبقه متوسط، این افراد را به‌طور کلی از حوزه نظام عدالت کیفری خارج کنند.

زندان‌ها و بهداشت روانی

ارزیابی‌های سازمان بهداشت جهانی حاکی از آن است که بیش از ۴۵۰ میلیون نفر در سرتاسر جهان از اختلالات رفتاری و ذهنی رنج می‌برند. جمعیت زندان میزان قابل توجهی از چنین بیمارانی را شامل می‌شود. بیشتر این اختلالات شاید قبل از ورود به زندان وجود داشته باشد، ولی زندان آن را تشدید کرده است و اختلالات دیگری نیز احتمالاً در طی مدت حبس رخ می‌دهد. زندان‌ها متأثر از عواملی نظیر ازدحام جمعیت، خشونت، انزوای قهری، فقدان زندگی خصوصی و عدم اطمینان از آینده، به سلامت روانی آسیب می‌رساند. مدیریت شایسته و موفق باید بر شناسایی، جلوگیری و درمان اختلالات روانی تمرکز کند. مثلاً نظام عدالت کیفری می‌تواند افرادی را که دچار اختلالات روانی هستند در جهت مراقبت‌های پزشکی و سلامت روانی هدایت کند. زندان‌ها می‌توانند مقدمات درمان مناسب و دسترسی به مراقبت‌های کامل در بخش‌های روان‌پزشکی بیمارستان‌های عمومی را فراهم کنند. در پاسخ به مسائل بهداشت روانی زندان‌ها منافع زیادی وجود دارد. چنین عکس‌العملی نه تنها سلامت و کیفیت زندگی زندانی را بهبود می‌بخشد، به کارکنان نیز در مواجهه با این مسائل کمک می‌کند. هم‌چنین در این روش منافع اجتماعی نیز وجود دارد؛ به‌طوری که از زندان و جامعه بزرگ‌تر گرفته تا نگهبانان، مدیریت، مشاغل مربوط به سلامت و بهداشت و زندانی‌ها - قبل از این‌که آزاد شده و به

جامعه بازگردند - تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

منبع: «زندان‌ها و بهداشت روانی» سازمان بهداشت جهانی و شورای ملی صلیب سرخ:

http://www.euro.who.int/Document/MNH/WHO_ICRC_InfoSht_MNH_Prison.pdf

در این جا دادگاه‌ها نقش بسیار مهمی دارند. اصول سازمان ملل برای حمایت از بیماران روانی در جهت ایجاد یک چهارچوب قانونی حرکت می‌کند تا به وسیله آن، دادگاه‌ها بتوانند در مواردی که زندانی‌های محکوم یا بازداشتی‌ها از لحاظ روانی بیمار هستند، مداخله کنند. چنین قانونی «به دادگاه یا مرجع صلاحیت‌دار دیگر این اختیار را می‌دهد تا بر اساس توصیه پزشکی مستقل و شایسته، عمل کرده و در خصوص نگهداری این افراد در مرکز بهداشت روانی به جای زندان حکم صادر کند».^۱ مثال فوق برخی از مسائل مربوطه را به روشنی بیان کرده است.

جایگزین‌های حبس برای بیماران روانی در سیستم عدالت کیفری

در بررسی جایگزین‌های بازداشت پیش از محاکمه باید موقعیت بیماران روانی در خارج از زندان مدنظر گرفته شود. به همین نحو، در شرایط مناسب بایستی حکم درمان بیماری روانی مجرم نیز مورد بررسی قرار گیرد. هم‌چنین مشخص شود که سلامت روانی مجرمان در طول زمان تغییر می‌کند. سلامت روانی زندانی‌ها در موقع تصمیم‌گیری برای آزادی آن‌ها قبل از اتمام محکومیت‌شان باید مدنظر قرار گیرد.

چه کسی باید اقدام کند؟

دخالت افراد و گروه‌های زیر ضروری است:

کشورها نیازمند وجود دستگاه‌های سلامت روانی هستند که هم در مراکز بهداشت روانی و هم در جامعه خدمات درمانی ارائه کنند.

روان‌پزشکان و روان‌شناسان متخصص در درمان بیماری‌های روانی باید با پلیس، دادستان‌ها، قضات و متصدیان آزادی مشروط همکاری نزدیک داشته و درمان مناسب را برای بیماران روانی مجرم ارائه کنند.

دولت نقش اصلی در ارائه و هماهنگ‌سازی خدمات بهداشت روانی دارد.

بخش داوطلب، نیز مراقبت می‌کند تا سیستم عدالت کیفری به بخش‌های خدماتی برای بیماران روانی در جامعه دسترسی داشته باشند.

۵-۶. زنان

در تمام زندان‌ها زنان در اقلیت هستند و شاید این تصور باشد که نیاز نسبتاً کمی به اعمال جایگزین در مورد آن‌ها وجود داشته باشد؛ ولی این تفکر اشتباه است. در بیشتر کشورها، تعداد زنان زندانی به سرعت در حال افزایش است. هفتمین کنفرانس سازمان ملل در باب جلوگیری از جرم و اصلاح مجرمان این حقیقت را بسیار پیشتر از سال ۱۹۸۵ دریافته است. این کنفرانس هم‌چنین یادآور شد که برنامه‌ها، خدمات و کارکنان زندان در برآوردن نیازهای خاص تعداد روزافزون زندانیان زن ناتوان بوده است. بنابراین مقامات قضایی را دعوت کرد تا جایگزین‌های حبس مجرمان زن را در هر مرحله از فرآیند عدالت کیفری مورد بررسی قرار دهند.^۱

دور نگه داشتن زنان از سیستم عدالت کیفری

مانند گروه‌های دیگر، جرم‌زدایی نقش مهمی در کاهش تعداد زندانیان زن دارد. برخی جرایم غیرخشونت‌آمیز که عمدتاً توسط زنان انجام می‌شود، باید جرم‌زدایی شود. تمرکز بر استراتژی جرم‌زدایی در مورد چنین جرایمی به‌طور قابل توجهی تعداد زنان زندانی را کاهش می‌دهد.

۱. هفتمین کنگره پیشگیری از جرم و درمان مجرمان، جی. آلفریدسون و ک. توماس وسکی (۱۹۹۵)، یک راهنمای موضوعی به حقوق بشر زنان، ص ۳۴۸، انتشارات میرتینوس نیجاف.

ارجاع حکم جلب و طرح‌های قضازدایی در اسکاتلند از عهده مشکلات و مسائل مجرمان زن برمی‌آید

اسکاتلند در ارجاع حکم جلب (بازداشت) و قضازدایی زنان از روال قضایی، موفقیت قابل توجهی کسب کرده است. با ارجاع جلب، متهمان معتاد به محض بازداشت به خدمات درمانی ارجاع می‌شوند. هدف این برنامه افرادی است که جرم آن‌ها استعمال مواد مخدر مربوط بوده و خود نیز داوطلب استفاده از این برنامه باشد. در عمل، مسئولان ارجاع جلب، فرد متهم را در بازداشت‌گاه و گاهی در دادگاه ملاقات کرده و به آن‌ها اطلاعاتی پیرامون اعتیاد ارائه داده و به خدمات مناسب ارجاع می‌کنند. اسکاتلند تغییر مسیر از روال قضایی را در ۱۸ مرجع محلی از آوریل ۱۹۹۷ به مدت دو سال رهبری می‌کرد. در برنامه قضازدایی، افراد متهم به جای عبور از مسیر فرآیند قضایی کیفری به کارگران اجتماعی یا تا حد امکان به نمایندگان دیگر ارجاع داده می‌شوند. اسکاتلند بعد از رهبری قضازدایی، این برنامه را بر گروه‌های خاص شامل زنان متهم متمرکز کرد. از زمان آغاز این برنامه در سال ۲۰۰۳-۲۰۰۴، زنان ۴۸ درصد موارد قضازدایی را به خود اختصاص داده‌اند.

منبع:

<http://www.scotland.gov.uk/Topics/Justice/criminal/16928/7127>

<http://www.scotland.gov.uk/Topics/Justice/criminal/16906/6827>

استراتژی‌های قضازدایی در مورد زنان با هدف ارائه مساعدت‌های اجتماعی به آن‌ها و خانواده‌های‌شان بهترین کاربرد را دارد. بیشتر زنانی که کارشان به دادگاه‌های جزا می‌کشد، مسئول کودکان جوان بوده و در نتیجه بازداشت آن‌ها در زندان، آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر زندگی آن‌ها وارد می‌کند. الگوهای کلی جرم زنان متفاوت از مردان است. زنان اغلب به‌عنوان راهنمای قاچاق مواد مخدر در مرزهای بین‌المللی کار می‌کنند. گرچه از لحاظ فنی متهم به خرید و فروش و قاچاق مواد مخدر هستند، مقامات قضایی باید علت روی آوردن آن‌ها به این کار و ارتکاب جرم را شناسایی کرده و حکم آن‌ها را بر طبق آن استنباط، تنظیم کنند.

جایگزین‌های حبس زنان در سیستم عدالت کیفری

تأثیرات شدید و نامتناسب حبس زنان، ایجاب می‌کند تا تلاش‌های مضاعفی در زمینه دستیابی به جایگزین‌های حبس در تمام مراحل فرآیند اجرای عدالت کیفری صورت گیرد. تکنیک‌هایی که در اختیار مراجع است، مشابه روش‌هایی است که در موارد دیگر توصیه شد. با این وجود، دادگاه‌ها کاربرد بعضی جایگزین‌ها را در مورد زنان آسان‌تر از دیگر گروه‌ها می‌دانند. مثلاً درصد بالایی از زنان به خاطر جرایم غیرخشونت‌آمیز بازداشت شده‌اند؛ بنابراین آزادی مشروط آن‌ها قبل از محاکمه راحت‌تر انجام می‌گیرد.

دادگاه‌ها باید به هنگام بررسی جایگزین‌های حبس در مورد زنان، موقعیت اجتماعی آن‌ها را در نظر بگیرند. شرایط لازم مجازات‌های اجتماعی در برآوردن نیازهای آنان و در نظر گرفتن مسئولیت آن‌ها در قبال بچه‌داری مستلزم تغییر است. به‌طور کلی از آن‌جا که وضعیت اقتصادی زنان در مقایسه با مردان در سطح پایین‌تری قرار دارد، باید توجه خاصی انجام گیرد تا آن‌ها به خاطر عدم پرداخت جریمه روانه زندان نشوند. زنان اغلب گزینه‌های مناسبی برای آزادی پیش از موعد هستند؛ چه به صورت مشروط یا غیرمشروط. دستگاه‌ها و ارگان‌هایی که توسط سران کشور از بخشش و عفوهای عمومی استفاده می‌کنند، باید به این گروه توجه خاصی داشته باشند.

چه کسی باید اقدام کند؟

دخالت افراد و گروه‌های زیر ضروری است:

دادگاه‌های جزایی در کل باید در خصوص دستیابی و اجرای جایگزین‌های حبس زنان اقدام کنند.

سازمان‌های دولتی و غیردولتی مرتبط با موضوعات و مسائل زنان باید تشویق شوند تا مسئله حبس زنان را بررسی کرده و در مباحث مربوط به تعیین جایگزین‌ها در مورد زنان شرکت کنند.

۶-۶. گروه‌هایی غیر از آن‌چه که تا به حال معرفی شده‌اند

علاوه بر گروه‌هایی که تا به حال مورد بررسی قرار گرفت، معرفی گروه‌های خاص

دیگر در زندان این سؤال را مطرح می‌کند که آیا مقامات قضایی باید توجه خاصی به ارائه جایگزین‌های این گروه‌ها داشته باشند؟ در بعضی جوامع، دو مورد از این گروه‌ها اقلیت‌های بومی و افراد خارجی هستند.

افراد بومی

در برخی از کشورها، اقلیت‌های بومی مکرراً در آمار جزایی و در زندان‌ها معرفی می‌شوند. مثلاً کانادا و استرالیا در برخورد با این موضوع، استراتژی‌های رسمی تنظیم کرده‌اند. این استراتژی‌ها شامل قضازدایی و ارائه جایگزین‌هایی است که بیشتر از مجازات‌های سنتی استفاده می‌کنند.

اجتناب از زندانی کردن مجرمان بومی

مجموعه قوانین کیفری کانادا تأکید می‌کند «که تمام مجازات‌های موجود به غیر از مجازات حبس که در شرایط خاص منطقی به نظر می‌رسد باید در مورد تمام مجرمان خصوصاً مجرمان بومی مدنظر قرار گیرد». در نتیجه این امر، اصل حبس مخصوصاً در مورد مجرمان بومی باید به‌عنوان آخرین راه‌چاره در نظر گرفته شود. اشخاص بومی در حالی که سه درصد جمعیت کانادا را تشکیل می‌دهند، به ترتیب ۱۵ و ۱۷ درصد جمعیت مؤسسات تأدیبی استانی و فدرال را تشکیل می‌دهند. در برخی مؤسسات تأدیبی استانی در مناطق غربی کشور، بومی‌ها ۶۰ تا ۷۰ درصد جمعیت سازمان را تشکیل می‌دهند. این اصل مجازات مجدداً توسط دیوان عالی کشور کانادا در پرونده کلاود، در سال ۱۹۹۹ تأکید شد. متعاقباً در ایالت آنتوریو کانادا یک دادگاه بومی تشکیل شد.

دادگاه آنتوریو منحصرأ به دادرسی آزادی به قید ضمانت، بازداشت‌های مجدد، تعقیب و مجازات مجرمان بومی رسیدگی می‌کند. دادگاه دوبار در هفته جلسه تشکیل داده و به اتهامات متهمان بومی در پایین شهر تورنتو رسیدگی می‌کند. قاضی، دادستان، وکیل مدافع، منشی دادگاه و کارکنان دادگاه همگی بومی هستند. در انجام مراحل امور، دادگاه تمام سعی خود را می‌کند تا کاربرد

مجازات‌های جایگزین حبس را گسترش دهد.

منبع: ت.س. گریفیتس (۲۰۰۶). عدالت کیفری کانادا، چاپ سوم. تورنتو: تامسون

یلسون. انجمن وکلای جنایی، دادگاه افراد بومی، برگرفته از سایت:

www.criminallawyers.ca/gladue.htm
<http://www.scotland.gov.uk/Topics/Justice/criminal/16906/6827>

افراد خارجی

افراد خارجی درصد بزرگی از جمعیت زندان را در اکثر کشورها تشکیل می‌دهد. به دلایل مختلف، گاهی به راحتی استنباط می‌شود که جایگزین‌های حبس در مورد این گروه کاربردی نیست. مثلاً این تصور هست که در مورد همه زندانی‌های خارجی خطر فرار آن‌ها وجود دارد؛ بنابراین به هیچ یک از آن‌ها آزادی مشروط اعطا نمی‌شود. از چنین تصورات غیرمنطقی بایستی اجتناب شود؛ با هر مورد باید بر اساس ویژگی‌های خاص خودش رفتار شود.

۷. حرکت به سوی یک استراتژی پیوسته

این کتاب راهنما نشان می‌دهد که چگونه جایگزین‌های حبس طراحی کنیم تا افراد را در کل از ارجاع به سیستم عدالت کیفری دور نگه داشته و در عین حال، چگونه تغییراتی را در هر سطح از سیستم معرفی کنیم تا کمتر از مجازات حبس استفاده شود. مقامات قضایی باید برای دستیابی به بهترین نتایج ممکن، استراتژی‌های مرتبط را یک جا جمع کنند تا پیوسته بر کاربرد جایگزین‌های حبس تمرکز داشته و جمعیت زندان را کاهش دهند. در سال‌های اخیر تعدادی از کشورها از این استراتژی‌ها پیروی کرده و در کاستن جمعیت زندان‌ها به موفقیت نائل شده‌اند. دو نمونه از آن‌ها در ادامه ارائه می‌شود.

حکم خدمات اجتماعی کارساز و مؤثر است

کشور مالاوی در جنوب آفریقا مانند کشورهای همسایه خود از لحاظ مشکل فقر، توسعه‌نیافتگی (عقب‌ماندگی)، کمبود مواد غذایی و بیماری‌های ایدز/ اچ‌آی‌وی و

هم‌چنین نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی رنج می‌برد. این شرایط سبب ترویج بالاترین میزان وقوع جرم در جهان شده است. برای رفع مشکل ازدحام جمعیت زندان، مالاوی در سال ۲۰۰۰ طرح خدمات اجتماعی را به کار گرفت. تا اواخر سپتامبر سال ۲۰۰۴، مالاوی حدود ۵۲۲۵ مجرم را در حکم خدمات اجتماعی قرار داده است. آن‌ها ۸۳۸۰۰۰ ساعت کار کرده و ۸۷ درصد وظایف را بر عهده دارند. میزان بازگشت مجدد به زندان مجرمانی که وظیفه خود را در خدمات اجتماعی به‌طور کامل انجام می‌دهند ۰/۲۵ درصد بوده و می‌توان گفت از هر ۴۰۰ نفر مجرم، فقط یک نفر مجدداً به زندان بازمی‌گردد. هم‌چنین دولت مالاوی ۷۱۷.۲۲۷ دلار از این طریق صرفه‌جویی کرده است.

ایجاد اصلاحات جمعیت زندان را کاهش می‌دهد

فنلاند جمعیت زندانی خود را با اتخاذ یک سیاست اصلاحاتی پیوسته بلندمدت کاهش داد. در سده ۱۹۶۰ مسئولان فنلاندی پی بردند که از هر ۱۰۰۰۰۰ نفر ساکن فنلاند، ۱۵۰ نفر زندانی بودند که در مقایسه با اسکاندیناوی، کشور همسایه خود که فقط ۵۰ تا ۷۰ نفر زندانی از هر ۱۰۰۰۰۰ نفر داشت، رقم بسیار بالایی است. سیاست‌گذاران به این توافق رسیدند که بایستی با ازدحام جمعیت زندان مقابله کنند. اصلاحات قانونی نظام‌مند با هدف آزادسازی زندانی‌ها بعد از اواسط سده ۱۹۶۰ آغاز شد و تا اواسط سده ۱۹۹۰ ادامه یافت.

در سده ۱۹۶۰ فنلاند از طریق اعطای عفو عمومی، جرم‌زدایی شراب‌خواری و محدود کردن اعمال مجازات حبس برای جریمه‌های پرداخت‌نشده، جمعیت زندان خود را کاهش داد. سپس مجازات جرایم مالی و رانندگان مست را با جریمه‌ها بالا برد تا جایگزین معتبری برای حکم‌های حبس کوتاه‌مدت فراهم کند. هم‌چنین استفاده از حبس مشروط را افزایش داده و شرایط آزادی زودهنگام را نیز توسعه داد. مثلاً حداقل زمانی که طی می‌شود تا زندانی شایستگی آزادی مشروط را به دست آورد، از ۱۴ روز تا ۶ ماه کاهش داد. فنلاند اعمال مجازات‌های غیرمشروط را برای مجرمان جوان محدود کرده و در سده ۱۹۹۰

دایره مجازات‌های اجتماعی را با معرفی خدمات اجتماعی گسترش داد. این اصلاحات در بلندمدت، ارقام مربوط به جمعیت زندان را کاهش دادند. تا سده ۱۹۹۰ فنلاند در بین کشورهای اروپای غربی از بیشترین جمعیت زندانی در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر در سده ۱۹۷۰ به پایین ترین تعداد رسید.

تجربه فنلاند نشان می‌دهد که کم کردن تعداد افراد زندان امکان‌پذیر است. فنلاندی‌ها با تکیه بر این تجربه به اهمیت خواست و اراده سیاسی در عمل و توسعه استراتژی سیستماتیک تأکید دارند که امکانات موجود در مراحل مختلف فرآیند قضاوت کیفری را به کار گیرد. آن‌ها هم‌چنین ارزش تصمیم‌گیری توافقی و مشارکت گسترده گروه‌های مختلف ذی‌نفع در پیش‌نویس قانونی را مورد تأکید قرار می‌دهند. با چنین رویکردی زندان مطلوب نخواهد بود که یک پرونده با حجم بالا عقیده عمومی را متشنج کرده و دادرسی در کوتاه‌مدت به نتیجه برسد. یک رسانه منطقی و مقبول و با کیفیت بالا نیز این روال کاری را توصیه می‌کند. فنلاند دریافت که همکاری بین قوه قضاییه، حقوق‌دان‌ها، پلیس و جامعه تأثیرگذار است. هم‌چنین تبادل سازمان‌یافته اطلاعات و دیگر دوره‌های آموزشی و سمینارها در اجرا و پیشبرد اصلاحات قانونی مؤثر است. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که انسان و سیاست کیفری منطقی با درک عمیق ماهیت مسئله جرم است که می‌تواند عملکرد مؤثر دستگاه قضایی کیفری و استراتژی‌های کلی جلوگیری از وقوع جرم را گسترش دهد.

چون فرآیندهای تغییر کاملاً پیچیده هستند ممکن نیست فرمولی را نسخه‌پیچی کنیم که در جهت کاهش جمعیت زندان‌ها در تمام جوامع عملی باشد. هر استراتژی مرتبط برای کاهش جمعیت زندان‌ها مستلزم عوامل زیر خواهد بود:

۱-۷. پایه علمی

مقامات قضایی به اطلاعات کافی درباره مجموعه کلی فعالیت‌های سیستم عدالت کیفری، شامل حبس و جایگزین‌های آن و هم‌چنین به تحلیلی از جمعیت زندان نیاز دارند. آن‌ها باید بتوانند به سؤالاتی نظیر موارد زیر پاسخ دهند:

- خصوصیات اجتماعی افرادی که در زندان نگه‌داری می‌شوند چیست؟
- به چه جرمی زندانی شده‌اند؟
- چه مدت در انتظار صدور حکم در زندان خواهند بود؟
- مدت حبس برای جرایم مختلف چقدر است؟
- هزینه‌های حبس چیست؟

یک تحلیل مشابه از جایگزین‌های حبس باید این اطلاعات را تکمیل کند. اگر جایگزین‌ها هنوز به اجرا گذاشته نشده‌اند، بنابراین مقامات قضایی نمی‌توانند به سؤالات پیرامون کاربرد آن‌ها یا هزینه آن‌ها پاسخ دهند؛ بدین ترتیب باید از طرح‌ها و هزینه‌های فرضی برای استفاده از جایگزین‌های مناسب و دقیق استفاده کنند.

۲-۷. نوآوری‌های سیاسی

سیاست‌مداران باید از این اطلاعات برای معرفی و ارائه خط‌مشی روشن در باب جایگزین‌های حبس که جمعیت زندان را کاهش می‌دهد، استفاده کنند. در واقع، سیاست‌مداران ارشد و سیاست‌گذاران بالادست در یک تعهد ایدئولوژیکی به منظور کاهش جمعیت زندان و جایگزین‌های حبس مشترکند. مقامات قضایی در دستیابی به پشتوانه عمومی برای این خط‌مشی، باید کمبودها و هزینه‌های حبس و مزایای اخلاقی، عملی و مالی جایگزین‌های آن را به اطلاع عموم برسانند.

۳-۷. اصلاح قانونی

مقامات قضایی برای ارائه یک استراتژی در خصوص جایگزین‌ها، باید قانون را مورد بازبینی قرار داده و مطمئن شوند که قانون به غیر از مواقع ضروری، رفتاری را جرم تلقی نکرده و جمعیت زندان را بی‌مورد افزایش نمی‌دهد. مقامات قضایی باید توجه کنند که یک چهارچوب قانونی برای جایگزین‌ها در هر سطح وجود داشته و شرایط لازم برای اجرای آن وجود دارد. قانون باید وجود جایگزین حبس را الزامی دانسته و حبس را به‌عنوان آخرین راه‌کار در نظر بگیرد. قانون‌گذاری جدید به‌تنهایی کامل نبوده

و باید توسط سمینارها و برنامه‌های تربیتی که برای تسهیل اجرای آن طراحی شده‌اند، تکمیل شود. آن‌ها بایستی در ابتدا قضات را هدف گرفته و سپس تمام کسانی را که در اجرای جایگزین‌های قانونی جدید مشارکت دارند، تحت پوشش قرار دهند.

۷-۴. زیرساخت‌ها و منابع

ایجاد بعضی از جایگزین‌های حبس، نه همه آن‌ها، مستلزم منابع جدید است. مقامات قضایی به هنگام معرفی قوانین جدید بایستی هزینه طرح‌ها و نیاز به منابع جدید را به‌دقت بررسی کنند؛ به‌ویژه برای اجرای مجازات‌های اجتماعی و جایگزین‌های درمانی، لازم است که مقامات قضایی از وجود زیرساخت‌ها مطمئن بوده و منابع لازم را نه تنها برای شروع آن، بلکه برای اجرای مداوم آن تخصیص دهند.

در اجرای مجازات‌های اجتماعی، دولت می‌تواند با سازمان‌های اجتماعی مشارکت کند. چنین اشتراکی نه تنها مطلوب بوده، بلکه وقتی امور مالی معرفی جایگزین‌ها را تحت فشار قرار می‌دهد، کمک مؤثری است. دولت هم‌چنین با تهیه منابع برای پیش‌گامان خارج از سیستم عدالت کیفری، به‌طور غیر مستقیم در جهت کاهش جمعیت زندان پیش می‌رود. این پیش‌گامان در جست‌وجوی علل وقوع جرم در جامعه هستند. آن‌ها هم‌چنین با ارائه برنامه‌های اصلاحی غیرکیفری در نظام‌های بهداشتی و رفاهی، کاربرد هرچه کمتر حبس و در نتیجه قضاودایی را حمایت می‌کنند.

۷-۵. گسترش شبکه

میل و علاقه به صدور مجازات‌های اجتماعی و کاربرد صحیح آن، به یک راه‌حل مضاعف در کنار حبس منجر می‌شود تا این‌که کشورها به تمرکز و توجه اکید به هدف کلی ایجاد جایگزین‌های حبس و کاهش جمعیت زندان متوجه شوند.

۷-۶. کنترل و نظارت

مقامات قضایی باید پیوسته استراتژی‌های مختلف مطابق با اجرای جایگزین‌ها را بررسی کنند. یک رویکرد آن است که سررسیدهایی بر اساس اقدامات خاص تنظیم

کنند تا این‌که بتوانند موفقیت‌ها را جشن گرفته و شکست‌ها را یادداشت کنند. هرگاه معیارها برآورده نشدند، اقدامات جبرانی انجام دهند. آن‌ها باید مراقب باشند که جایگزین‌ها به صورت صحیح اجرا شود و صحت و اعتبار آن‌ها را حفظ کنند. آن‌ها باید مجرمان را به شرکت در مجازات‌های اجتماعی تشویق کنند تا علاوه بر اجتناب از حبس، فرصتی را برای ایجاد یک زندگی بهتر برای خودشان به دست آورند. حمایت عموم جامعه از جایگزین‌ها در ایجاد همکاری و اعتماد بین آن‌ها مؤثر است.

۷-۷. توسعه جایگزین‌ها

مقامات قضایی مسئولیت دارند مزایای کلی استراتژی‌های جایگزین حبس را در حضور عموم و به قدر درک آن‌ها معرفی کنند. هدف بسیاری از استراتژی‌ها کاهش حبس است. دولت می‌تواند آگاهی و شناخت اولیه را گسترش داده و در نتیجه، عموم جامعه از هزینه‌های حبس و مزایای جایگزین آن آگاه خواهند شد. در به راه انداختن و توسعه جایگزین‌ها، دولت باید با سازمان‌هایی که در بخش قضاوت کیفری به‌طور حرفه‌ای کار می‌کنند و سازمان‌های غیردولتی که در زمینه جرم و مجازات فعالند، مشارکت کند. دولت با نشان دادن مزایای جایگزین‌های حبس به نفع قربانیان، حمایت گروه‌های قربانی را به دست آورد. دولت باید رأی عمومی را در خصوص مطلوبیت جایگزین‌ها کسب کند. بررسی‌ها حاکی از آن است که هرگاه از مردم در خصوص مجازات مجرمان سؤال شود، آن‌ها اغلب به‌طور کلی خواستار مجازات هستند، ولی وقتی اطلاعات دقیق به آن‌ها داده شود، این تقاضا تا حد زیادی کمتر می‌شود. دولت باید در خصوص استراتژی‌های جایگزین‌های حبس اطلاعات کافی ارائه کند تا عموم بتوانند با آگاهی در مباحث مربوط به جایگزین‌ها شرکت کنند. این امر باید شامل اطلاعاتی درباره مجازات‌های جاری باشد؛ زیرا عموم مردم اغلب درباره مجازات‌ها به‌طور کلی آگاهی نداشته و تنها از چند مورد عادی اطلاع دارند. دولت باید این اعتقاد عمومی را که همه مجرمان سزاوار مجازات هستند تغییر داده و سیاست‌گذاران ارشد و رهبران حقوقی باید در این خصوص اقدام کنند.

۸-۷. رسانه‌ها و جایگزین‌های حبس

رسانه‌های مختلف در اطلاع‌رسانی به مردم در خصوص رویکردهای، حبس نقش اساسی دارند. لازم است که آن‌ها به‌طور خلاصه در جریان تأثیر کلی جایگزین‌ها قرار بگیرند تا بتوانند شکست‌های اتفاقی را در چهارچوب دیدگاه گسترده‌تری قرار دهند. مقامات قضایی مربوطه باید با رسانه‌ها در طولانی‌مدت ارتباط داشته و آن‌ها را در جریان پیشرفت‌ها قرار دهند. اگر برخی روزنامه‌نگاران مجازات‌های خشن‌تر مثل استفاده از حبس را پیشنهاد کنند، مقامات قضایی باید در خصوص هزینه پیشنهادها و منابع دیگر مورد نیاز از آن‌ها سؤال کنند.

۹-۷. عدالت و برابری

مقامات قضایی باید با توجه به منافع جایگزین‌های حبس و به‌صرفه بودن آن‌ها، بیشتر از آن‌ها استفاده کنند. آن‌ها باید هم‌چنین نظام عدالت کیفری مبتنی بر جایگزین‌های اجتماعی را مورد تأکید قرار دهند. هم‌چنین لازم است برای جلوگیری از سوءتفاهم در این‌که این جایگزین‌ها فقط برای تعداد معدودی از افراد اجرا می‌شود، به اصل برابری توجه کنند.

نتیجه

چون حبس مضرات خطرناک زیادی دارد، اتفاق نظر ارائه‌شده توسط قواعد و استانداردهای سازمان ملل آن است که کشورهای عضو از جایگزین‌های حبس به‌منظور کاهش جمعیت زندان استفاده کنند. قواعد و استانداردهای سازمان ملل کاربرد حبس را فقط به‌عنوان آخرین راه چاره و در کوتاه‌ترین زمان ممکن می‌پذیرد. در مقایسه با حبس، جایگزین‌های حبس اغلب در دستیابی به اهداف اصلی امنیت عمومی، مثل امنیت بیشتر برای مردم، مؤثرترند. آن‌ها اگر به‌طور مناسب طراحی و اجرا شوند، در عین داشتن هزینه کمتر، در کوتاه‌مدت و بلندمدت، حقوق بشر را نیز کمتر مورد تجاوز قرار می‌دهند. این کتاب به جایگزین‌های حبس در طی فرآیند قضاوت کیفری توجه دارد که مطابق قواعد و استانداردهای سازمان ملل هستند.

اولین استراتژی، دور نگه داشتن مجرمان از سیستم عدالت کیفری است. همه رفتارهای نامطلوب اجتماعی نباید به‌عنوان یک جرم طبقه‌بندی شده یا از طریق فرآیند قضاوت کیفری با آن‌ها برخورد شود. جرم‌زدایی به‌طور قانونی رفتاری را که زمانی جرم محسوب می‌شده دیگر جرم تعریف نمی‌کند. استراتژی دیگر، قضازدایی است که در آن، گزینه‌های مقابله با مجرمان به جای ارجاع آن‌ها به دادگاه‌های جزا، آن‌ها را به برنامه‌های اصلاحی یا دیگر برنامه‌ها معرفی می‌کنند.

در هر مرحله از فرآیند قضاوت کیفری (پیش از محاکمه، پیش از محکومیت، پیش از صدور حکم، صدور حکم و آزادی پیش از موعد)، این کتاب راهنما مسائل موجود پیرامون حبس را بررسی کرده، انواع جایگزین‌های موجود را شرح داده و زیرساخت لازم را برای کاربردی کردن این گزینه‌ها مشخص و عاملان اصلی اجرای این تغییرات را معرفی کرده است.

حبس در مرحله پیش از محاکمه، خصوصاً بازداشت افراد مظنون به بی‌گناهی، یک تجاوز شدید به حق آزادی فرد است. فقط در شرایط کاملاً محدود این نوع بازداشت تأیید می‌شود. این کتابچه نمونه‌هایی از جایگزین‌های بازداشت پیش از محاکمه را ارائه داده است که مسائل امنیتی عمومی و حقوق بشر، هر دو، را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این دستورها مستلزم شرایطی مثل حاضر شدن در دادگاه در یک روز معین یا ماندن در یک آدرس مشخص و غیره است.

در مرحله صدور حکم، این کتاب در کل برای تعیین لزوم صدور حکم مجازات حبس، بررسی دقیق هر مورد را پیشنهاد داده است. در این صورت پیشنهاد کتاب آن است که این حکم باید تا حد امکان کوتاه‌مدت بوده و هدف حبس را برآورده کند. این کتابچه هم‌چنین تعدادی از جایگزین‌های حبس را به تفصیل مورد بحث قرار داده که شامل مجازات‌های لفظی (توبیخ و وعظ)، آزادی مشروط، مجازات‌های قانونی و کارهای رایگان است که توسط قوانین توكیو پیشنهاد شد.

آزادی پیش از موعد نیز در مورد گروه‌های خاصی از مجرمان که در مقابل اثرات منفی زندان آسیب‌پذیر هستند — مثل کودکان، زنان، بیماران روانی و افرادی که مرتکب

جرایم مربوط به مواد مخدر شده‌اند — مورد توجه قرار گرفته تا معلوم شود کدام یک از جایگزین‌های حبس در مورد این گروه، مناسب و کاربردی است. و بالأخره چهارچوبی برای کمک به خوانندگان در جهت طراحی یک استراتژی برای کاهش جمعیت زندان ارائه کرده است. امید است مطالب این کتابچه راهنما برای دولت‌ها و جوامع در بررسی و اجرای جایگزین‌های حبس مفید و مؤثر باشد.